



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# پرسش و پاسخ

(پیرامون مہائی اعظمادی)

مرزبان کریمہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پرسش و پاسخ در مبانی اعتقادی

نویسنده:

مرزبان کریمی

ناشر چاپی:

سدره المنتهی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۱	پرسش و پاسخ در مباحث اعتقادی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۷	فهرست
۲۸	مقدمه
۳۶	اهمیت پرسش و پرسشگری
۳۷	اگر نمی دانید سؤال کنید
۳۷	اشاره
۳۸	از چه کسانی سؤال کنیم؟
۳۹	انواع سؤال:
۳۹	۱. سؤال توضیحی و پرسشی
۳۹	۲. سؤال اعتراضی
۴۰	۳. سؤال تقاضا
۴۰	۴. سؤال فطرت
۴۰	۵. سؤال عقوبت
۴۰	اشاره
۴۱	انسان در سؤال کردن از چه اموری نهی شده است؟
۴۲	منطق آزاد اندیشی در اسلام
۴۳	مجادله در قرآن
۴۴	ادب جدل و مناظره
۴۸	۱. لزوم شناخت خدا چیست؟
۴۹	۲. چگونه می توان وجود خدا را اثبات کرد؟
۵۰	۳. اگر خدا محبت است، پس این همه درد و رنج برای چیست؟
۵۱	۴. چرا خداوند برخی خواسته ها و حوائج انسان را اجابت می کند و برخی را اجابت نمی کند؟
۵۲	۵. خصوصیات جهان بینی توحیدی کدامند؟
۵۳	۶. اگر خداوند بی نیاز است لزوم قرار دادن ثواب و عقاب برای عبادت چیست؟
۵۴	۷. منظور از لقای پروردگار چیست؟
۵۵	۸. مقصود از به سَمِ اللَّهِ در جمله بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ چیست؟
۵۵	۹. آیا با گفتن قولوا لا اله الا الله تفلحوا انسان رستگار می شود؟
۵۶	۱۰. چگونه ارزیابی ایمان را بیان کنید؟
۵۷	۱۱. اسلام و ایمان را مقایسه کرده رابطه عمل و ایمان را بیان کنید؟
۵۸	۱۲. ماهیت ایمان چیست؟

۱۳. از کجایهیم ایمان ما درست است؟ ..... ۵۹
۱۴. آیا غیر مؤمنانی که خدماتی به بشریت کرده اند اجر و ثوابی دارند؟ ..... ۶۰
۱۵. عالم در کجا و چگونه است؟ ..... ۶۰
۱۶. عالم روح چیست؟ ..... ۶۱
۱۷. بهشت و جهنم در کجا است؟ ..... ۶۲
۱۸. آیا اسلام دین شمشیر است یا صلح و مهربانی؟ ..... ۶۳
۱۹. چگونه حقانیت اسلام را اثبات کنیم؟ ..... ۶۴
۲۰. اهمیت علم و دانش را از دیدگاه اسلام مختصر شرح دهید؟ ..... ۶۵
۲۱. چرا باید زیارت عاشورا بخوانیم؟ ..... ۶۶
۲۲. در زیارت جامعه کبیره می فرماید که ائمه اطهار علیهم السلام ارکان توحید خداوند هستند، منظور چیست؟ ..... ۶۷
۲۳. فلسفه ی آفرینش شیطان چیست؟ ..... ۶۸
۲۴. با توجه به بحث وحدت مسلمین آیا خواندن لعنت هایی که در زیارت عاشورا آمده صحیح است؟ ..... ۷۰
۲۵. آیا مکان مقدس در استجابت دعا تأثیر دارد؟ ..... ۷۰
۲۶. چرا مقام امامت نسبت به مقام نبوت برتری دارد؟ ..... ۷۱
۲۷. آیا همه سرزمین ها پیامبر داشته اند؟ ..... ۷۲
۲۸. چرا اکثر پیامبران الهی در انجام رسالت خود موفق نبوده اند؟ ..... ۷۲
۲۹. در زمان های قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه ی فیض چه کسانی بودند؟ ..... ۷۳
۳۰. آیا شیطان می تواند در قالب بدن پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام در خواب یا بیداری در بیاید؟ ..... ۷۴
۳۱. همسران فرزندان آدم چه کسانی بودند؟ ..... ۷۵
۳۲. چه کسانی علم غیب دارند؟ ..... ۷۶
۳۳. آیا آیات اول سوره فتح با عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مغایرت ندارد؟ ..... ۷۷
۳۴. چرا ما شیعیان به عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام معتقد هستیم ولی اهل تسنن اعتقادی به این موضوع ندارند؟ ..... ۷۸
۳۵. با توجه به این که برخی پیامبران دچار لغزش و گناه شدند (حضرت آدم علیه السلام حضرت یونس علیه السلام و...) آیا این موضوع با عصمت پیامبران مغایرت ندارد؟ ..... ۷۹
۳۶. چرا امام حسین علیه السلام کشته شد؟ ..... ۷۹
۳۷. چه رابطه ای بین ۱۲ حواریون و ۱۲ امام می باشد؟ ..... ۸۱
۳۸. چرا لقب آیت الله العظمی را به خیلی از علماء نسبت می دهند؟ آیا این لقب مخصوص حضرت علی علیه السلام نیست؟ ..... ۸۲
۳۹. منظور از ثقل اکبر و ثقل اصغر چیست؟ ..... ۸۳
۴۰. چگونه می توان اثبات کرد که ائمه علیهم السلام یا شهدا شفیع هستند؟ ..... ۸۴
۴۱. آیا معجزات همان گونه که در مورد پیامبران وجود داشت در مورد ائمه علیهم السلام نیز وجود دارد؟ ..... ۸۴
۴۲. چرا ائمه علیهم السلام در هنگام سختی ها و مصیبت ها و نیز در جنگ با دشمنان اسلام از کرامات و معجزات خویش بهره نمی برند؟ ..... ۸۵
۴۳. چرا اکثر ائمه علیهم السلام به وسیله زهر کشته شدند؟ آیا نمی توانستند از این اتفاق جلوگیری کنند؟ ..... ۸۶
۴۴. با توجه به زندگی اهل بیت علیهم السلام و بی اعتنائی ایشان به دنیا، علت پافشاری ایشان در به دست آوردن فدک چه بوده است؟ ..... ۸۷
۴۵. علانم حتمی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کدامند؟ ..... ۸۷
۴۶. آیا حضرت مهدی علیه السلام زمانی که ظهور می کند دین جدیدی می آورد؟ ..... ۸۹
۴۷. اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به طریق برهان فیض تکوینی چگونه است؟ ..... ۹۱

۴۸. چگونه از حریم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دفاع کنیم؟ ..... ۹۱
۴۹. دلایل اثبات رجعت را بیان کنید؟ ..... ۹۲
۵۰. توجیه عقلی رجعت ائمه علیهم السلام در آخر الزمان چیست؟ ..... ۹۳
۵۱. با عنایت به اعتقاد اکثر ادیان به وجود منجی آخر الزمان، چگونه می توان حقانیت منجی بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات کرد؟ ..... ۹۳
۵۲. اگر همه چیز از مجرای فیض امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گذرد چرا انحراف وجود دارد؟ ..... ۹۴
۵۳. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه مخالفانش را می کشد؟ ..... ۹۵
۵۴. آیا در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نفس اماره از میان برداشته می شود؟ و مردم گناه نمی کنند؟ ..... ۹۵
۵۵. ویژگی منتظران واقعی چیست؟ ..... ۹۶
۵۶. اثبات وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟ ..... ۹۷
۵۷. آیا این که می گویند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خانواده اش در جزیره خضراء زندگی می کنند صحیح است؟ ..... ۹۸
۵۸. آیا جزیره خضراء حقیقت دارد؟ ..... ۹۹
۵۹. آیا افراد عادی می توانند امام زمان را ملاقات کنند؟ ..... ۹۹
۶۰. آیا می شود به مدعیان دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتماد کرد؟ ..... ۹۹
۶۱. چگونه می توان قلب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خشنود کرد؟ ..... ۱۰۰
۶۲. زمینه سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟ ..... ۱۰۰
۶۳. چرا وقتی صحبت از امام زمان علیه السلام می شود فقط به جنبه هایی مثل انتقام، شمشیر، خون و... پرداخته می شود و چرا برای معرفی حضرت از خوبی ها و محاسن حضرت ایشان صحبت نمی شود، تا شوق مردم به ظهور بیشتر شود؟ ..... ۱۰۰
۶۴. آیا یاران حضرت مهدی فقط ۳۱۳ نفر هستند؟ ..... ۱۰۱
۶۵. آیا انسان های گذشته نیز در رکاب امام زمان مبارزه خواهند کرد؟ ..... ۱۰۱
۶۶. دلایل طولانی شدن غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟ ..... ۱۰۲
۶۷. شرایط ظهور منجی آخر الزمان چیست؟ ..... ۱۰۲
۶۸. چه شبهاتی پیرامون مسائل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟ ..... ۱۰۳
۶۹. فلسفه غیبت چیست؟ ..... ۱۰۳
۷۰. چه دلایلی در جهت اثبات زنده بودن امام عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟ ..... ۱۰۴
۷۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت چگونه با مردم در ارتباطند؟ و چگونه به بررسی وحل مشکلات و خطرات دنیای اسلام می پردازند؟ ..... ۱۰۵
۷۲. چگونه می توان در زندگی خویش رنگ و بوی ظهور و مهدویت ایجاد کرد؟ ..... ۱۰۶
۷۳. عده ای بر این باور هستند که با ظهور حضرت حجت الله علیه السلام ایستادگی ایشان و نوع برخوردشان همراه با عصبیت و قهریت می باشد به طوری که از ایشان وجه های خونریز معرفی نموده اند، آیا این گونه است؟ ..... ۱۰۶
۷۴. با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی و انواع سلاح های مدرن، برخورد نظامی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه خواهد بود و آیا آن حضرت صرفا با شمشیر قیام خواهد نمود؟ ..... ۱۰۷
۷۵. چرا امام معصوم به خورشید تشبیه شده است؟ ..... ۱۰۹
۷۶. جهانی شدن اسلام را اثبات کنید؟ ..... ۱۱۰
۷۷. تفاوت میان جهانی شدن اسلام و جهانی سازی چیست؟ ..... ۱۱۱
۷۸. در دورانی که مکاتب، مذاهب، فرق و گروه های متنوع و متعددند، ما چه وظیفه ای داریم؟ ..... ۱۱۲
۷۹. وظیفه ما ایرانیان به عنوان تنها کشور شیعه در جهت تلاش برای ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟ ..... ۱۱۳
۸۰. ویژگی های یاران خاص حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟ ..... ۱۱۵
۸۱. چرا نام ائمه شیعه، خصوصا علی (علیه السلام) در قرآن نیامده است؟ ..... ۱۱۶
۸۲. به چه دلایلی قرآن تحریف نشده است؟ ..... ۱۱۷

۸۳. آیا لعن کردن و ناسزا گفتن به دشمنان از نظر اسلام جایز است؟ ..... ۱۱۸
۸۴. کلمه اساطیر الاولین در قرآن به چه معنایی است؟ ..... ۱۱۹
۸۵. داستانهای قرآن دارای چه ویژگی هایی هستند؟ ..... ۱۲۰
۸۶. ولایت تکوینی چیست؟ ..... ۱۲۲
۸۷. ماجرای تغییر قبله چه بود؟ ..... ۱۲۳
۸۸. گناه کبیره یعنی چه و فلسفه وجودی آن چیست؟ ..... ۱۲۳
۸۹. شفاعت یعنی چه و مخصوص چه کسانی است؟ ..... ۱۲۴
۹۰. شرارت و بدی از کجا سرچشمه می گیرد؟ ..... ۱۲۵
۹۱. آیا ملائکه هم دارای رشد روحی و یا بدنی هستند؟ آیا بدن دارند؟ ..... ۱۲۶
۹۲. روز قیامت در کجا اتفاق خواهد افتاد؟ ..... ۱۲۷
۹۳. یاد مرگ چه فایده اخلاقی در بر دارد؟ آیا موجب یأس و ناامیدی نمی شود؟ ..... ۱۲۸
۹۴. منظور از کلمه رزق و احیاء در آیه ۱۵۴ سوره بقره و آیه ۱۶۹ سوره آل عمران چیست؟ ..... ۱۲۹
۹۵. آیا زیارت اهل قبور را پیامبر(صلی الله علیه واله) نهی کرده و آیا این کار نوعی شرک و بت پرستی است؟ ..... ۱۳۰
۹۶. چرا انسان ها از مرگ می ترسند؟ ..... ۱۳۱
۹۷. قرآن چگونه یهودیان را مذمت نموده است؟ ..... ۱۳۲
۹۸. چگونه می توان وجود روح را اثبات کرد؟ ..... ۱۳۳
۹۹. کلمه ابلیس و شیطان به چه معنی می باشد؟ ..... ۱۳۴
۱۰۰. ویژگی های انسان در جهان بینی توحیدی اسلام چیست؟ ..... ۱۳۵
۱۰۱. راه های رسیدن انسان به خدا کدامند؟ ..... ۱۳۶
۱۰۲. فلسفه آفرینش انسان چیست؟ ..... ۱۳۷
۱۰۳. هدف از زندگی انسان در این دنیا چیست؟ و ما برای چه زنده ایم؟ ..... ۱۴۰
۱۰۴. آیا وقتی آمبول بی حسی به نقطه ای از بدن می زنند در آن نقطه روح وجود دارد؟ ..... ۱۴۲
۱۰۵. دروغ مصلحتی یعنی چه؟ ..... ۱۴۳
۱۰۶. آیا شفا یافتن و درمان شدن بیماران در زیارتگاه ها و اماکن مقدس به قدرت روحی مریض بستگی دارد یا از معجزات ایشان است؟ ..... ۱۴۴
۱۰۷. آیا موسیقی در اسلام جایگاهی دارد؟ ..... ۱۴۴
۱۰۸. آیا انسان می تواند خودش را قصاص کند یا بر خود حد جاری کند؟ ..... ۱۴۵
۱۰۹. موسیقی که دارای تأثیرات روحی است چه حکمی دارد و وظیفه ما چیست؟ ..... ۱۴۶
۱۱۰. اهمیت بیت المقدس در چیست؟ ..... ۱۴۷
۱۱۱. با توجه به آیات و روایات مبنی بر این که خود را به هلاکت نیندازید عملیات استشهادی فلسطینیان چگونه توجیه می شود؟ ..... ۱۴۷
۱۱۲. مالک سرزمین فلسطین کیست؟ ..... ۱۴۸
۱۱۳. وظیفه ما در برابر کمک و یاری به مردم فلسطین چیست؟ ..... ۱۴۸
۱۱۴. تاریخچه و تفکرات وهابيون را شرح دهید؟ ..... ۱۴۹
۱۱۵. عرفان یعنی چه؟ ..... ۱۵۱
۱۱۶. کشف و شهود چیست؟ ..... ۱۵۱
۱۱۷. مراحل رسیدن به عرفان را توضیح دهید؟ ..... ۱۵۲



۱۱۸. صوفی گری را توضیح دهید؟..... ۱۵۲
۱۱۹. فرقه صوفیه از دیدگاه بزرگان دین چگونه نقد می شود؟..... ۱۵۴
۱۲۰. انواع حکومت را بیان کنید؟..... ۱۵۶
۱۲۱. انواع قانون و حکم از نظر اسلام چیست؟..... ۱۵۷
۱۲۲. مفهوم و تعریف واژه ولایت را توضیح دهید؟..... ۱۵۸
۱۲۳. تاریخچه ولایت فقیه را بیان کنید..... ۱۵۹
۱۲۴. سابقه و پیشینه ولایت فقیه چیست؟..... ۱۶۰
۱۲۵. «ولایت مطلقه» به چه معناست؟..... ۱۶۲
۱۲۶. نظر مقام معظم رهبری در خصوص ولایت فقیه چیست؟..... ۱۶۳
۱۲۷. مفهوم ولایت مطلقه ی فقیه را از دیدگاه رهبر معظم انقلاب بیان کنید..... ۱۶۳
۱۲۸. ولایت مطلقه ی فقیه از نظر امام خمینی (ره) چه مفهومی دارد؟..... ۱۶۴
۱۲۹. معنای مطلقه بودن ولایت فقیه چیست؟..... ۱۶۵
۱۳۰. چگونه ولایت فقیه می تواند مطلقه باشد در حالی که خیرگان رهبری می توانند ولی فقیه را از ولایت عزل نمایند؟..... ۱۶۶
۱۳۱. نظرات فقها در مورد ولایت فقیه چیست؟..... ۱۶۷
۱۳۲. علت ناشناخته ماندن اصل ولایت فقیه چیست؟..... ۱۶۸
۱۳۳. ساده ترین دلیل عقلی بر ولایت فقیه چیست؟..... ۱۷۰
۱۳۴. آیا اطاعت از ولی فقیه واجب است یا خیر؟..... ۱۷۱
۱۳۵. جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟..... ۱۷۲
۱۳۶. دلایل نقلی اثبات ولایت فقیه را بیان کنید..... ۱۷۳
۱۳۷. یک دلیل عقلی در اثبات ولایت فقیه بیان کنید..... ۱۷۵
۱۳۸. صفات و شرایط ولی فقیه چیست؟..... ۱۷۶
۱۳۹. آیا عدم عصمت ولی فقیه مانع اطاعت از او نمی گردد؟..... ۱۷۸
۱۴۰. آیا احتمال خطا در ولی فقیه موجب عدم اطاعت از او می شود؟..... ۱۷۸
۱۴۱. آیا نظام ولایت فقیه همان نظام توتالیتر و دیکتاتوری نیست؟..... ۱۷۹
۱۴۲. رابطه ولی فقیه با سایر قوای مملکت چگونه است؟..... ۱۸۲
۱۴۳. تفاوت فتوا و حکم چیست؟..... ۱۸۳
۱۴۴. انواع و مراتب و سیر نزولی ولایت از نظر اسلام کدامند؟..... ۱۸۳
۱۴۵. آیا ولایت فقیه فقط در امور حسبیه است؟..... ۱۸۴
۱۴۶. آیا اطاعت از حکم حکومتی بر همگان واجب است؟..... ۱۸۵
۱۴۷. آیا نظریه انتصاب ولایت فقیه با قانون اساسی تضادی ندارد؟..... ۱۸۵
۱۴۸. آیا ولایت فقیه با جمهوریت نظام تضاد ندارد؟..... ۱۸۶
۱۴۹. انتصابی بودن ولی فقیه چگونه است؟..... ۱۸۷
۱۵۰. آیا مسأله ولایت فقیه یک مسأله فقهی است و تقلیدی و هر کس باید از مرجع تقلید خود پیروی کند یا یک مسأله عقلی و تحقیقی است که مثل اصول دین انسان خود باید تحقیق کند؟..... ۱۸۸
۱۵۱. آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است؟ یا شرعی؟..... ۱۸۹
۱۵۲. آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه ی فقیه ندارد، مسلمان محسوب می شود؟..... ۱۸۹

۱۵۳. آیا ولی فقیه، ولایت تکوینی دارد که بر اساس آن بتواند احکام دینی را به هر دلیلی مانند مصلحت عمومی نسخ نماید؟----- ۱۸۹

منابع----- ۱۹۲

درباره مرکز----- ۱۹۶

## پرسش و پاسخ در مبانی اعتقادی

### مشخصات کتاب

کریمی، مرزبان، 1335

پرسش و پاسخ (در مبانی اعتقادی) / مؤلف: مرزبان کریمی

شهر کرد: سدره المنتهی، 1386

ص 184

شابک: 978-964-96497-8-8

ISBN: 978-964-96497-8-8

کتابنامه: 181-184؛ به صورت زیرنویس

1. به اثبات 2. اسلام - پرسش و پاسخها. الف. عنوان.

297/42

پ 516 ک

1386

مرکز پخش: تهران، انتشارات اندیشه اسلامی، مقابل دانشگاه تهران، خیابان فخر رازی، بین چهارراه اول و دوم، کوچه شهید فاتح داریان،

پلاک 43، تلفن 66961497

نشانی ناشر: شهرکرد میرآباد غربی، خیابان شمس، خیابان خیام، کوچه 5، پلاک 11

ص: 1

اشاره



پرسش و پاسخ

ص: 3



پرسش و پاسخ

(پیرامون مبانی اعتقادی)

مرزبان کریمی

شهرکرد- زمستان 1386

ص: 5

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَوَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرِهِ الْمُنْتَهَىٰ

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ

ص: 6



مقدمه...17

اهمیت پرسش و پرسشگری...25

اگر نمی دانید سؤال کنید؟...26

از چه کسانی سؤال کنیم؟...27

انواع سؤال:...28

1. سؤال توضیحی و پرسشی...29

2. سؤال اعتراضی...29

3. سؤال تقاص...29

4. سؤال فطرت...29

5. سؤال عقوبت...29

ص: 7

انسان در سؤال کردن از چه اموری نهی شده است...30

منطق آزاداندیشی در اسلام...31

مجادله در قرآن...32

ادب جدل و مناظره...33

1. لزوم شناخت خدا چیست؟...37

2. چگونه می توان وجود خدا را اثبات کرد؟...38

3. اگر خدا محبت است، پس این همه درد و رنج برای چیست؟...39

4. چرا خداوند برخی خواسته ها و حوائج انسان را اجابت می کند و برخی را اجابت نمیکند؟...40

5. خصوصیات جهان بینی توحیدی کدامند؟...41

6. اگر خداوند بی نیاز است لزوم قرار دادن ثواب و عقاب برای عبادت چیست...34

7. منظور از لقای پروردگار چیست؟...44

8. مقصود از به اسم الله در جمله بسم الله الرحمن الرحيم چیست؟...44

9. آیا با گفتن قولوا لا اله الا الله تفلحوا انسان رستگار می شود؟...44

10. چگونه ارزیابی ایمان را بیان کنید؟...45

11. ایمان را مقایسه کرده رابطه عمل و ایمان را بیان کنید؟...46

12. ماهیت ایمان چیست؟...47

13. از کجا بفهمیم ایمان ما درست است؟...48

14. غیر مؤمنانی که خدماتی به بشریت کرده اند اجر و ثوابی دارند؟...49

15. عالم در کجا و چگونه است؟...49

16. عالم روح چیست؟...50

17. بهشت و جهنم در کجا است؟...51



18. آیا اسلام دین شمشیر است یا صلح و مهربانی؟...52

19. چگونه حقانیت اسلام را اثبات کنیم؟...53

20. اهمیت علم و دانش را از دیدگاه اسلام مختصر شرح دهید؟...54

21. چرا باید زیارت عاشورا بخوانیم؟...55

22. در زیارت جامعه کبیره می فرماید که ائمه اطهار علیهم السلام ارکان توحید خداوند هستند، منظور چیست؟...56

23. فلسفه ی آفرینش شیطان چیست؟...57

14. با توجه به بحث وحدت مسلمین آیا خواندن لعنتهایی که در زیارت عاشورا آمد صحیح است؟...59

25. آیا مکان مقدس در استجاب دعا تأثیر دارد؟...59

26. چرا مقام امامت نسبت به مقام نبوت برتری دارد؟...60

27. آیا همه سرزمینها پیامبر داشته اند؟...61

28. چرا اکثر پیامبران الهی در انجام رسالت خود موفق نبوده اند؟...61

29. در زمانهای قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه ی فیض چه کسانی بودند؟...62

30. آیا شیطان می تواند در قالب بدن پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام در خواب یا بیداری در بیاید؟...63

31. همسران فرزندان آدم چه کسانی بودند؟...64

32. چ کسانی علم غیب دارند...65

33. آیا آیات اول سوره فتح با عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مغایرت ندارد؟...66

34. چرا ما شیعیان به عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام معتقد هستیم ولی اهل تسنن اعتقادی به این موضوع

ندارند؟...67

35. با توجه به این که برخی پیامبران دچار لغزش و گناه شدند (حضرت آدم علیه السلام حضرت یونس علیه السلام و...) آیا این موضوع با

عصمت پیامبران مغایرت ندارد؟...68

36. چرا امام حسین علیه السلام کشته شد؟...68
37. چه رابطه ای بین 12 حواریون و 12 امام می باشد؟...70
38. چرا لقب آیت الله العظمی را به خیلی از علماء نسبت می دهند؟ آیا این لقب مخصوص حضرت علی علیه السلام نیست؟...71
39. منظور از ثقل اکبر و ثقل اصغر چیست؟...72
40. چگونه می توان اثبات کرد که ائمه علیهم السلام با شهدا شفیع هستند؟...73
41. آیا معجزات همان گونه که در مورد پیامبران وجود داشت در مورد ائمه علیهم السلام نیز وجود دارد؟...73
42. چرا ائمه علیهم السلام در هنگام سختی ها و مصیبت ها و نیز در جنگ با دشمنان اسلام از کرامات و معجزات خویش بهره نمی برند؟...74
43. چرا اکثر ائمه علیهم السلام به وسیله زهر کشته شدند؟ آیا نمی توانستند از این اتفاق جلوگیری کنند؟...75
44. با توجه به زندگی اهل بیت علیهم السلام و بی اعتنایی ایشان به دنیا، علت پافشاری ایشان در به دست آوردن فدک بوده است؟...76
45. علل حتمی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کدامند؟...76
46. آیا حضرت مهدی علیه السلام زمانی که ظهور میکند دین جدیدی می آید؟...78
47. اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به طریق برهان فیض تکوینی چگونه است؟...80
48. چگونه از حریم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دفاع کنیم؟...80
49. دلایل اثبات رجعت را بیان کنید؟...81
50. توجیه عقلی رجعت ائمه در آخر الزمان چیست؟...82
51. با عنایت به اعتقاد اکثر ادیان به وجود منجی آخر الزمان، چگونه می توان حقانیت منجی بودن حضرت مهدی علیه السلام را اثبات کرد؟...82
52. اگر همه چیز از مجرای فیض امام زمان علیه السلام میگذرد چرا انحراف وجود دارد؟...83

53. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه مخالفانش را می کشد؟...84
54. آیا در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نفس اماره از میان برداشته می شود؟ و مردم گناه نمی کنند؟...84
55. ویژگی منتظران واقعی چیست؟...85
56. اثبات وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟...86
57. آیا این که میگویند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خانواده اش در جزیره خضراء زندگی می کنند صحیح است؟...87
58. آیا جزیره خضراء حقیقت دارد؟...88
59. آیا افراد عادی می توانند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات کنند؟...88
60. آیا می شود به مدعیان دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتماد کرد؟...88
61. چگونه می توان قلب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خشنود کرد؟...89
62. زمینه سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟...89
63. چرا وقتی صحبت از امام زمان علیه السلام میشود فقط به جنبه هایی مثل انتقام، شمشیر، خون و... پرداخته می شود و چرا برای معرفی حضرت از خوبی ها و محاسن حضرت ایشان صحبت نمی شود، تا شوق مردم به ظهور بیشتر شود؟...89
64. آیا یاران حضرت مهدی فقط 313 نفر هستند؟...90
65. آیا انسانهای گذشته نیز در رکاب امام زمان مبارزه خواهند کرد؟...90
66. دلایل شدن غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟...91
67. شرایط ظهور منجی آخرالزمان چیست؟...91
68. چه شبهاتی پیرامون مسائل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟...92
69. فلسفه غیبت چیست؟...92

70. چه دلایلی در جهت اثبات زنده بودن امام عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟...93

71. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت چگونه با مردم در ارتباطند؟ و چگونه به بررسی و حل مشکلات و خطرات دنیای اسلام میپردازند؟...94

72. چگونه می توان در زندگی خویش رنگ و بوی ظهور و مهدویت ایجاد کرد؟...95

73. عده ای بر این باور هستند که با ظهور حضرت حجت الله علیه السلام ایستادگی ایشان و نوع برخوردشان همراه با عصبیت و قهریت می باشد به طوری که از ایشان وجه های خونریز معرفی نموده اند، آیا اینگونه است؟...95

74. با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی و انواع سلاح های مدرن، برخورد نظامی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه خواهد بود و آیا آن حضرت صرفاً با شمشیر قیام خواهد نمود؟...96

75. چرا امام معصوم ب خورشید تشبیه شده است؟...98

76. جهانی شدن اسلام را اثبات کنید؟...99

77. تفاوت میان جهانی شدن اسلام و جهانی سازی چیست؟...100

78. در دورانی که مکاتب، مذاهب، فرق و گروههای متنوع و متعددند، ما چه وظیفه ای داریم؟...101

79. وظیفه ما ایرانیان به عنوان تنها کشور شیعه در جهت تلاش برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟...102

80. ویژگی های باران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟...104

81. چرا نام شیعه، خصوصاً علی علیه السلام در قرآن نیامده است؟...105

82. به چه دلایلی قرآن تحریف نشده است؟...106

83. آیا لعن کردن و ناسزا گفتن به دشمنان از نظر اسلام جایز است؟...107

84. کلمه اساطیر اولین در قرآن به چه معنایی است؟...108

85. داستانهای قرآن دارای چه ویژگی هایی هستند؟...109

86. ولایت تکوینی چیست؟...111
87. ماجرای تغییر قبله چه بود؟...112
88. گناه کبیره یعنی چه و فلسفه وجودی آن چیست؟...112
89. شفاعت یعنی چه و مخصوص چه کسانی است؟...113
90. شرارت و بدی از کجا سرچشمه می گیرد؟...114
91. آیا ملائکه هم دارای رشد روحی و یا بدنی هستند؟ آیا بدن دارند؟...115
92. روز قیامت در کجا اتفاق خواهد افتاد؟...116
93. یاد مرگ چه فایده اخلاقی در بر دارد؟ آیا موجب یأس ناامیدی نمیشود؟...117
94. منظور از کلمه رزق و احیاء در آیه 154 سوره بقره و آیه 169 سوره آل عمران چیست؟...118
95. آیا زیارت اهل قبور را پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرده و آیا این کار نوعی شرک و بت پرستی است؟...119
96. چرا انسان ها از مرگ می ترسند؟...120
97. قرآن چگونه یهودیان را مذمت نموده است؟...121
98. چگونه می توان وجود روح را اثبات کرد؟...122
99. کلمه ابلیس و شیطان به چه معنی می باشد؟...123..100. ویژگی های انسان در جهان بینی توحیدی اسلام چیست؟...124
101. راههای رسیدن انسان به خدا کدامند؟...125
102. فلسفه آفرینش انسان چیست؟...126
103. هدف از زندگی انسان در این دنیا چیست؟ و ما برای چه زنده ایم؟...129
104. آیا وقتی آمپول بی حسی به نقطه ای از بدن می زنند در آن نقطه روح وجود دارد؟...131
105. دروغ مصلحتی یعنی چه؟...132



106. آیا شفا یافتن و درمان شدن بیماران در زیارتگاه ها و اماکن مقدس به قدرت روحی مریض بستگی دارد یا از معجزات ایشان است؟...133
107. جایگاهی دارد؟...133
108. آیا انسان می تواند خودش را قصاص کند یا بر خود حد جاری کند؟...134
109. موسیقی ک دارای تأثیرات روحی است چه حکمی دارد و وظیفه ما چیست؟...135
110. اهمیت بیت المقدس در چیست؟...136
111. با توجه به آیات و روایات مبنی بر این که خود را به هلاکت نیندازید عملیات استشهادی فلسطینیان چگونه توجیه می شود؟...136
112. مالک سرزمین فلسطین کیست؟...137
113. وظیفه ما در برابر کمک و یاری به مردم فلسطین چیست؟...137
114. تاریخچه و تفکرات وهابیون را شرح دهید؟...138
115. عرفان یعنی چه ؟...140
116. کشف و شهود چیست؟...140
117. مراحل رسیدن به عرفان را توضیح دهید؟...141
118. صوفیگری را توضیح دهید؟...141
119. فرقه صوفیه از دیدگاه بزرگان دین چگونه نقد می شود؟...143
120. انواع حکومت را بیان کنید؟...145
121. انواع قانون و حکم از نظر اسلام چیست؟...146
122. مفهوم و تعریف واژه ولایت را توضیح دهید؟...147
123. تاریخچه ولایت فقیه را بیان کنید؟...148
124. سابقه و پیشینه ولایت فقیه چیست؟...149

125. «ولایت مطلقه» به چه معناست؟...151
126. نظر مقام معظم رهبری در خصوص ولایت فقیه چیست؟...152
127. مفهوم ولایت مطلقه ی فقیه را از دیدگاه رهبر معظم انقلاب بیان کنید...152
128. ولایت مطلقه ی فقیه از نظر امام خمینی رحمه الله علیه چه مفهومی دارد؟...153
129. معنای مطلقه بودن ولایت فقیه چیست؟...154
130. چگونه ولایت فقیه می تواند مطلقه باشد در حالی که خبرگان رهبری می توانند ولی فقیه را از ولایت عزل نمایند؟...155
131. نظرات فقها در مورد ولایت فقیه چیست؟...156
132. علت ناشناخته ماندن اصل ولایت فقیه چیست؟...157
133. ساده ترین دلیل عقلی بر ولایت فقیه چیست؟...159
134. آیا اطاعت از ولی فقیه واجب است یا خیر؟...160
135. جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟...161
136. دلایل نقلی اثبات ولایت فقیه را بیان کنید...162
137. یک دلیل عقلی در اثبات ولایت فقیه بیان کنید...164
138. صفات و شرایط ولی فقیه چیست؟...165
139. آیا عدم عصمت ولی فقیه مانع اطاعت از او نمی گردد...167
140. آیا احتمال خطا در ولی فقیه موجب عدم اطاعت از او می شود؟...167
141. آیا نظام ولایت فقیه همان نظام توتالیتر و دیکتاتوری نیست؟...168
142. رابطه ولی فقیه با سایر قوای مملکت چگونه است؟...171
143. تفاوت فتوا و حکم چیست؟...172
144. انواع و مراتب و سیر نزولی ولایت از نظر اسلام کدامند؟...172

145. آیا ولایت فقیه فقط در امور حسبیه است؟...173

146. آیا اطاعت از حکم حکومتی بر همگان واجب است؟...174

147. آیا نظریه انتصاب ولایت فقیه با قانون اساسی تضادی ندارد؟...174

148. آیا ولایت فقیه با جمهوریت نظام تضاد ندارد؟...175

149. انتصابی بودن ولی فقیه چگونه است؟...176

150. آیا مسأله ولایت فقیه یک مسأله فقهی است و تقلیدی و هر کس باید از مرجع تقلید خود پیروی کند با یک مسأله عقلی و تحقیقی است که مثل اصول دین انسان خود باید تحقیق کند؟...177

151. آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است؟ یا شرعی؟...178

152. آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه ی فقیه ندارد، مسلمان محسوب میشود؟...178

153. آیا ولی فقیه، ولایت تکوینی دارد که بر اساس آن بتواند احکام دینیرا به هر دلیلی مانند مصلحت عمومی نسخ نماید؟...178

منابع...181

ص: 16

سال های اخیر در سطوح مختلف، به خصوص در بین جوانان شبهاتی درباره مطالب دینی، اعم از عقاید و ارزش ها و احکام مطرح شده است، اگر چه در این باره چند سال فضلا و اساتید محترم حوزه تلاش های بسیار مشکوری در جهت حل مشکلات، تبیین شبهات و پاسخگویی به آنها در سطوح مختلف، در قالب سخنرانی، مقاله، کتاب و مجله داشته اند ولی آن قدر هجمه دشمن قوی و گسترده است که این نوع فعالیت های پاسخگویی آن همه نیاز نیست، لذا به بحث و گفتگوی بیشتری نیاز است. متأسفانه دشمنان اسلام با تمام توان به جنگ اسلام آمده اند. بی شرمانه و آشکارا می گویند دشمن ما اسلام است و باید برای نابودی اش تلاش کنیم، ولی مشکل اساسی آنها این است که فقط با تهاجم نظامی با مبارزات اقتصادی نمی توانند به مقصود خود برسند، زیرا اسلام، دین عمیق و ریشه داری در اذهان و نفوس مسلمان هاست و به آسانی دست از آن بر نمی دارند. مبانی اسلام آن قدر قوی و محکم است که با القای این شبهات متزلزل نمی شود، برخلاف ادیانی که برخی از اعتقادات آن خلاف عقل است، ولی میگویند

چون وحی است باید به آن ایمان بیاوریم؛ یعنی اول باید ایمان آورد، بعد فهمید و شناخت. ولی مبانی، معتقدات، اصول اخلاقی و ارزشی و پایه های احکام اسلام بسیار روشن و مستحکم است و با حمله نظامی و تسلط بر آن کشور از بین نمی رود. چنان که برخی کشورهای استعمارگر حدود هفتاد سال بعضی از کشورهای اسلامی را زیر سلطه گرفتند ولی نتوانستند ریشه های دین را از قلوب مردم بردارند؛ لذا به این نتیجه رسیدند که در کنار فعالیت های نظامی، سیاسی، اقتصادی و... باید در جهت تضعیف فرهنگ اسلامی گام بردارند. این فعالیت ها از یک نظر به دو دسته تقسیم می شوند: فعالیت های عملی که با استفاده از اصول روانشناسی سعی در تضعیف ارزش های اسلامی در نفوس مردم به خصوص نسل جوان را دارند؛ مثل ساخت فیلم ها، نمایشنامه ها، نوشتن رمان ها و زدن مارک به روی اجناس و سایر چیزهایی که در دستگاه های تبلیغاتی به کار می روند. البته فعالیت های آنها بی اثر هم نبوده و متأسفانه در چند سال اخیر بعضی آثارش در کشور خودمان مشاهده می شود. بخش عمده دیگر کار آنان برای تضعیف فرهنگ اسلامی، ایجاد شبهات و شکوک در مبانی فکری و عقیدتی و همچنین در مبانی ارزشی و احکام و مقررات اسلامی، به صورت های مختلف است. البته آن چه در درجه اول برای آنها خطرناک است اعتقادات قلبی نیست، بلکه پایبندی به رفتارها و ارزش هاست. هر چند در اسلام، احکام رفتاری و احکام اجتماعی جدای از ارزشها نیست و ارزشها هم جدای از باورها نیستند. چون ارزش های ما نهایتاً به اعتقادات ما بر میگردد؛ لذا نمی توان بین باورها و ارزش های اسلامی دیوار حایل و حجاب محکمی به وجود آورد. پس آنچه در درجه اول با آن مواجه هستند و قصد از بین بردن آن را دارند، تقید مسلمانان به احکام اسلامی است. چنان که برای حجاب یک دختر در مدرسه یا اداره جنجال به پا می کنند و حاضرند منافع خودشان را به خطر بیندازند و آرای مسلمانان کشورشان را در انتخابات از دست بدهند، ولی نپذیرند که نمادی از

اسلام در کشورشان دیده شود. این نشان می دهد که تقید به احکام اسلامی بسیار مهم است. تنها مسئله، اعتقادات نیست که بیایند در اعتقادات تشکیک کنند. البته آن ها از هیچ چیزی فروگذار نمی کنند ولی در ابتدا آنچه برای آنها اهمیت دارد این است که با رفتارهایی که به خصوص در سطح جامعه نمود دارند، برخورد کنند و آنها را از بین ببرند. البته به دنبال این ها در زمینه ارزش هایی که در پس این احکام نهفته است و باورهایی که زیر بنای همه آن ارزشهاست، کارهای بسیار زیادی شده است، هر چند گاهی تصور می شود که این ها کارهای متفاوتی هستند و ربطی به هم ندارند. تصور نگارنده این است که در زمینه تضعیف باورها و ارزشها یک سیستم مبارزه با اسلام وجود دارد؛ یعنی مجموعه برنامه هایی که با هم متناسب اند و رابطه منطقی دارند، یکی از فعالیت هایی که دشمنان، البته به دست ایادی داخلی شان، انجام می دهند و با هم دیگر بی ارتباط هم نیستند این است که آمریکا و غرب و ایادی آنها وقتی با یک حکم اسلامی مواجه می شوند و قصد از بین بردن آن را دارند (مثل حجاب، که مبارزه با آن تنها در پاریس انجام نمی گیرد بلکه در کشور ما هم به وسیله روزنامه ها و مجلات، نطق ها و سخنرانی ها و ... در حال جریان است) صرف نظر از رفتارهایی که در انگیزه افراد اثر می گذارند و طبق اصول روانشناسی اعمال می شوند. مثل فیلم ها و صحنه های بد حجابی. ابتدا از این طریق وارد می شوند که چه کسی گفته صورت یا موها را باید پوشانند؟ چه اشکالی دارد مقداری مو یا آرنج دست یا ساق پا پیدا باشد؟! سپس می گویند: از کجا که فقها درست فهمیده اند؟! و بررسی می کنند تا در طول تاریخ تشیع یک فتوا یا نظری را پیدا کنند که به آن اشاره کرده باشد، یا اگر فتوایی نبود سعی می کنند سال ها روی یک نفر کار کنند تا برای چنین روزی فتوا بدهد و همین برای جوانی که خودش هم انگیزه دارد کافی است تا سست شود و بگوید: حالا که نظر ها اختلافی است، ما آن یک فتوا را می گیریم و به آن عمل می کنیم. یعنی تشکیک در فتوا می کنند. «این

که چه کسی گفته این فتوا درست است؟» مردم باید توجه داشته باشند که این یک فتوای شخصی نیست، مسئله اجماعی است و همه فقها چنین فتوایی داده اند. در مرحله دوم می گویند: «اصلاً چه کسی گفته است شما تقلید کنید؟!»، خودتان می توانید بروید از منابع اسلام استفاده کنید. قرآن «هدی للناس» است، نه «هدی للعلماء»، اسلام برای همه مردم آمده است نه فقط برای علما و فقها. البته این حرف ها تازگی ندارد. پیش از انقلاب هم بعضی از روشن فکرها این حرفها را مطرح می کردند که روحانیون را کنار بگذارند و خودشان در قرآن و سنت تحقیق کنند. بعد از این که به مردم گفتند: «خودتان به کتاب و سنت مراجعه کنید، یک آیه متشابه، یک روایت ضعیف را به او نشان می دهند و می گویند در اینجا چنین گفته شده است و لذا همه فقها اشتباه کرده اند و ما درست می گوئیم.» در مرحله سوم می گویند: «از کجا معلوم، این چیزی که دیگران فهمیده اند صحیح باشد؟ شاید دارای معنای دیگری است که آن ها نفهمیده اند، در این راستا مسأله تعدد قرائات و تعدد فرعا مطرح می شود که مثلاً تا به حال این طور نفهمیده اند، ولی در این عصر مردم چیز دیگری می فهمند، فهمها تغییر کرده است؛ فهم تابع مقدمات ذهنی است؛ امروز سوابق ذهنی ما غیر از سوابق ذهنی مردم جاهلی است؛ امروز علم، تمدن و فرهنگ پیشرفت کرده و این ها سوابقی در ذهن ما ایجاد می کند که ما آیات و روایات را به صورت دیگری می فهمیم و .... به خصوص اگر به این مطلب شکل فلسفی و علمی هم بدهند. مکتب هر منوتیک می گوید: فهم انسان ها متفاوت است و ممکن است از یک کلام، فهم های مختلفی وجود داشته باشد. با گرایش های مختلفی که در این مکتب فلسفی وجود دارد. اگر کسانی زیر بار نرفتند و گفتند: ما از این کلام و روایت متواتر و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام، غیر از این چیزی را نمی فهمیم، همان چیزی را که همه فقها فهمیده اند ما هم می فهمیم. در مرحله بعد می گویند: «درست است که کلام پیغمبر و امام است، اما از کجا معلوم که پیغمبر و امام درست گفته باشند؟!» یعنی

تشکیک در عصمت، نه تنها در روایات تشکیک می کنند بلکه در معصوم بودن پیامبر صلی الله علیه و آله ائمه علیهم السلام هم تشکیک می کنند که مثلاً العیاذ بالله اشتباه کرده، یا عمداً دروغ گفته اند، از کجا که همه قرآن درست باشد؟! حدود بیست سال پیش وقتی می گفتند مسلمانی اعتراف و ادعا دارد که مسلمان است، ولی می گوید همه قرآن درست نیست و برخی از آن غلط است؛ ما باور نمی کردیم و می گفتیم مگر ممکن است انسان مسلمان چنین چیزی بگوید؟! این چه مسلمانی است؟! ولی امروز چشم باز می کنیم و می بینیم درباره نقد پذیری قرآن، کتاب می نویسند، این که قرآن قابل نقد است و بعضی از مطالبش درست نیست و باید تصحیح شود. حتی ادعا می کنند که برای دفاع از اسلام برای این که مردم مسلمان شوند این کار را می کنیم. اگر این کار را نکنیم جوانها مسلمان نمی شوند و اسلام رواج پیدا نخواهد کرد! می گویند ما نمی گوییم همه قرآن درست نیست، اما شما آن مقداری که درست است را قبول کنید! آنهایی که درست است کدام است؟ آن چیزی که علم آن را تأیید می کند. پس با وجود علم چه نیازی به قرآن داریم؟ چون علم گفته او قبول کرده است. آن جایی را که علم مخالف با قرآن است قبول نمی کنید، پس چه احتیاجی به قبول قرآن و دین است؟ در حدود چند سال قبل، هیئتی از ایران که روحانی جلیل القدری هم عضو آن بود، برای گفتمان دینی به آلمان رفته بودند. یکی از تئوریسین های معروفشان که آن روزها هنوز باطنش آشکار نشده بود، در آن جا گفت: ما نمی گوییم که قرآن کلام خداست؛ هم چنان که مسیحیان هم نمی گویند انجیل کلام خداست، بلکه معتقدند الهامی است به حواریون و شاگردان عیسی. زبانش هم زبان خدا نیست. شبیه زبان تاریخ است. سپس ما هم نمی گوییم قرآن کلام خداست بدان دلیل که می گوید: «یسرناه بلسانک» (1) این لسان پیغمبر، یعنی کلام پیغمبر است و پیغمبر این طور فهمیده است؛ لذا فلسفه بافی می کند که اصلاً معنای وحی، یک حالت روحی و به

ص: 21





اعتباری ندارد. اما در بعد عقل عملی، درست است که کانت دلیلی برای اثبات خدا آورد، اما دلایش مخدوش بود اصولاً، احکام نسبی اند و ریشه در واقعیت عینی ندارند و به نوعی به تمایلات شخصی و جوامع انسانی بر می گردند و بالأخره این مسأله مربوط به فلسفه اخلاق است که ارزشها از کجا ناشی می شوند. مبدأ احکام عقل عملی چیست؟ ما معتقدیم که عقل آدمی یک سلسله مسایل نظری و عملی را درک می کند و این موهبتی است الهی برای انسان. متکلمین ما اعتقاد دارند عقل آن چیزی است که خیر و شر و خوب و بد را تشخیص می دهد ولی فلاسفه به صورت دیگری آن را توجیه می کنند و می گویند: این که عقل خوب و بد را تشخیص دهد مبنای صحیحی ندارد و اصلاً خوب و بد واقعی نداریم. خوب آن است که کسانی از آن خوششان می آید و می پسندند. گاهی همه مردم از یک چیزی خوششان می آید این اجماعی و حکم عقل عام می شود؛ اما گاهی اقوام مختلف خوب و بدی هایشان هم مختلف است. یک چیزی در نزد قومی خوب است و می گویند عقل ما می گوید خوب است و نزد قوم دیگر بد است و می گوید عقل ما می گوید بد است، پس ما چیز ثابتی نداریم. شما هم اگر میگویند اموری مثل: اثبات خدا، معاد، نبوت، پیامبر صلی الله علیه و آله و... باید با عقل نظری اثبات شود، پنبه این ها را کانت زده است و فیلسوفان مغرب زمین هم اعتقادی به آن ندارند و این ها برای دوره فلسفه ارسطویی است و زمان آن گذشته و امروز دیگر کسی زیر بار ارسطو نمی رود و عقل در مسائل نظری اعتباری ندارد و با آن نمی توان ماورای طبیعت را اثبات کرد. مسایل عملی اش هم که امور نسبی است و باید دید مردم چه می گویند هر چه خوششان می آید خوب می شود و از هر چه خوششان نیاید بد می شود. گاهی هم کسانی چیزی را بد نمی دانند، ولی بعد از چند سال به خاطر تحولات در فرهنگشان، ارزشهایشان عوض می شود و آن را خوب می دانند، یا چیزی را که خوب می دانستند بد می دانند و بدین ترتیب ادعا می کنند که پس عقل عملی حجت نیست و عقل هم متغیر است؛ در حالی که

این تغییر و تحول به خاطر هوا و هوس است نه عقل (1). این حاصل شبهاتی است که برای تضعیف باورها و ارزش های ما مطرح می کنند، البته در کنار این ها راه های دیگری هم وجود دارد که حدود بیست سال روی آنها کار شده و به صورت های مختلف به خصوص در دانشگاه های ما مطرح شده و متأسفانه برخی را هم تحت تأثیر قرار داده است لذا لازم و واجب است در جهت حل و رفع و دفع انواع شبهات فکری، عقیدتی و فرهنگی، هر فردی به قدر توان خود تلاش کند و در این راستا این مجموعه تهیه و تقدیم همگان می گردید.

والسلام

ص: 24

---

1- رجوع شود به کتاب فلسفه اخلاق تألیف آیت الله مصباح یزدی

انسان به حکم فطرت، جستجوگر و پرسشگر بوده و غریزه‌ی پرسشگری یکی از غرایز اولیه بشری می‌باشد. به همین دلیل به محض این که کودک زبان به سخن می‌گشاید بدون وقفه و بی‌درنگ شروع به سؤالات گوناگون نموده و سعی می‌کند به هر شکل ممکن نسبت به کشف مجهولات پیرامون خود اقدام نماید. پرسش، نقطه‌ی آغازین کاوش، تفکر و پاسخگویی است. پرسش کلید دانش است. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: کلید دانش، پرسش است، درمان نابینایی پرسش است و کسی که حاضر نمی‌شود سؤال کند و بر جهل سکوت می‌کند برای همیشه کور خواهد ماند. (امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دلیل نابودی گروهی از مردم سؤال نکردن آن‌هاست (1) دانستن، حق انسان است و هیچ کس حق ندارد مانع یادگیری، پرسشگری و آگاهی او شود. پرسش، مقدمه‌ی وصول به دانستن و شک، مقدمه‌ی یقین است. سؤال و پرسش در عین این که خوب و با ارزش و مظهر رشد و کمال انسان می‌باشد، اگر همراه با نیت، انگیزه و قصد الهی نباشد نه تنها

ص: 25

ارزشی ندارد بلکه موجب دوری انسان از خدا می شود. سؤال کردن صرفاً در صورتی با ارزش و سودمند است که قصد انسان فهمیدن از آن، کشف مجهولات و رسیدن به علم باشد.

## اگر نمی دانید سؤال کنید

### اشاره

هنگام پرسیدن سؤال، آدمی باید از متخصص و اهل علم و دانا و اهل فن و اهل خبره سؤال کند نه از همه کس. قرآن می فرماید: از اهل ذکر و آگاهان و آنهایی که از دلائل روشن و کتب پیشینیان و این قرآن که ذکر است آگاهی دارند پرسید(1) البته در روایات شیعه، اهل ذکر، ائمه معصوم علیهم السلام هستند پس آنان اهل ذکرند و از آنان باید سؤال شود و ذکر نیز قرآن است یعنی چون اساس بعثت ها و نبوت ها هدایت است و هدایت فرع بر آگاهی است پس باید مفاهیم و تعالیم قرآن، پیوسته تبیین شود و اندیشه های انسانی بیدار گردند تا در نتیجه با آگاهی و تعهد و مسئولیت در راه حق گام نهند و در آیات الهی و وظایف و تکالیف خویش اندیشه کنند لذا کتاب و بینات، مبنا و معیار آگاهی است زیرا مشتمل بر تمامی تعالیم انبیاء می باشد پس همگان برای درک این تعالیم و پی بردن به وظایف خود باید تلاش علمی کنند، سؤال کنند و به دانایان و متخصصان رجوع کنند یعنی در درجه اول انبیاء، سپس ائمه اهل البیت علیهم السلام و در درجه سوم علمای اسلام و فقها و مراجع و مفسران بزرگوار قرآن. همان عالمانی که محقق و اندیشمند و دانشمندند و علاوه بر آن متقی و پرهیزکار و درستکار و دارای صداقت و امانت و بی نظری کامل هستند و آیه شریفه 43 سوره ی نحل یکی از مستندات قرآنی تقلید و مرجعیت و اجتهاد و اعلمیت می باشد(2)

ص: 26

---

1- نحل آیات 44-43

2- تفسیر نمونه، ج 11، ص 240\_246

الف) علما و دانشمندان: به همان اندازه که سؤال کردن خوب و مفید است، سؤال نمودن از افراد جاهل و نادان خطرناک است. مثل این است که بیمار را نزد کسی ببریم که از پزشکی بی اطلاع است.

ب) فقیه: مسائل شرعی و دینی را در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید از فقیه اعلم سؤال کرد.

ج) از افراد بی غرض و مرض، بی غل و غش و کارشناسان و متخصصین و خبرگان، که همه ی این ها مصادیق اهل ذکر می باشند و قرآن به سؤال کردن از آن ها دستور داده است: «فَسَدِّمُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>(1)</sup> بدون شک، سؤال، کلید حل مشکلات و مجهولات علمی و فکری است اما همچون همه ی امور باید معقول و متعادل باشد و برای بهانه گیری نباشد، که موجب زیان و نشانه انحراف اذهان خواهد بود و علامت الجاجت و خودخواهی و پرحرفی و مشکل آفرینی و سخت شدن وظایف و تکالیف خواهد شد مانند سوالات گوناگون و لجوجانه بنی اسرائیل در ماجرای ذبح گاوی که به آن مأمور بودند و شاید هدف از این همه سؤالات پی در پی فرار کردن از اجرای مأموریت محوله بود که در نتیجه قاتل معلوم نشود و حقیقت لوث گشته یا فراموش گردد<sup>(2)</sup> آیات 101 و 102 سوره مائده بر این مطلب تأکید دارد که از هر مسأله ای سؤال نکنید که اگر برایتان آشکار گردد شما را ناراحت می کند که جمعی از پیشینیان از آن مسائل سؤال کردند و سپس با آن به مخالفت برخاستند و نسبت به آن کافر شدند. بدیهی است که منظور نهی از سؤال کردن، سؤال از روی تکبر و لجاجت و بهانه گیری است که اغلب موجب مشکل تر شدن وظایف و تکالیف میشود، موجب آسفتگی

ص: 27

1- نحل / 43

2- بقره آیات 74 - 67 و جلد اول تفسیر نمونه ص 306-309

ذهنی و پراکندگی افکار و برنامه های انسان می گردد. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم به چنین سؤالاتی پاسخ نمی داد و توصیه می فرمود که در همه امور زیاد اصرار نکنید که موجب برانگیختن مخالفت شما خواهد شد، زیرا ممکن است قدرت و توان و استطاعت نداشته باشید و لذا این اصرار بی حد و لجاجت و پر حرفی و سؤال های بی جا شما را به گناه و تخلف بکشاند چنانکه قبل از شما از اینگونه سؤالات مطرح می کردند و چون پاسخ را دریافت می کردند به مخالفت و عصیان بر می خاستند و کافر می شدند همانگونه که قوم موسی علیه السلام آن حضرت را در مورد جزئیات گاو سؤال پیچ کردند و کار را بر خود دشوار کردند و در هر پاسخی ناراحت می شدند و لجوجانه سؤال دیگری مطرح می کردند. پس گاهی مکتوم بودن یک امر بهتر و بلکه ضروری تر است و در مورد آن نباید به جستجو و کنکاش و سؤال و کنجکاوی پرداخت (1)

## انواع سؤال:

### 1. سؤال توضیحی و پرسشی

سؤالی که برای درک حقیقت مطرح می شود و سر چشمه ی پژوهش و کاوشگری است. هدف از این گونه سؤال، رفع جهل و غلبه بر بی خبری و کسب علم و دانش است و در همه زمینه های تکوینی و تشریحی جایز و شایسته است، کشف مجهول و توضیح خواستن عالمانه مقصود نهایی از این گونه سؤال است (2)

### 2. سؤال اعتراضی

اینگونه سوال در مقابل اعمال و افعال مطرح می شود و مفهومش غلط بودن عمل انجام شده است. بدیهی است چنین سؤالی در مورد افعال و اعمال خداوند حکیم و علیم

ص: 28

---

1- تفسیر نمونه، ج 1، ص 101 - 95.

2- نحل / 44 - 43

معنی ندارد(1) پس اینگونه سؤال نیز از مصادیق سؤال نابجاست اما در مورد اعمال و افعال انسان ها این سؤال کاملاً بجا و شایسته است.(2)

### 3. سؤال تقاضا

طلب و درخواست کردن چیزی، مالی، کمکی و یا معجزه ای، که مورد سؤال یک امر غیر علمی و غیر منطقی و غیر معقول است این گونه سؤال نیز مذموم و نکوهیده است که شاید آیه 102 سوره مائده به آن اشاره دارد و نیز آیات مربوط به درخواست معجزه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جواب منفی به آن درخواست(3)

### 4. سؤال فطرت

مراد نیازها و احتیاجات واقعی و اولیه ای است که انسان به زبان حال و فطرت خود خواستار آن بوده است(4)

### 5. سؤال عقوبت

#### اشاره

مراد سؤالی است که برای کسب خبر و کشف مجهول نیست بلکه منظور از آن عقوبت و مؤاخذه کردن و محکوم کردن و مجازات کردن است مانند (سوره صافات آیه 24، حجر آیه های 92-93، سوره نحل آیه 56، سوره زخرف آیه 19)

به هر حال سؤال، طلب و خواستن است و تسائل به معنی خواستن بعضی از بعضی دیگر است و نیز به معنای خواسته و تقاضا هم هست که گاهی مذموم و گاهی ممدوح

ص: 29

---

1- انبیاء / 23

2- تفسیر نمونه، ج 13، ص 385-386.

3- اسراء / 93 - 90

4- ابراهیم / 34، الرحمن / 29



است مانند (سوره طه آیه 36)(1) و ادب ایمانی حکم می کند که آدمی از سؤالات نا آگاهانه و مذموم در درگاه الهی طلب مغفرت کند.  
(2) و (3)

### انسان در سؤال کردن از چه اموری نهی شده است ؟

با توجه به بیانات صاحب المیزان مهمترین آن امور عبارتند از:

1- زیاد سؤال پرسیدن، بی جا سؤال پرسیدن، جاهلانه و نا آگاهانه سؤال پرسیدن.

2- سؤال پرسیدن در موردی که شارع سکوت کرده است.

3- سؤالاتی که دین و تکلیف را دشوار و سنگین می کند.

4- سؤال از مغیباتی که اگر روشن شوند موجب ناراحتی، زحمت، نگرانی، اضطراب و تشویش انسان می گردند.

5- سؤالاتی که جواب آنها حتی خودخواهی، لجاجت، عصبیت و تکبر را

برانگیخته، موجب تکذیب دین و شریعت و شارع می گردد.

6- سؤالاتی که خداوند راه اطلاع از آن ها را با اسباب عادی به روی بشر بسته است زیرا مصلحت در مخفی بودن آنها است و آشکار شدنشان موجب اختلال نظام زندگی انسان ها می گردد.

7- نهی شدن و ممنوعیت از این گونه سؤال ها از باب مصلحت، حکمت، رحمت، عفو و مغفرت الهی می باشد.

ص: 30

---

1- قاموس قرآن، ج 3، ص 203 - 199

2- هود 47 - 45

3- در رابطه با ممنوعیت بعضی سوال ها و نوع سوال های ممنوع رجوع شود به ترجمه تفسیر المیزان ج 11 ص 264 تا 256

قرآن مجید منادی قول أحسن و برخوردار منطقی با مخالفان است این مکتب عالی الهی به موازات برخورداری از منطق قوی و نیرومند روش صحیح بحث و مجادله را نیز توصیه و تأکید می کند یعنی لطف و محبت را با منطق قوی و نیرومند در هم می آمیزد و فضائل اخلاقی و روش های انسانی را نیز کاملاً دستور می دهد. (1) زیرا دعوت آشکار و ابلاغ مجدانه بسوی حق، باید با توسل به حق صورت گیرد حتی در سخن گفتن باید نرمی و لطافت و کلمات خوب و زیبا به کار گرفته شود و به طور کلی راه نفوذ شیطان در امر دعوت به حق بسته شود. اصولاً اساس کار همه انبیاء الهی در برخوردار با مخالفان بحث آزاد و منطقی بوده است و پیوسته آنچه را مورد نقد و انتقاد قرار می داده اند به روش و دلائل منطقی متوسل می شدند. قرآن کریم همه جا دعوت به استدلال منطقی کرده و بر اهمیت و ضرورت مبارزات منطقی و عقیدتی تأکید کرده و این خود یکی از ابعاد عظمت اسلام و قرآن است. جمله (هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ) که بیانگر مطالبه دلیلی از مخالفان است در چهار مورد از قرآن مجید آمده است (2) کلمه برهان که به معنی دلیل محکم و صادق می باشد از کلماتی است که قرآن بر روی آن تأکید کرده به طوری که می توان گفت منطق برهان طلبی اسلام و قرآن، منطق آزاداندیشی، برخوردار منطقی، استدلال عقلی و براهین علمی است و لذا مخالفان خود را نیز به همین منطق دعوت می کند تا ضمن حرمت نهادن به عقل و منطق و استدلال انسان دچار تضادهای عقلی و منطقی در عقاید و افکارش نشود و اوهام و خرافات نیز با همه تنوعش او را اسیر نکند و شبهات علمی هرگز با شبهات عملی آمیخته نگردد. این مسأله بقدری در اسلام اهمیت دارد که آن را جهاد نامیده است، جهاد فکری و فرهنگی و علمی و تبلیغاتی، به طوری که قرآن

ص: 31

---

1- اسرا/153

2- بقره/111، انبیاء/24، نمل/64، قصص/75

می فرماید: (و به وسیله قرآن با آن ها جهاد بزرگی بنما)<sup>(1)</sup>

آزاداندیشان، بندگان خاص خدا و مورد بشارت او در قرآن هستند همان ها که در سایه آزاداندیشی، انتخابگر هستند و با اسلحه عقل و خرد و منطق استدلال، بهترین افکار، بهترین آراء و بهترین نظریه ها را انتخاب می کنند و هرگز اسیر تعصب و لجاجت و سایر آفات و محدودیت های فکر و اندیشه منطقی نمی شوند، مطلوب آنان فقط حق و حقیقت است، خوب تر و نیکوتر است و اینان مشمول هدایت الهی هستند <sup>(2)</sup> پس شرط هدایت یافتن، خرد مندی و آزاداندیشی است، زیرا خردمند آزاداندیش قطعه اهل تحقیق و حق طلب است <sup>(3)</sup>

## مجادله در قرآن

جدل: جدال، منازعه و مخاصمه است، جدال و مجادله به معنی مقابله با خصم است که او را از رأی خود منصرف گردانیده تا از رأی خود برگردد. هر چند مجادله به نوع حق و باطل تقسیم می شود و مجادله حق، به معنی دفاع از حق است. اما در قرآن کلمه ی جدل اکثراً در معنی منازعه و مخاصمه باطل به کار رفته است <sup>(4)</sup> جدال در اصل به معنی پیمانندن طناب است سپس به پیچاندن طرف مقابل در گفتگو برای غلبه بر او به کار رفته است. مراد به معنی گفتگو کردن در چیزی است که در آن مریه و شک وجود دارد. اما مخاصمه، مشاجرات لفظی در امور دنیوی را گویند. لیکن جدال و مراد در مسائل علمی بکار می رود که مراد برای اظهار فضل و کمال است و جنبه دفاعی دارد و جدال برای عاجز کردن طرف مقابل است و هم جنبه دفاعی دارد و هم جنبه تهاجمی <sup>(5)</sup> قرآن کریم

ص: 32

---

1- فرقان/52

2- زمر/17\_18

3- تفسیر نمونه ج19 ص410\_419

4- قاموس قرآن ج2 ص، 23\_22

5- تفسیر نمونه ج20 ص 21\_20

جدال به باطل را صریحاً نهی و نفی کرده است و آن را صفت کافران و ناشی عناد و لجاج دانسته است (1) زیرا چنین جدالی متکی به دلایل واهی و ناشی از تعصب و جهل و غرور و برای اغفال دیگران صورت می‌گیرد. اما جدال به حق که مورد تأیید و تأکید قرآن است آنست که در مسیر حق و متکی به برهان و منطق و برای بیان واقعات و ارشاد افراد صورت می‌گیرد (2) به هر حال جدال به حق که عبارتست از بحث و گفتگو و استدلال منطقی و مناقشه در گفتار و آراء دیگران به منظور روشن شدن حق و حقیقت و نشان دادن راه و مسیر حق و ارشاد و هدایت جاهل، عملی است که از نظر قرآن پسندیده و شایسته تقدیر و در مواردی واجب و ضروری است و قرآن کریم نیز نمونه‌هایی از آن را بیان کرده است مانند (سوره یس ایه ی 78 و سوره بقره ایه ی 258 و سوره طه آیات 47 تا 54)

## ادب جدل و مناظره

در بحث و مناظره و جدال احسن همراه با بر همان منطقی کسی باید شرکت کند که به قدر کافی توان علمی و قدرت استدلال منطقی داشته باشد و بتواند جبهه ی حق را تقویت کند زیرا در غیر این صورت جبهه ی حق تضعیف خواهد شد. و باید دانست که در جدال حق هدف نهایی نفوذ در افکار و اعماق روح و اندیشه طرف مقابل و جذب و هدایت او به سوی حق است لذا باید طرف مقابل را به فکر وادار کند و در عقاید خودش به شک بیندازد و از شیوه ی استفهام انکاری استفاده کند (3) هرگز لجاجت طرف مقابل را تحریک نکند (4) کاملاً برم، ملایم، منطقی و از روی انصاف و همراه با گذشت و محبت و لطف سخن بگوید تا وی نرم و صمیمی شود (5) جدال احسن را قرآن کریم در برخورد با

ص: 33

1- مومن/4

2- نحل/125، هود/74

3- نمل/60

4- انعام/108

5- فصلت/34

اهل کتاب تأکید و تصریح فرموده است آنجا که می فرماید: (با اهل کتاب جز به روشی که از همه بهتر است مجادله نکنید<sup>(1)</sup>) این تعبیر تمام روش های درست و مناسب مناظره کردن را شامل می شود، الفاظ، محتوای سخن، آهنگ گفتار و حرکات ظاهری اعضای بدن همه باید مؤدبانه، دوستانه، مستدل، نرم و محترمانه باشد زیرا تنها در این صورت است که کلام و بیان و سخن و استدلال و منطق تا اعماق روح و جان طرف نفوذ می کند که همین مطلوب نهایی از مناظره و جدل احسن می باشد. کلام آخر آن که خدای تعالی می فرماید: با حکمت و اندرز نیکو بسوی پروردگارت دعوت نما، و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن<sup>(2)</sup> گام اول در دعوت به سوی حق استفاده از علم و دانش و منطق و استدلال است. یعنی تحریک افکار و اندیشه ها و عقول و بیدار ساختن عقل های خفته توسط دعوت حکیمانه. گام دوم در دعوت بسوی حق بهره گرفتن از موعظه و اندرز نیکو و تحریک عواطف و بیدار ساختن عواطف خفته در جهت توجه کردن به حق است. گام سوم، مجادله و مناظره کردن نیکو با کسانی است که در ذهنشان مسائل و مطالب نادرستی جا گرفته است لذا با مجادله و مناظره باید ذهن آنها را خالی کرد تا مستعد پذیرش حق شوند زیرا مجادله و مناظره نیکو یعنی استفاده از دلائل و مطالبی که مورد قبول مخالفین است و به همان وسیله باید آنان را ملزم به پذیرش حق کرد. لذا همانند موعظه باید به طریق احسن صورت گیرد یعنی همراه با حق و عدالت و راستی و درستی و صدق و امانت و به دور از هرگونه توهین و تحقیر و تکبر و خشونت و برتری جویی باشد و موجب تحریک حس لجاجت و عصبیت طرف بحث نگردد. به هر حال نهضت علمی و آزاداندیشی همان طوری که رهبر معظم انقلاب فرموده اند: مستلزم اصول گرایی و نواندیشی، خلاقیت، بالندگی، ابتکار و قدرت استدلال منطقی و نیروی نقد و انتقاد است. مستلزم اخلاق و قدرت مصاف با معضلات و شبهات جدید

ص: 34

---

1- عنکبوت/46

2- نحل/125

پس از شناسایی دقیق آن‌ها است و مناظره نیز موجب بیداری عقل جمعی گشته به تولید فکر و نظریه منجر می‌شود. البته بدیهی است آزادی تفکر و قلم و بیان، آزادی مقدس قانونی و در چارچوب شریعت است که به دور از افراط و تفریط، به دور از جمود و بدعت و به دور از سیاست زدگی و سیاست بازی می‌باشد. و هدف از آن رشد و شکوفایی و بالندگی در کلیه علوم و معارف نظری، عملی، حوزوی، دانشگاهی، فنی، صنعتی، دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی داشتن روحیه کنجکاوی علمی و سؤال کردن علاوه بر آیات متعددی از قرآن در روایات مختلفی نیز تأیید و تأکید شده است به طوری که در اصول کافی مرحوم کلینی یک باب مشتمل بر 9 حدیث و نیز در وافی مرحوم فیض کاشانی باب یازدهم به این امر اختصاص یافته است که به طور نمونه به بعضی از آنها اشاره می‌شود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حسن سؤال و خوب پرسش کردن نیمی از علم است (1) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: أف بر مردمی که خود را هر روز جمعه برای امر دینش آماده نکنند، تا با آن تجدید عهد کنند و از دین خود سؤال کنند.

امام صادق علیه السلام: 1- داروی نادانی پرسش است 2- مردم هلاک شدند چون نپرسیدند 3- بر در این علم قفلی است که کلید آن پرسش است 4- مردم در فراخی و گشایش نیستند مگر این که بپرسند و بفهمند و امام خویش را بشناسند و به دستور او عمل کنند اگر چه از روی تقیه باشد (2) پس سؤال باید به موقع، غیر تکراری و درست و شایسته، لازم و ضروری و بدون شرم و حیا پرسیده شود و سؤال کننده باید شهامت سؤال کردن را داشته باشد زیرا سؤال کردن نشانه اعتراف به جهل و عدم درک یا شک و تردید داشتن در یک مطلب علمی است. سؤال حاکی از وجود مجهول است و چون مجهولات آدمی متنوع

ص: 35

---

1- آداب تعلیم و تربیت در اسلام، دکتر سید محمد باقر حجتی ص 352

2- ترجمه اصول کافی ج 1 ص 49\_51، وافی ج 1 ص 179\_183

است لذا سؤالات نیز گوناگون و متنوع است یعنی هر سؤالی نشانه مجهولی خاص است، انواع سؤالات عبارتند از:

1- سؤال از چیستی یک شیء (ماهو؟)

2- سؤال از هستی یک شیء (هل هو؟)

3- سؤال از چگونگی یک شیء (کیف هو؟)

4- سؤال از چندی یک شیء (کم هو؟)

5- سؤال از کجایی یک شیء (این هو؟)

6- سؤال از کی و چه زمانی یک شیء (متی هو؟)

7- سؤال از کیستی یک شیء (من هو؟)

8- سؤال از کدامی یک شیء (آی هو؟)

9- سؤال از چرائی، علت، فایده و دلیل شیء (لم هو؟)

مجموعه متنوع این سؤال ها را اهل منطق در سه سؤال اساسی و عمده خلاصه کرده اند و صاحب منظومه مرحوم حاج ملاهادی سبزواری در این مورد فرموده:

أَسْئَلُ الْمَطَالِبِ ثَلَاثَةَ عُلَمٍ \*\*\*مَطْلَبُ مَا، مَطْلَبُ هَلْ، مَطْلَبُ لِمَ (1)

ص: 36

---

1- آشنایی با علوم سیاسی اسلامی (فلسفه، منطق)، استاد مطهری، درس ششم

## 1. لزوم شناخت خدا چیست؟

ج) آگاهی و معرفت ذات مطلوب و کمال است و قطعاً علم و معرفت از جهل و شک و تردید بهتر است، از سوی دیگر خداشناسی و معرفت به خداوند وسیله‌ی اطاعت نمودن از خدا و محبت ورزیدن به خدا شده در نتیجه آرامش روحی را به دنبال خواهد داشت، غلبه بر نگرانی‌ها و تشویش‌ها و یأس‌ها و دلهره‌ها را در پی خواهد داشت و از سویی سعادت دنیوی و اخروی انسان را تأمین خواهد کرد. روحیه امید به زندگی و امید به آینده را در انسان تقویت خواهد کرد و کمال وجود انسان که در تقرب به خداست جز از طریق (معرفت به خدا، محبت به خدا و اطاعت از خدا) حاصل نخواهد شد. همه تشویش‌ها، پریشانی‌ها، نگرانی‌ها، ناراحتی‌ها، یأس‌ها، ناامیدی‌ها، بی‌تابی‌ها، و دل‌مردگی‌های بشر ناشی از غفلت از یاد خداوند می‌باشد. بر آن چه گفته شد عقل، وجدان و تجربه‌ی زندگی بشری گواه و شاهد است و در کتب بهداشت روانی همه اندیشمندان، انسان‌شناسان، روانکاوان، روانشناسان، علمای علم اخلاق و علمای علوم تربیتی به این امر اذعان و اقرار کرده‌اند و مستمره قرآن مجید در آیات متعددی آثار

ص: 37



## 2. چگونه می توان وجود خدا را اثبات کرد؟

ج 1) از راه عقل و استدلال و استفاده از برهانهای حکمت و فلسفه مانند برهان وجوب و امکان و تفکر درباره منشأ پیدایش جهان به این صورت: الف - جهان خواب و خیالی بیش نیست و هیچ واقعیتی ندارد. بدیهی است که این سخن ایده آلیسم ها و سفسطه می باشد. پس باطل است. ب - جهان خود به خود در عدم به وجود آمده است، این سخن نیز باطل است چون هم مبتنی بر پذیرش تصادف است و هم مستلزم تناقض منطقی است. ج) این جهان آغازی نداشته و از ازل بوده و تا ابد هم خواهد بود. این سخن نیز باطل است زیرا ماده محدود، متغیر، مرکب، حادث وفانی است و هیچ یک از ویژگی های ازلی بودن را ندارد. د) پس چون جهان حادث است و سابقه‌ی نیستی دارد، قطعه دارای آفریننده و خالق می باشد که آن را خدا، مبدأ هستی، واجب الوجود و هستی بخش می گوئیم.

ج 2) راه عرفان و تصوف یا راه تزکیه و سیر و سلوک و تزکیه نفس و خودسازی تا رسیدن به مرحله کشف و شهود.

ج 3) راه همگانی و بسیار سهل و آسان تفکر در پدیده های طبیعت، از اثر به موثر پی بردن، از نظم به ناظم رسیدن، نظم افلاک، نظم بدن انسان، نظم گیاهان، نظم درون یک اتم و خلاصه هر موجودی در طبیعت کتابی است عظیم، در معرفت و شناخت پروردگار بزرگ. برهان نظم رجوع به عقل و اندیشه در پیرامون پدیده های در دسترس است و لذا پیمودن این راه برای همگان میسر است و نتیجه آن این که نظم، دلالت بر حاکمیت ناظمی قادر، عالم و حکیم دارد و مظهر تدبیر و محاسبه و برنامه ریزی و هدفداری است

ص: 38

پس حال که این جهان سراسر نظم است محال است خود به خود و از روی تصادف به وجود بیاید لذا معلول و مخلوق علت و خالق است مدبر و حسابگر و طراح که غایتمند و آفرینش جهان نیز گواه بر آن می باشد. آری إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (1) فقط دانشمندان هستند که در برابر خدا خاشع هستند. لازم به ذکر است که برهان نظم، یک برهان نیست، بلکه نظم هر پدیده ای به تنهایی یک برهان بر وجود صانع حکیم به شمار می رود.

ج 4) راه فطرت و توجه به خویشتن و بازگشت به وجدان و نهاد خود و گوش دادن به ندای من واقعی خویش، هر فرزندی که از مادر متولد می شود بر فطرت و سرشت خداگرایی و خداشناسی و توحیدی به دنیا می آید، مگر آن که بعدها دیگران او را از مسیر فطرت منحرف سازند. قرآن کریم هم در آیات چندی به این نکته تأکید کرده است، که آدمی چون در خطر افتاد و ابهت و اهمیت پدیده های عالم ماده از نظرش ساقط شد و به درون خویش رجوع کرد، متوجه شعور فطری خود خواهد شد، و آنگاه خدا را از روی صدق نیت و اخلاص خواهد خواند و از او طلب استمداد و یاری خواهد کرد. پس غفلت ها، سرگرمی ها و خود خواهی ها ما را از یاد خدا غافل می سازد و چون این موانع به هر دلیلی از میان بروند یا تضعیف گردند، انسان متوجه خدا خواهد شد و او را خالصانه یاد خواهد کرد

### 3. اگر خدا محبت است، پس این همه درد و رنج برای چیست؟

ج) او خداوند محبت نیست و محبت از نام های خداوند هم نیست و باید بدانیم که نام های خداوند همان هایی است که در قرآن و سنت معین گردیده است واحدی حق ندارد از نزد خودش برای خداوند اسم تعیین نماید. ثانیاً خداوند محبوب اهل ایمان و

ص: 39

اهل ایمان نیز محبوب خداوند هستند و بدیهی است که محب، جز به کسب رضایت محبوب نمی اندیشد.

عاشقم بر قهر و بر لطفش به جد\*\*\* بوالعجب من عاشق این هر دو ضد

ثالثا در دهها، بلاها و مصائب انواع دارند، برخی نتیجهی قهری عمل خود ما می باشند، برخی معلول ظلم و ستم ظالمان و ستمگران هستند، برخی لازمه ی جهاد در راه خدا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و غیره می باشند. خلاصه این که بلاها بر حکمت و عدالت الهی هیچ خدشه ای وارد نمی کنند زیرا خداوند در برابر مصائب أجر می دهد، به صابران بشارت داده است، برای برخی موجب ترفیع درجه است؛ برای برخی موجب کسب درجه است، برای برخی موجب غفران و مغفرت است؛ برای برخی موجب بیداری و توبه است، برای برخی موجب کفاره ی گناهان است و خلاصه یکی از اهداف خلقت انسان همین بلاها و مصائب و امتحانات و آزمایشات الهی است.

#### 4. چرا خداوند برخی خواسته ها و حوائج انسان را اجابت می کند و برخی را اجابت نمی کند؟

ج) قرآن کریم می فرماید: (پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم) (1)، دعا کردن نوعی عبادت است و یکی از اقسام عبادت دعا کردن است، دعا کردن علامت خضوع و خشوع و عدم استکبار است و دارای ثمرات ارزنده ای است که از جمله آنها توجه به خداست، ذکر خداست، کسب معنویت و پرواز روحانی انسان به سوی خداست، در عین حال دستور قرآن است و وعده استجاب نیز به انسان داده شده است. البته مشروط بر این که آدمی خالصانه، خاضعانه، موحدانه و عاشقانه خدا را بخواند، از آن گذشته خود دعا کردن نشانه لطف و توجه خداوند است، زیرا بسیاری موفق به دعا

ص: 40

کردن نمی شوند. از سوی دیگر اجابت، گاه در دنیا و گاه در آخرت صورت می گیرد و چه بهتر که دعای انسان نتیجه ی اخروی داشته باشد. گاهی نیز اجابت دعا بر خلاف مصلحت و سعادت انسان است و خود انسان از این امر غافل است و خداوند حکیم و لطیف و خبیر، بر اساس حکمت بالغه اش چنین دعایی را اجابت نمی فرماید و این مطلب نیز مطابق با مصلحت و سعادت انسان است، اما خودش نمی داند. فراموش نکنیم، که خداوند ناله های اهل دعا و راز و نیاز را دوست دارد و باید افزود که اجابت دعا مقدمات و شروط گوناگونی هم دارد، که بعضی مادی و بعضی معنوی هستند، بعضی مربوط به زمان خاص و بعضی مربوط به مکان خاص هستند، در عین حال آدمی باید تسلیم قضا و قدر الهی باشد و در عین جدیت و تلاش و کوشش و دعا، توکل و رضا را سرلوحه کارهایش قرار دهد.

## 5.. خصوصیات جهان بینی توحیدی کدامند؟

ج) مکتب اسلامی بر پایه جهان بینی مذهبی و به تعبیر رساتر، جهان بینی توحیدی پایه گذاری شده و تنها این جهان بینی است که دارای ویژگی های زیر است: الف - در جهان بینی توحیدی بر اساس استدلال و تفکر منطقی، به این نتیجه می رسیم: «که سراسر جهان هستی آفریده و ساخته و پرداخته یک قدرت و نیروی واحد یکتا است (الله)». همه چیز از کوچکترین ذره تا بزرگترین کهکشان ها و هر آنچه در زمین و آسمان است، هستی و نظام و سنت زیستی خود را از او گرفته است و همگان زیر چتر فرمان و قدرت اوبه سیر خویش ادامه می دهند. در این نگاه عالم هستی دارای مبدأ و مدبری عالم، حکیم و قادر است که همه هستی جلوه اوست.

ب - در جهان بینی توحیدی نظام هستی پدید آمده ی یک اراده آگاه و حکیمانه است که بر اساس خیر و نیکی و بخشش و رساندن موجودات به سوی کمال شایسته

آنها استوار شده است. بنابراین اصل، در میان تمام عناصر از پست ترین عنصر تا پاک ترین عناصر ناشناخته ی این جهان یک همبستگی و ارتباط مرموزی پدید آمده که همگی آنها را به سوی یک هدف واحد حرکت می دهد و آن هدف عالی و واحد، حیات ابدی و جاوید در جهان آخرت می باشد در این جهان بینی، هستی تحت سرپرستی و ولایت الهی قرار دارد.

ج - جهان بینی توحیدی اسلام از آن جایی که زندگی را دارای هدف متعالی و والا و ارزشمند یعنی تکامل حقیقی و خداگونه شدن می داند بنابراین دارای جاذبه ای قوی و آرمان ساز و امیدوار کننده است به طوری که بر هر گونه پوچ گرایی خط بطلان می کشد. در جهان بینی توحیدی اسلام بر خلاف ماتریالیسم و طبیعت گرایان، واقعیت موجود و عالم هستی منحصر و محدود در ماده و طبیعت نیست. بلکه علاوه بر بخش مادی عالم، در این جهان بینی بخش اعظم هستی تحت عنوان عالم غیب که غیر مادی و نامحسوس است معرفی گردیده و ایمان به آن از لوازم دینداری است

### **6. اگر خداوند بی نیاز است لزوم قرار دادن ثواب و عقاب برای عبادت چیست؟**

آیه ی 60 سوره غافر بیانگر اهمیت جایگاه و ارزش دعا است و بدیهی است که دعا کردن فرمان الهی است و نسبت به اجابت آن خداوند وعده داده است، البته دعا کردن، یک نوع عبادت است، عبادتی که تکبر و استکبار و غرور و خودبینی را از میان بر می دارد، پس حقه دعا عبادتی بزرگ است، زیرا رابطه ای عاطفی میان انسان نیازمند و خالق بی نیاز برقرار می کند و معرفت انسان را افزایش می دهد، انسان را از یأس و ناامیدی و بی پناهی نجات می دهد و او را با انگیزه تر به فعالیت و کار و کوشش وامی دارد. با رجوع به آیات 19-25 سوره انبیاء روشن می گردد که: خداوند مالک همه هستی

است، ملائکه پیوسته او را عبادت می کنند و هرگز از پرستش او تکبر نمی ورزند و خسته نمی شوند، عبودیت، نیاز مخلوق است، عبودیت، راه کمال مخلوق است و موجب قرب الهی می گردد، لذا سرپیچی از عبادت خدا موجب سقوط و دوری انسان از رحمت خدا می شود. در نتیجه این انسان است که برای وصول به کمال و سعادت خود، محتاج عبادت کردن است. لذا یکی از اهداف خلقت انسان عبودیت است، عبودیتی آگاهانه، آزادانه و از روی محبت زیرا همان گونه که قرآن در آیات 18 - 15 سوره فاطر بیان کرده است خداوند از هر نظر بی نیاز و حمید و شایسته حمد و ستایش است و این انسان است که نیازمند به خداوند است نیازمند رحمت، لطف، فیض، عنایت و هدایت اوست پس باید تنها او را بپرستد و تنها تسلیم او باشد و تنها او را عبادت کند تا نیازهای واقعی او تأمین گردد، کمالات شایسته او تحقق یابد، سعادت حقیقی و واقعی و ابدی او تحصیل گردد. زیرا عبادت یعنی پیمودن صراط مستقیم، پرواز روح، دوری از آلودگی و گناه، برترین افتخار حقیقی یک انسان و گام زدن در مسیر تکامل و از همه مهم تر اعتراف به بندگی خویشتن و ربوبیت خداوند است، که بی شک نتیجه همه این ها به خود انسان باز میگردد زیرا اولا (مَمَّنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ) (1) و ثانيا (وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ) (2)

## 7. منظور از لقای پروردگار چیست؟

ج) بدیهی است منظور از لقاء الله ملاقات حسی خداوند نیست زیرا خداوند نه جسم است، نه قابل رؤیت است و نه رنگ و مکان دارد. بنابراین با چشم ظاهر دیده نمی شود، لذا ممکن است منظور از لقاء الله دیدن و مشاهده آثار قدرت خداوند و پاداش و کیفرها و نعمت ها و عذاب های او در آخرت باشد و نیز ممکن است مقصود از لقاء الله یک نوع شهود باطنی و قلبی باشد که بر اثر پاکی و تقوا و عبادت و تهذیب نفس می تواند برای

ص: 43

1- فاطر/18

2- همان

عده ای در دنیا حاصل شود، اما در آخرت این حالت شهود باطنی برای همگان پیدا می شود. در کلام 179 نهج البلاغه آمده است: (چشم های ظاهر هرگز او را مشاهده نکنند بلکه قلب ها به وسیله نور ایمان او را درک می نمایند. به گفته علامه طباطبایی رحمه الله علیه در المیزان، منظور از لقاء الله آن است که بندگان در موقفی قرار می گیرند که حجابی میان آن ها و پروردگارشان نیست، زیرا طبیعت روز قیامت، ظهور حقایق است. چنانکه قرآن می گوید: آن روز خواهند دانست خداوند حق آشکار است(1)

### 8. مقصود از به سَمِ اللّٰهِ در جمله بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ چیست؟

(ج) از نظر شیعه این آیه مسلماً جزء قرآن است و بر روی هم این آیه از نظر ادبی یک جار و مجرور است بنابراین یک جمله تمام نیست لذا دارای متعلقی است که محذوف است. مفسرین در این که این متعلق محذوف چیست نظر های گوناگون داده اند بعضی آن را (أستعین) دانسته اند، بعضی دیگر آن را (ابتداء) دانسته اند، بنابراین معنای این آیه شریفه چنین می شود که یاری می طلبیم از خدای رحمان و رحیم و یا چنین می شود، که کار را آغاز می کنم به نام خدای رحمان و رحیم و بعضی دیگر گفته اند آن متعلق (ظهر الوجود) می باشد و با این تعلق معنی آیه چنین می شود که همه ی عالم هستی با نام مقدس الله آشکار گردیده است.

### 9. آیا با گفتن قولوا لا اله الا الله تفلحوا انسان رستگار می شود؟

(ج) مقصود از این فرمان نبوی صلی الله علیه و آله این است که انسان موحد به رستگاری می رسد و بدیهی است که شرط موحد بودن در درجه اول اقرار به توحید است و توحید به معنی یکی گفتن و یکی پرستیدن می باشد. معنی این سخن آن است که انسان موحد، خدا را به

ص: 44

یگانگی می پرسند پس چنین فردی هم در اعتقاد قلبی موحد است و هم در اقرار زبانی و هم در عمل و عبادت، یگانه گرا و یگانه پرست می باشد و لازمه توحید به معنای گفته شده نفی شرکت و نفی طاغوت و نفی غیر الله می باشد چنانکه در خود این کلام مقدس نیز همین مطلب آشکار است زیرا می فرماید: بگوئید لا اله یعنی هیچ معبودی وجود ندارد، هیچ طاغوتی معبود نیست، هیچ غیر خدایی معبود نیست الا الله یعنی فقط الله معبود حقیقی است و غیر از او همه باطل می باشد، آری بهترین عبادت ها اقرار به این کلام مقدس است که لا اله الا الله البته (توحید) اقسام و مراتب و درجات دارد و عالی ترین پیام همه انبیاء بلکه روح دعوت همه انبیاء، توحید است.

## 10. چگونه ارزیابی ایمان را بیان کنید؟

ج) ایمان عبارت است از اعتقاد به قلب، اقرار با زبان و عمل با جوارح و اعضاء، بنابراین ایمان صرف آگاهی و دانستن نیست بلکه مرحله ای برتر است، و آن عقد قلبی و باور قطعی به لوازم ایمان می باشد. البته ایمان درجات و مراتب دارد اما از آثار ایمان، که جزء مکمل ایمان نیز هستند اقرار و عمل صالح می باشد، و همان طوری که در سوره ی عصر می فرماید: «نجات و سعادت انسان ناشی از ایمان و عمل صالح و صبر و حق است، پس ایمان منشأ عمل صالح و صبر و حق است یعنی مؤمن، صابر، حق جو، حق پو، حق گو و حق طلب است، خلاصه این که با ارائه خویش به قرآن و سنت می توانیم به ارزیابی ایمان و اعمال خودمان پردازیم و کاستی های خودمان را تشخیص دهیم، سپس به تدریج به جبران آنها پردازیم. به هر حال مطالعه کتب دینی، تفسیر قرآن، خواندن ادعیه، انجام واجبات و پرهیز از محرمات، موجب ازدیاد شوق و محبت دینی در انسان می شود و همچنین سؤال کردن و پیگیری مجهولات دینی موجب اطمینان انسان از صحت معارف و عقاید و اعمال و اخلاقیاتش خواهد شد.



## 11. اسلام و ایمان را مقایسه کرده رابطه عمل و ایمان را بیان کنید؟

ج) (دین در نزد خدا در اسلام، است) (1). و آن کس که به جز اسلام آیین دیگرگیرد از او پذیرفته نخواهد شد این خواست خداست که اسلام، مکتب و آیین همه انسانها باشد). (2) (و راضی شدم که اسلام دین شما باشد). (3) ولی این اصل بدان معناییست که جبر و زوری در پذیرش آن باشد، (جبر و اکراه در دین نیست چه آن که کمال و رشد از گمراهی و ضلالت آشکار شده است). (4) زیرا مکتب اجباری هیچ گاه نمی تواند کاری از پیش ببرد. دین و مکتب را باید پذیرفت و در آن جذب شد و این جذب شدن همان ایمان آوردن است. اگر تکیه مکتبی، بر پایه این جهان بینی باشد که اندیشه و عقل را قانع و تغذیه کند و آرمان هایش پر جاذبه باشد آنگاه انسان سالم چنین دینی را خواهد پذیرفت و اسلام اینگونه است. واژه اسلام اگر چه از ماده تسلیم گرفته شده و تسلیم یعنی گردن نهادن، ولی این بدان معنا نیست که کورکورانه باید تسلیم اسلام شد بلکه از آیات فراوان قرآن به دست می آوریم که اگر اندیشه هایمان را به کار گیریم به مکتب اسلامی گردن می نهدیم و این گردن نهادن همان پذیرش درونی و ایمان آوردن است که از ژرفای جان آدمی بر می خیزد و شور و شوق و حرکت و جنبش می آفریند و به انسان و جهان معنی می بخشد. تسلیم شدن، چیزی غیر از ایمان آوردن است و آنچه اسلام می خواهد ایمان است. امام علی علیه السلام چنین فرمود: «اسلام یعنی تسلیم شدن و گردن نهادن؛ و گردن نهادن یعنی باور داشتن؛ و باور داشتن یعنی شناختن و شناختن یعنی اقرار نمودن و اقرار نمودن یعنی عمل نمودن و عمل کردن، به جا آوردن همه مسئولیتهاست...» (5) و بیش از ده ها مورد در قرآن مجید سخن از ایمان و عمل در کنار هم آورده شده است و ایمان و پذیرش

ص: 46

1- آل عمران/19

2- آل عمران/85

3- مائده/3

4- بقره/256

5- اصول کافی ج2 ص45

عمل و عمل بدون پذیرش و ایمان، بی خاصیت و بی اثر معرفی شده است. بنابراین عمل و ایمان در کنار هم معنی پیدا می کنند و پذیرفته می شوند و مکمل یکدیگر هستند.

## 12. ماهیت ایمان چیست؟

ج) ایمان عبارت است از اظهار خضوع و قبول شریعت و آنچه نبی اکرم صلی الله علیه و آله آورده و آن اعتقاد و تصدیق قلبی است. کسی که بر این صفت باشد مؤمن و مسلمان است و انجام واجبات را بر خود واجب می داند و در آن شک نمی کند. طبق روایات، ایمان، دارای سه رکن است که عبارتند از: معرفت به قلب، اقرار به زبان و عمل به ارکان. (1) در آیات متعددی از قرآن نیز به این امور اشاره شده است که در ذیل به چند آیه اشاره می کنیم: وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا (2) (با آن که دل هایشان بدان یقین داشت از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند). فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ (3) (ولی همین که آنچه اوصافش را می شناختند برایشان آمد انکارش کردند). از این دو آیه برداشت می شود که این اشخاص معرفت داشتند ولی چون به آن اقرار و اعتراف نکردند کفرشان ثابت است. آیه، قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ (4) (برخی از بادیه نشینان گفتند ایمان آوردیم، بگو: ایمان نیاوردید لیکن بگوئید اسلام آوردیم و هنوز در دل های شما ایمان داخل نشده است). این مسأله تصریح دارد که گر چه بادیه نشینان به اسلام اقرار نمودند ولی چون معرفت و تصدیق قلبی پیدا نکرده بودند به آنها مؤمن گفته نخواهد شد. در قرآن آیاتی وجود دارد که ایمان همراه با عمل را متمر می داند از جمله: إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا

ص: 47

---

1- میزان الحکمه، محمد ری شهری ج 1، ص 301، نشر مکتب الاعلام الاسلامی

2- نمل/ 14

3- بقره/ 89

4- حجرات/ 14

الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (1)، وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ (2) بنابراین طبق آیات قرآن، ایمان فقط اظهار عشق و علاقه به خدا و سرای دیگر و پیامبر صلی الله علیه و آله نیست بلکه باید برنامه های عملی نیز با آن هماهنگ باشند (3) حضرت علی علیه السلام در حدیثی پیرامون اثر ایمان می فرمایند: هر کسی یک خصلت خوب و پا بر جا هم به من تحویل دهد به خاطر آن او را می پذیرم و از نداشتن خصال دیگرش چشم می پوشم اما از نداشتن عقل و دین و ایمان به حق گذشت نکنم زیرا در بی دینی امنیت نیست و زندگی در هراس، گوارا نباشد و نبودن عقل، نبودن زندگانی است بی خرد جز مرده ای نیست (4)

### 13. از کجا بفهمیم ایمان ما درست است؟

ج) معیار و ملاک تشخیص صحت عقاید در درجه اول تعالیم و آموزش های قرآن کریم است. پس ما وظیفه داریم در مرحله اول لوازم عقاید و ایمان خود را با تعالیم نورانی قرآن هماهنگ نمائیم، بدیهی است که این امر مستلزم آشنایی با قرآن است، در درجه دوم باید ایمان و عقاید خود را با سنت و احادیث و تعالیم و آموزش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام گرامی اش هماهنگ نمائیم و این نیز مستلزم آشنایی ما با تعالیم نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بزرگوار او می باشد، به عبارت دیگر راه پی بردن به صحت ایمان و درستی عقاید، عمل به مضمون و محتوای حدیث متواتر تقلین است. البته بی شک عقل سالم بدون هوا و هوس و فطرت پاک خالی از شهوات و امیال حیوانی نیز از معیارهای تشخیص درستی عقاید به شمار می رود. زیرا هم قرآن کریم و هم روایات

ص: 48

1- عصر/3

2- سوره بقره آیه 82

3- کشف المراد، علامه حلی، باب ایمان و کفر

4- اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی (مترجم آیت الله کمره ای) ج 1، ص 75، انتشارات اسوه

اسلامی بر اصالت عقل و فطرت به عنوان ابزارهای شناخت و معرفت دینی تأکید کرده اند، به عنوان مثال پیشنهاد می شود که باب اول جلد اول اصول کافی با دقت تمام مطالعه شود

#### **14. آیا غیر مؤمنانی که خدماتی به بشریت کرده اند اجر و ثوابی دارند؟**

ج) بی شک کمال و سعادت واقعی انسان از ایمان و عمل صالح است که عبادت از لوازم ذاتی ایمان و از برجسته ترین مصداق های عمل صالح است، اما اگر کسی ایمان ندارد، و اهل عبادت و عمل صالح شرعی نیست، اعمال خوب دیگرش مانند مردم دوستی، خدمت به مردم، ایثار و غیره هر چند شرایط و نصاب لازم برای کمال و سعادت واقعی فاعلش را ندارد لیکن در روح و جان و نفس فاعل خود اثر مثبت معنوی دارد و طبق برخی روایات موجب تخفیف یا دفع و رفع مجازات اخروی فرد می گردد، پس هر چند این اعمال سعادت ابدی و بهشت اخروی فاعل خود را تأمین نمی کنند، اما به طور مطلق هم، بی ارزش و بی اثر نیستند زیرا خداوند اجر هیچ انسانی را ضایع نمی کند و هر کس به قدر ذره های خیر یا شر مرتکب شود نتیجه آن را در آخرت می بیند.

#### **15. عالم در کجا و چگونه است؟**

این اصطلاح در آیه 172 سوره اعراف بکار رفته است و در معنی آن چندین احتمال داده شده است بعضی آن را «ذره» به معنی آفرینش دانسته اند و بعضی آن را «ذر» به معنای موجودات بسیار کوچک که شاید همان اجزاء نطفه باشد دانسته اند و بعضی آن را از ماده «ذرو» به معنی پراکنده ساختن دانسته اند. به احتمال فراوان مقصود از عالم ذر همان عالم استعدادهای انسان و پیمان و میثاق فطری می باشد. که در آفرینش، خداوند انسان را با استعداد و گرایش به حقیقت توحید آفریده است، لذا سؤال و جوابی

که در عالم ذر، رخ داده است یک سؤال و جواب تکوینی و به اصطلاح با زبان حال بوده است و به عبارت دیگر آیه در همانند آیه فطرت یعنی آیه 30 سوره مبارکه روم می باشد. بنابراین مجددا تأکید می شود که مراد از عالم ذر همان فطرت اختصاصی انسان و استعدادهای فطری او می باشد که بر این اساس هر انسانی به حکم فطرت خدا پرست و خداجو و حق طلب و جمال گرا و عدالت خواه و حقیقت جو و خواهان همه کمالات لایتناهی می باشد که مصداق کامل این کمالات خداوند متعال است. همان خدایی که در وجود او به حکم فطرت انسان هیچ شکی نیست. (1) آری عالم ذر همان عالم میثاق الهی و عالم عرض امانت الهی است. (2) در نتیجه حقیقت این عالم را باید در روح خویشتن جستجو کرد به همین مناسبت است که در تعالیم اسلامی عالیتین راه خداشناسی، خودشناسی است.

## 16. عالم روح چیست؟

ج) روح حقیقتی است غیر جسمانی و غیر مادی به همین دلیل دارای هیچ یک از اوصاف جسم و ماده نیست، بنابراین جا و مکان معین ندارد، بلکه می تواند بر همه مکان ها احاطه داشته باشد به هر حال روح، یکی از مخلوقات الهی است، که منشاء حیات و آثار حیاتی همچون فکر و اندیشه و اراده و شعور و حرکت و رشد و غیره می باشد. که می توان گفت مهمترین آثار حیات (علم و قدرت) است، به همین دلیل خداوند نیز خلی است. و انتساب روح به خدا به خاطر ارزش و برگزیدگی روح است. چنان که نسبت به کعبه، بیت الله گفته شده است، یا نسبت به حضرت ابراهیم علیه السلام خلیل الله گفته شده است. در هر صورت فراموش نشود که روح و عالم روح از مخلوقات الهی به شمار می روند، حق تعالی خالق روح می باشد همان طور که خالق جسم نیز اوست، پس

ص: 50

---

1- ابراهیم/10

2- احزاب/72

نباید این توهم پیش آید که خداوند دارای روح است. عالم روح دارای نام های متعددی است از جمله (عالم امر)، (عالم مجردات)، (عالم ملکوت) و (عالم غیب)، (1) همچنین باید افزود روح گاهی به معنای قوه و نیرویی استباطنی و معنوی که منشاء و مبدأ آثاری است چون تفکر، تدبیر، ترس، امید، هیجان، معرفت، علم، آگاهی، ایمان، مسئولیت و نظایر اینها و باید دانست که روح آدمی حقیقت شخصیت او را تشکیل می دهد که در زبان فارسی به آن (من) می گویند که نقطه مقابل آن (تن) می باشد. در روایات اسلامی روح به پنج قسم تقسیم شده است که عبارتند از:

1- روح القدس

2- روح ایمان

3- روح قوه

4- روح شهوت

5- روح حرکت (2)

## 17. بهشت و جهنم در کجا است؟

ج) اکثر دانشمندان اسلامی معتقدند که بهشت و جهنم هم اکنون موجودند و وجود خارجی دارند و در باطن و درون این جهان قرار دارند، به طوری که از پاره ای روایات استفاده می شود که بعضی از مردان خدا صاحب درک و دیدی بوده اند که بهشت و دوزخ را نیز با چشم حقیقت بین خود می دیدند. بی شک عالم آخرت یعنی بهشت و دوزخ بر این عالم احاطه دارند و محیط بر این جهان هستند و به عبارت دیگر این جهان در درون آن جهان قرار گرفته است به همین دلیل است که قرآن می فرماید: (بهشت به

ص: 51

1- اسرا/85 و یس/83

2- رجوع شود به اصول کافی، کتاب حجت، باب ارواحی که در ائمه علیهم السلام موجود است

وسعت آسمان ها و زمین است) یا می فرماید: (جنه المأوی) در آسمان در کنار (سدره المنتهی) است. به هر صورت طبق ظاهر آیات قرآن بهشت و جهنم هم اکنون موجود است و در باطن و در درون این دنیا می باشد به این ترتیب که این دنیا را احاطه کرده است، اما موانع و حجاب های دنیا و نفسانیات انسان، مانع رؤیت آخرت و بهشت و جهنم می باشد ولی در قیامت که روز ظهور همه ی حقایق است همه موانع و حجاب ها از میان می رود و انسان آشکارا آنچه را قابلیت دارد اعم از بهشت و جهنم خواهد دید(1)

## 18. آیا اسلام دین شمشیر است یا صلح و مهربانی؟

ج) قرآن آیه 60 سوره انفال می فرماید: مسلمان ها قوی باشند و هدف از این قوی بودن هم استعمار کردن دیگران نیست بلکه هدف این است که دشمنان خدا و دشمنان خود را بترسانند تا دشمن به آن ها طمع نکند. آری نیرومند بودن در جهت حق و عدل و دفاع از استقلال و آزادی کاملاً معقول و پسندیده است، دفاع از مکتب الهی و انسانی اسلام، یک دفاع مقدس است و اسلحه و به کار بردن آن در این مسیر صرفاً برای خدا، در راه خدا و در مسیر احیای حق و عدالت است. بنابراین در اسلام آنچه ناپسند است ظلم و دیکتاتوری و استعمار و استثمار است نه قوی بودن، اتفاقاً قوی بودن در راه خدا یک ارزش بر تراست و با اصل صلح و محبت و انسان دوستی هم هیچ منافاتی ندارد، بنابراین اسلام دین شمشیر نیست، اسلام هرگز معتقد به تحمیل عقیده به دیگران نیست و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یک حاکم کشورگشا نبوده است و تمامی این سخنان تهمت است، اصل اولیه در اسلام، صلح و دوستی است مشروط بر این که پای خدعه و نیرنگ در میان نباشد، اسلام از صلح منطقی، عادلانه و عاقلانه ای که بدون خدعه و نیرنگ باشد استقبال

ص: 52

---

1- تفسیر نمونه جلد 29 صفحه 105، جلد 22 صفحه 338، جلد 16 صفحه 322 - 321 و جلد 3 صفحه 95 - 94

می‌کند و حامی پیوند قلوب و دوستی و محبت انسان‌ها با یکدیگر است و این مسأله را یک امر الهی می‌داند، یک نعمت الهی می‌داند، اخوت و برادری از دیدگاه قرآن یک نعمت الهی است. (1) در عین حال جهاد یک فرمان بزرگ و یک عبادت اندیشمند است، زیرا موجب شکوه و عظمت و حفظ عزت و استقلال اسلام و مسلمین می‌شود. همچنان که هجرت از محیط کفر و اختناق نیز یک ارزش دیگر از ارزش‌های اسلامی است، برای کسانی که قدرت جهاد ندارند، بنابراین مجاهد و مهاجر دو واژه مقدس به شمار می‌روند. لذا اسلام چون یک دین کامل و جامع است در همه زمینه‌ها دارای حکم و فرمان و دستور و راهکار است و این امر به معنی تضاد نیست زیرا هر حکم و فرمان و دستوری جایگاه مخصوص خود را دارد.

## 19. چگونه حقانیت اسلام را اثبات کنیم؟

ج) در قرآن مجید از سه طریق حقانیت اسلام و دعوت نبی اکرم صلی الله علیه و اله اثبات شده است:

1- وجود قرآن به عنوان یک بینه و دلیل روشن و یک معجزه جاوید الهی بهترین مدرک و سند حقانیت اسلام و دعوت نبی اکرم صلی الله علیه و اله است.

2- کتب آسمانی پیشین از قبیل تورات و انجیل بر ظهور و حقانیت اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله بشارت داده‌اند.

3- گروندگان، تربیت شدگان و پیروان فداکار و مؤمنان و مخلص اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نشانه صدق دعوت و حقانیت او و آئین او هستند و همه کسانی که آگاهانه و با چشم و گوش باز و عقل و درک آزاد، به خاطر داشتن دلایل قانع‌کننده به قرآن و پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله آورنده‌ی آن ایمان آوردند، بهترین دلیل حقانیت اسلام

ص: 53



هستند. آری مسلمین در انتخابشان بر دلایل محکم متکی هستند، انتخابشان مبتنی بر براهین روشن و شواهد آشکار است که صدق دعوت نبی اکرم صلی الله علیه و اله و حقانیت اسلام را مبرهن ساخته و نیز گواهی کتب آسمانی پیشین و به خصوص بشارت های عهدین (1) همه گواه و شاهد بر صدق دعوت نبی اکرم صلی الله علیه و اله و حقانیت اسلام است. اما بسیاری از مردم به سبب جهل یا تعصب باطل و یا خودخواهی و غرور، ایمان نمی آورند یعنی انکار آنان به سبب شهوت عملی است، نه شبهه ی علمی. هیچ مغرضی به حق نمی رسد، چون غرض آمد هنر پوشیده شد. به هر حال مطالعه در وضع پیروان صدیق و مدافعان و حامیان صادق اسلام از جمله امیر مؤمنان علیه السلام که نخستین مردی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن ایمان آورد و تمام لحظات عمر شریفش را در راه حمایت و فداکاری در راه اسلام و پیامبرش طی کرد و نیز دقت در احوال پیامبر صلی الله علیه و اله و سایر پاران ایشان که گروهی مؤمن، مخلص، پاکباز، با هوش و با تقوی بودند، در هیچ مکتبی نظیر ندارند که صداقت و حقانیت مکتب اسلام و رهبر عالی قدرش را اثبات می کند (2).

## 20. اهمیت علم و دانش را از دیدگاه اسلام مختصر شرح دهید؟

ج) علوم و دانش ها را به سه دسته می توان تقسیم کرد:

1- علمی که همه انسان های عاقل باید فراگیرند (به اصطلاح فقه، یادگیری آن واجب عینی است و آن خداشناسی، معادشناسی، نبوت شناسی، امام شناسی و یادگیری احکام عملی که انسان در زندگی به آنها نیاز دارد).

2- علمی که عده ای حتما باید یاد بگیرند (به اصطلاح فقه، یادگیری آن واجب کفایی است). و آن علوم و فنونی است که در زندگی اجتماعی به آنها نیاز است مانند

ص: 54

---

1- مقصود بشارت های موجود در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان می باشد

2- رجوع شود به عنکبوت 49\_46 و هود / 17

علوم پزشکی و مهندسی و ... در این بخش هر فردی باید بر اساس ذوق و سلیقه اش و نیاز جامعه، یکی از علوم را انتخاب کند و فرا بگیرد.

3- علمی که نباید فرا گرفت و آن علمی مانند سحر، جادو، کهنات و ... است. در روایتی می خوانیم: (رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد و به ناگاه جمعی را دید که گرد مردی را گرفته اند فرمود: این کیست؟ گفتند: علامه است، فرمود: علامه یعنی چه؟ گفتند: داناترین مردم به انساب عرب، نبردهای عرب و ایام جاهلیت و اشعار و علوم عربیت است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این علمی است که نداستن آن زبانی ندارد و دانستنش نیز سودی ندهد سپس فرمود: علم عبارت از نشانه ها و نماینده های درست و با واقعیت است، که شامل همه قرآن و ادله اصول دین و براهین صحیح و همه فرمول های علمی و فنی می گردد، و در درجه دوم علم قوانین و دستورات عادلانه ای است، که اساس سعادت فرد و جامعه بشری است از نظر دنیا و آخرت، در درجه سوم علم به طرز اجرای عمل به قوانین عدالت است) قرآن کریم در آیات فراوانی مردم را به درس خواندن و فراگرفتن علوم (اعم از: معرفت ذات پاک پروردگار و صفات او، شناخت جهان آفرینش، آگاهی از اسرار موجودات زمینی و آسمانی، شناختن انسان و...) دعوت نموده است (1)

## 21. چرا باید زیارت عاشورا بخوانیم؟

ج) زیارت عاشورا از طریق علقمه بن محمد حضرمی از حضرت امام باقر علیه السلام روایت شده است و به عبارت دیگر این زیارت را حضرت امام باقر علیه السلام به درخواست نامبرده به وی تعلیم داده است و فرموده است که: ای علقمه ابتدا دو رکعت نماز بخوان و سپس به آن حضرت اشاره کن (به سوی قبر مطهر امام حسین علیه السلام و در وقت اشاره به آن

ص: 55

حضرت تکبیر بگو و بعد او را با این زیارت، زیارت کن، سپس حضرت باقر علیه السلام اجر و پاداش خواندن زیارت عاشورا را برای وی بیان فرموده است که مشتمل بر کسب درجات شهداء و زیارت قبر امام حسین علیه السلام از سوی انبیاء می باشد. علاوه بر مطلب فوق باید افزود که زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام بخصوص زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و زیارت حضرت حسین علیه السلام و زیارت حضرت مهدی علیه السلام در تقویت روحیه معنوی و تثبیت ایمان و ایجاد رابطه روحی با اولیاء خدا و کسب درجات اخروی و تحصیل تربیت دینی بسیار نافذ و مؤثر می باشند از سوی دیگر زیارت اولیاء الهی نوعی عبادت و ذکر خدا محسوب می شود، موجب ایجاد آرامش روحی و روانی می گردد و از همه مهمتر محتوای این زیارت ها و دعاهاست که اگر به آن توجه شود یک دوره کامل آموزش تعلیم و تلقین اعتقادات حقهی مکتب اهل بیت علیهم السلام به خویشان می باشد.

## **22. در زیارت جامعه کبیره می فرماید که ائمه اطهار علیهم السلام ارکان توحید خداوند هستند، منظور چیست؟**

ج) کلمه ارکان جمع «رکن» می باشد و رکن به معنی پایه و اساس است، و مقصود از این که در این زیارت شریف، ائمه معصوم علیهم السلام ارکان توحید نامیده شده اند این است، که امامت و ولایت از شرایط اساسی توحید به شمار می رود، همان طوری که امام رضا علیه السلام در پایان حدیث سلسله الذهب فرموده اند: (بشرطها و شروطها و انا من شرطها). یعنی آن حضرت ولایت و امامت خود را شرط ضروری توحید خوانده است، همچنین این مطلب در فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وارد شده است آنجا که خطاب به حضرت علی علیه السلام می فرماید: (و علی بابها) یعنی علی علیه السلام باب ورود به شهر نبوت و شهر ایمان و شهر توحید است، از سویی دیگر در روایتی ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام حصن محکم و دژ استوار توحید معرفی شده است که ورود به آن موجب ایمنی از عذاب الهی

می شود، به هر حال این گونه تعبیر در منابع شیعه فراوان است و مختص زیارت جامعه کبیره نیست. نتیجه این که بدون پذیرش ولایت و امامت اهل بیت نبوت علیهم السلام توحید انسان کامل نیست و اساس و پایه استواری ندارد. بنابراین راه تحکیم مبانی و اساس عقیده به توحید، اعتقاد به امامت و ولایت ائمه اثنی عشر علیهم السلام می باشد زیرا آن بزرگواران درهای ایمان و امینان خدای رحمان در خلقت به شمار می روند و محکم ترین دستگیره ایمان به خدا و توحید و خداپرستی هستند. البته لازم به یادآوری است که زیارت جامعه کبیره از لحاظ محتوا و مضمون بخصوص در بحث معارف و اعتقادات و امام شناسی یکی از عالی ترین و زیباترین و عمیق ترین اسناد مذهب اهل بیت و شیعیان اهل بیت علیه السلام می باشد.

### 23. فلسفه ی آفرینش شیطان چیست؟

ج) الف - خلقت شیطان از آغاز، خلقت پاک و بی عیبی بود به همین دلیل، سالیان دراز در صف مقربان درگاه خدا و فرشتگان بزرگش جای گرفته بود، اگر چه از نظر آفرینش جزء آنها نبود. ولی بعد، از آزادی خود سوء استفاده کرد و بنای طغیان و سرکشی گذاشت و رانده ی درگاه خداوند گردید و لقب شیطان را به خود اختصاص داد. بنابراین او در آغاز پاک آفریده شد و انحرافش بر اثر خواست خودش بود.

ب - از نظر آفرینش وجود شیطان برای افراد با ایمان و آنها که می خواهند راه حق را بپویند زیانبخش نیست، بلکه وسیله ای برای پیشرفت و تکامل آنها است، چه این که پیشرفت و ترقی و تکامل، همواره در میان تضادها صورت می گیرد. وجود یک دشمن قوی در مقابل انسان باعث پرورش و ورزیدگی او می گردد و هیچ موجودی راه کمال را نمی پوید مگر این که در مقابل نیرویی قوی قرار گیرد. زمانی که انسان در برابر دشمن نیرومندی قرار می گیرد، نیروها و نبوغ را بسیج می کند و به کار می اندازد و این سبب تحرک و جنبش هر چه بیشتر انسان و در نتیجه ترقی و تکامل او می شود. بنابراین

وسوسه های شیطان به طور غیر مستقیم برای بندگان خدا و پویندگان راه حق ثمر بخش خواهد بود.

ج) باید دانست که ابلیس پایه گذار مکتب جبر بود و هدفش از تأسیس این مکتب تبرئه ی خویش و نهایتاً توسل به این دروغ بزرگ بود و گفت: خداوندا تو مرا گمراه کردی و من هم به همین خاطر فرزندان آدم را جز مخلصان، گمراه خواهم کرد. (1) اما همگان می دانند که انسان موجودی است دارای اراده و اختیار تکوینی و لذا نفوذ وسوسه های شیطانی در انسان یک نفوذ نا آگاه و اجباری نیست. بلکه ما به میل خویش و وسوسه ی او را به دل راه می دهیم و گرنه حتی خود شیطان می دانند که بر مخلصان - آنها که خویشتن را در پرتو تربیت، خالص کرده اند و زنگار شرک را از روح و جان زدوده اند - راه ندارد. بنابراین شیطان و لشکریانش و در رأس همه ابلیس تنها دعوت کننده ی انسان به بدی ها هستند، نه وادار کننده آن ها. به عبارت دیگر وسوسه ها و فرامین ابلیس و شیطان موجب سلب اراده انسان نمی شود.

د) یکی دیگر از فلسفه های وجودی شیطان و ابلیس آزمایش و امتحان است؛ آزمایشی که وسیله پرورش و تکامل انسان هاست و آزمایش جز در برابر دشمنان سر سخت و طوفان ها و بحران ها امکان پذیر نیست. البته اگر شیطان هم نبود هوای نفس و وسوسه های نفسانی، انسان را در بوته ی آزمایش قرار می داد، اما با وجود شیطان، تنور آزمایش انسان داغ تر شده است زیرا شیطان عاملی است که از بیرون به تحریک انسان می پردازد و هوای نفس، عاملی است که از درون به وسوسه ی او اقدام می کند اما در عین حال انسان باز هم آزاد و مختار است؛ زیرا او هم عقل، هم وجدان، هم فطرت، هم اراده، و هم دین و هم ایمان دارد و از یاری خدا و ملائکه برخوردار است.

ص: 58

## 24. با توجه به بحث وحدت مسلمین آیا خواندن لعنت هایی که در زیارت عاشورا آمده صحیح است؟

ج) بر اساس فرمایش حضرت علی علیه السلام اختلاف ما مسلمانان ما در مورد شخص پیامبر صلی الله علیه و اله نیست بلکه در مورد دستوری است که به ما رسیده است. بنابراین همه مسلمانان ما در اصل توحید و نبوت و معاد و حقانیت قرآن و قبله و کعبه و بسیاری دیگر از تعالیم اسلامی با هم وحدت نظر داریم و بر این مشترکات هم باید دقیقاً پافشاری کنیم و بی شک نیاز مسلمین به اتحاد و وحدت یک نیاز ریشه ای و اساسی است، اما مفهوم اتحاد اسلامی این نیست که فرقه های اسلامی از اصول اعتقادی خویش صرف نظر کنند، زیرا این کار نه منطقی است و نه عملی و ما که شیعه هستیم و به شیعه بودنمان افتخار می کنیم حتی در کوچکترین مستحبات مذهبی اهل مصالحه نیستیم. اما آن چه مهم است ایجاد یک محیط دوستی و تفاهم آمیز بر اساس مشترکات اسلامی می باشد. همان گونه که مرحوم آیت الله بروجردی و شیخ عبدالمجید سلیم و مرحوم شیخ محمود شلتوت پایه گذار این گونه وحدت بوده اند، و الحمدلله در زمان ما نیز مجمع دارالتقريب جهانی در زمینه تحقق وحدت اسلامی در عین دوستی و حفظ حرمت تمام فرقه های اسلامی به فعالیت های ارزشمندی تاکنون نایل شده است، و جا دارد در این جا از بزرگان دیگری هم چون علامه شرف الدین و علامه کاشف الغطاء و علامه امینی که در این زمینه فعالیت های فرهنگی بسیاری کرده اند نام ببریم. (رحمه الله علیهم)

## 25. آیا مکان مقدس در استجاب دعا تأثیر دارد؟

ج) شرایط استجاب دعا بسیار است که از جمله آنها مکان و زمان دعا است مثلاً مکان مسجد الحرام، مکان مسجد النبی، مکان بیت المقدس و از لحاظ زمانی شب قدر،

شب جمعه، روز جمعه، روز عرفه، را به عنوان عوامل مؤثر در استجابات دعا معرفی کرده اند. بنابراین مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و نیز مرقد امامزادگان بزرگوار و حتی قبور اولیاء خدا در این مسأله نقش اساسی را ایفا می کنند، زیرا در روح انسان و در خلوص نیت انسان مکان و زمان، بسیار مؤثر است، علاوه بر این ها بعضی از مکان ها و بعضی از زمان ها غرور انسان را می شکنند و قلب انسان را لطیف می کند، که این خود یکی از شرایط استجابات دعا است. علاوه بر این مسائل، امور دیگری همچون حالت توبه، حالت خودسازی، حالت تضرع و اضطرار در استجابات دعا بسیار مؤثر است. پاکي غذا و لقمه و پاکي لباس و پاکي کسب و درآمد، ایمان و عمل صالح، امانت داری و درست کاری نیز جزء شرایط استجابات دعا به شمار می روند.

## 26. چرا مقام امامت نسبت به مقام نبوت برتری دارد؟

ج) مقام نبوت، مقام دریافت وحی است، مقام رسالت، مقام ابلاغ وحی و تبلیغ و نشر احکام و تربیت و آگاه کردن مردم است. مقام امامت، مقام پیشوایی خلق از طریق حکومت عدل الهی است که با تحصیل قدرت های گوناگون به اجرای احکام الهی می پردازد و مردم را به مطلوب حقیقی می رساند و امام، فرد شایسته و نمونه امت است، که راهبری امت را در همه ابعاد به عهده دارد به همین دلیل حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آن همه آزمایش و مقاماتی که داشت در آخرین مرحله از سوی خداوند متعال به امامت برگزیده شد. (1) پس دلیل برتری مقام امامت نص آشکار قرآن مجید است این آیه کریمه، عصمت همه جانبه امام برگزیده ی خداوند را نیز اثبات می کند. از سوی دیگر می دانیم که جناب هارون یکی از انبیاء الهی بوده است که بعد حضرت موسی علیه السلام مقام خلافت یعنی امام و رهبری جامعه را از خداوند برای او طلب می کند. (2)

ص: 60

---

1- بقره/124

2- اعراف،/142

## 27. آیا همه سرزمین ها پیامبر داشته اند؟

ج) قرآن کریم می فرماید: (ما در هر امتی رسولی فرستادیم) (1) و نیز می فرماید: (امت ها دارای رسولانی بوده اند، که همگی آنان، مردم را به توحید دعوت کرده اند و به مبارزه با طاغوت فرا خوانده اند) (2). پس هدایت تشریحی و اتمام حجت امت ها یکی از سنت های الهی است و خلاصه این که لازم نیست در هر سرزمینی رسولی مبعوث شده باشد، مهم این است که دعوت الهی به گوش همه امت ها برسد و این امر می تواند از طریق نمایندگان و فرستادگان الهی صورت بگیرد زیرا مثلاً می دانیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که خاتم است و رسالت جهانی و همیشگی دارد خودشان به بسیاری از سرزمین ها پا نگذاشتند اما دعوتشان به سراسر گیتی باید رسانده شود. به هر حال قرآن می فرماید: (و ما هیچ قومی را مجازات نخواهیم کرد مگر این که رسولی را برای آنها مبعوث کنیم) (3) ظاهر این آیه مطلق است و آن این است که خداوند بدون بعثت رسولان کسی را مجازات نمی کند یعنی بدون ابلاغ و بدون بیان و بدون آگاهی هیچ کس مکلف و مسئول نیست و این همان اصل برائت است. لذا جانشینان خلفا، ائمه علیهم السلام و علمای هر دین الهی در راستای بعثت پیامبران مسئول ابلاغ، بیان، آگاه کردن و دعوت مردم و اتمام حجت هستند.

## 28. چرا اکثر پیامبران الهی در انجام رسالت خود موفق نبوده اند؟

ج) نبوت، رحمت و لطفی است که از ناحیه خداوند حکیم، به عنوان حجت خدا است در ظاهر، همان گونه که عقل حجت باطنی خداوند است برای بشر. لذا هدف بعثت تذکر و یاد آوری امور فطری و عقلانی مورد غفلت واقع شده است. ابلاغ روشن و آشکار در جهت بیداری عقول و فطرت های بشری است، تعلیم و تربیت انسانی و الهی و

ص: 61

1- نحل، 36/

2- نحل، 36/

3- اسراء، 15/



دعوت به نور علم و دانش و ایجاد یک انقلاب فرهنگی عمیق در عقاید، اخلاقیات و اعمال بشری است. انبیاء مصلحانی بودند که وظیفه شان ایجاد اصلاح شخصیتی و پاکسازی نفوس و دعوت به توحید و تقوا و نفی طاغوت بوده است، بعثت انبیاء برای همه حجت الهی از طریق بشارت و انذار می باشد. آنان، آدمیان را به عقل و برهان، به علم و دانش و بصیرت، به توحید و ایمان و عبادت و تقوا، به یگانگی و وحدت و برادری، به عدالت و قسط، به آخرت و قیامت و به عالم غیب دعوت کرده اند و از انسان ها خواسته اند که با آزادی و اندیشه و آگاهی کامل به این دعوت لبیک گویند، یعنی هیچ جبر و اکراه و اضطراری در پذیرش دین الهی وجود نداشته و ندارد لذا انبیاء کاملاً موفق بوده اند و رسالت خود را به درستی انجام داده اند، وحی الهی را به مردم ابلاغ کرده اند و آنان را هشدار داده اند و انذار کرده اند و بشارت داده اند و اما مردم در قبال این دعوت دو گروه شدند، برخی پذیرفتند و ایمان آوردند و عده ای انکار کردند و کفر ورزیدند (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (1). (لا اکراه فی الدین) (2) یعنی دین حق نمی تواند تحمیلی باشد، زیرا، دارای دلایل روشن و برهان های مستدل و منطقی است، اصولاً دین مجموعه باورهای باطنی و عقاید قلبی است و بدیهی است که امور باطنی و قلبی تحمیل پذیر نیستند. بنابراین هیچ دین و مذهبی نمی تواند خود را به قلب و روح و باطن دیگران تحمیل کند حتی با شمشیر و قدرت نظامی.

## 29. در زمان های قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه ی فیض چه کسانی بودند؟

ج) در تعالیم دین مبین اسلام و مذهب حقهی اهل بیت این نکته آشکار است که فیض و عنایت الهی به موجودات همیشه از طریق واسطه سرازیر می شده است و نیز مسلم است که این واسطه جز حجت خدا که به او انسان کامل گفته می شود نیست. بر اساس

ص: 62

1- دهر، 3/

2- بقره، 256/

جهان شناسی و هستی شناسی دینی اولین فرد بشر حجت خدا و انسان کامل بوده است و هیچ گاه زمین از چنین فردی خالی نخواهد بود. هر چند گاهی، خلیفه الهی آشکار بوده است و گاهی غایب و پنهان، گاهی نبی بوده است و گاهی رسول، گاهی اولوالعزم بوده است و گاهی خاتم، گاهی از اوصیاء پیامبران بوده است و گاهی از اولیاء پیامبران. با توجه به این که می دانیم خداوند متعال یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر مبعوث فرموده که هر کدام از آنان حداقل یک وصی داشته اند، با این توضیح آشکار می شود که هرگز زمین از حجت خدا خالی نبوده و نیست اگر چه ما ندانیم و آنان را به درستی نشناسیم. لذا اولین انسان و آخرین انسان حجت خدا می باشند.

### **30. آیا شیطان می تواند در قالب بدن پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام در خواب یا بیداری در بیاید؟**

(ج) جواب این سؤال آشکارا منفی است. زیرا قرآن کریم می فرماید که شیطان تا رستاخیز ملعون خداوند است و تا زمان معین از خداوند مهلت خواسته که به گمراه ساختن فرزندان آدم کمر بیند و از راه هایی چون وسوسه، سوگند، دروغ و جلوه دادن کارهای زشت، به فریب دادن انسان پردازد. اما باید دانست که وجود شیطان و فریبکاری او، بخشی از سنت الهی مبنی بر آزمایش انسان ها است، هرگز شیطان بر انسانها مسلط نیست، بلکه تنها آنها را به بدی دعوت می کند. اما در عین حال، شیطان بر هیچ یک از انبیا معصوم الهی و اولیاء گرانقدر خداوند متعال راه سلطه و نفوذی ندارد. خداوند در آیه 42 سوره حجر و آیه 65 سوره اسراء خطاب به شیطان می فرماید: (تو هیچ گونه تسلط و قدرتی بر بندگان من نداری مگر گمراهانی که شخصا بخواهند از تو پیروی کنند. همین قدر کافی است که پروردگارت ولی و حافظ این بندگان است) بی شک پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام که اولیاء معصوم خداوند می باشند

پیوسته در حفاظت و حراست و وکالت الهی قرار دارند و لذا از هرگونه احتمال خطا و گناه و عصیان و تأثیر شیطان در شخصیت معنوی و روحانی خود به دور هستند، لذا باطن اولیاء الهی یعنی فکر و ذهن و قلب و عقل و وجدان و فطرت آنان در سپر عصمت از هر تعرضی مصون هستند به طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند (آن شیطانی آمن بیدی) یعنی شیطان من به دست من ایمان آورد. بنابراین انبیاء و اولیاء معصوم علیهم السلام از آن چنان تربیت معنوی و ترقی و تکامل وحی بر خوردار هستند که قوای شهویه و غضبیه و متخیله و واهمه آنان و همچنین شیطان، تسلیم و مطیع آنان می باشد. بنابراین شیاطین انسی و جنی و قوای حیوانی باطنی هرگز در هیچ یک از ابعاد وجودی حضرات معصومین علیهم السلام مؤثر نیستند و یکی از معانی عصمت همین است.

### 31. همسران فرزندان آدم چه کسانی بودند؟

(ج) قرآن در این مورد در آیه اول سوره نساء می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» آیه فوق حاوی چند نکته است: اول آنکه می فرماید همه انسان ها از نفس واحده خلق شده اند که این تعبیر اشاره به حضرت آدم علیه السلام دارد، دوم آنکه می فرماید: همسر آدم علیها السلام از خود آدم آفریده شده است، یعنی از جنس خود او آفریده شده است. سوم آن که می فرماید: خداوند از آدم و همسرش، مردان و زنان فراوانی به وجود آورد اما در مورد چگونگی این مسأله اختلاف است، بعضی گفته اند: پسران آدم با دخترانی از جن و حوریانی بهشتی ازدواج کرده اند. به همین سبب بعضی انسان ها زیبا و بعضی زشت هستند بعضی دیگر گفته اند: لازمه سخن خداوند در آیه فوق این است که فرزندان آدم (برادر و خواهر) با هم ازدواج کرده باشند، و این لازمه از لفظ (منهما) در آیه فوق برداشت می شود. البته در

بعضی از احادیث نیز نقل شده این ازدواج ها مباح بوده و در آن وقت حکم تحریم نازل نشده بود اما در احادیث دیگری تصریح شده است که فرزندان آدم با هم ازدواج نکرده اند(1)

### 32. چه کسانی علم غیب دارند؟

ج) قرآن کریم در آیاتی علم غیب را مخصوص خدا معرفی کرده و از غیر او نفی می نماید. مانند آیه 59 سوره انعام. در بعضی دیگر از آیات قرآن به روشنی آشکار است که اولیاء الهی از علم غیب آگاهی دارند اما بدیهی است که این امر به اذن خدا می باشد مانند آیه 49 سوره آل عمران و آیه 179 سوره آل عمران. آری به فرمایش قرآن، خداوند بخشی از علم غیب را در اختیار رسولان برگزیده اش قرار می دهد. اصولاً وحی آسمانی که بر پیامبران نازل می شود نوعی غیب است، که در اختیار آنان قرار می گیرد. چگونه می توان گفت آنها آگاهی از غیب ندارند، در حالی که وحی بر آنان نازل می شود، در احادیث و روایات فراوانی این مطلب وجود دارد که علاوه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام نیز اجمالاً از غیب آگاهی داشته اند، مانند پیشگویی های متعدد علی بن ابی طالب علیه اسلام در نهج البلاغه از جمله در خطبه سیزده در مذمت اهل بصره می فرماید: (گویا می بینم عذاب خدا از آسمان و زمین بر شما فرود آمده و همه غرق شده اید تنها قله بلند مسجد تان همچون سینه کشتی در روی آب نمایان است. به طور کلی روایات در زمینه علم غیب پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام در حد تواتر است، البته نیاز به یاد آوری است که اسرار غیبی دو گونه است یک قسم آن مخصوص خداوند است و هیچ کس جز او از آن قسم اسرار آگاهی ندارد و قسم دیگر آن را خدا به انبیاء و اولیاء و ملائکه آموخته است. بنابراین اهل بیت علیه السلام به اذن خداوند متعال هرگاه

ص: 65

---

1- رجوع شود به تفسیر المیزان و تفسیر نمونه، ذیل آیه ی اول سوره نساء

### 33. آیا آیات اول سوره فتح با عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مغایرت ندارد؟

ج) سوره فتح مربوط به فتح حدیبیه است، این فتح موجب شد که همه ی نسبت های ناروایی را که دشمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله می دادند یکباره بشوید و از میان ببرد، به عنوان مثال، کفار، پیامبر صلی الله علیه و آله را جنگ طلب و آتش افروز میدانستند و همین نوع تهمت ها را به عنوان گناه و ذنب برای پیامبر حساب می کردند. به هر حال پیروزی مسلمانان در این فتح المبین موجب شد که ذنبیات نادرست و تصورات و باورهای غلط مشرکان مکه در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یکسره خط بطلان خورده و محو گردند. قرآن کریم از این مسأله با تعبیر (لِيُغْفَرَ لَكَ اللَّهُ) یاد کرده است. امام رضا علیه السلام در این مورد، در حدیثی فرموده است: (هیچ کس نزد مشرکان مکه گناهش سنگین تر از رسول الله صلی الله علیه و آله نبود زیرا آنها 330 بت می پرستیدند هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به توحید دعوت کرد بسیار بر آن ها گران آمد و گفتند: آیا او همه خدایان ما را تبدیل به یک خدا کرده؟ چیز عجیبی است. ما هرگز چنین چیزی را از پدران خود نشنیده ایم این فقط یک دروغ بزرگ است، اما هنگامی که خداوند، مکه را برای پیامبرش بعد از صلح حدیبیه فتح کرد خداوند فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله ما فتح مبینی را برای تو فراهم کردیم تا گناهان گذشته و آینده ای که نزد مشرکان عرب به خاطر دعوت به توحید داشته و داری بخشیده شود، زیرا بعضی از مشرکان مکه تا آن روز ایمان آورده و بعضی ها از مکه بیرون رفته و ایمان نیاوردند، ولی قادر بر انکار توحید نبودند و لذا گناه پیامبر صلی الله علیه و آله در نظر آنها به خاطر پیروزی اسلام بر مشرکین بخشوده شد.) یعنی بر مشرکان اثبات شد که توحید و یکتاپرستی هیچ

ص: 66

گناهی بشمار نمی رود، این شرک و بت پرستی است که گناه می باشد(1)

### 34. چرا ما شیعیان به عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام معتقد هستیم ولی اهل تسنن اعتقادی به این موضوع ندارند؟

ج) عصمت یعنی یک عنایت و الطاف پنهانی که خداوند نسبت به بعضی از مکلفین دارد به طوری که به برکت این عنایت و لطف نامحسوس، انگیزه گناه و ترک طاعت در آنان به صفر می رسد. البته چنین انسان هایی که برگزیدگان خدا محسوب می شوند با این که قدرت بر ترک واجب و انجام حرام دارند اما به سبب عصمت، هرگز به آن اقدام نمی کنند، بنابراین عصمت معصومین با اراده و اختیار آنان منافاتی ندارد. بعضی از اهل سنت، عصمت پیامبران را فقط از گناهان کبیره پذیرفته اند و بعضی دیگر معتقدند که عصمت انبیاء فقط در کفر و کذب است، اما شیعیان اهل بیت عقیده دارند که جمیع انبیاء الهی از همه گناهان صغیره و کبیره، چه سهوی و چه عمدی مبرا و معصوم هستند، اما در مورد ائمه علیهم السلام، اهل سنت به هیچ وجه به مساله ای به نام امامت و ولایت به آن معنی که اهل شیعه عقیده دارند هرگز معتقد نبوده و نیستند. بنابراین آنان برای خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ یک از شرایطی را که ما شیعیان معتقد هستیم معتقد نیستند. از نظر ما شیعیان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام منتخبین خداوند متعال و هدایتگر انسان به راه حق هستند بنابراین باید خود هدایت شده باشند و در

امر هدایت مردم از هر لغزش و خطایی مصون و از هر جهت الگو و اسوه باشند (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ) (2)

ص: 67

1- رجوع شود به تفسیر نمونه ج 22 از صفحه 24 - 18

2- انعام / 124.

### 35. با توجه به این که برخی پیامبران دچار لغزش و گناه شدند (حضرت آدم علیه السلام حضرت یونس علیه السلام و...) آیا این موضوع با عصمت پیامبران مغایرت ندارد؟

ج) عصمت انبیاء یکی از ویژگی های اختصاصی آن بزرگواران است یعنی پیامبران الهی از هر گونه گناه مطلق و عصیان مطلق مبرا و به دور هستند اما در عین حال چون بشر هستند زندگی عادی دارند. روح، جسم، غرایز، شهوت، عقل، اراده و اختیار دارند و خلاصه فرشته نیستند گاهی از آنان اعمالی صادر می شد که هر چند گناه مطلق و عصیان مطلق نبوده اند اما با شأن و مقام و شخصیت و منزلت آنان عیب به شمار می رفته است که در اصطلاح آن را ترک اولی می گویند و چنین اعمالی خلاف عصمت نیست. علما در این مورد می گویند: (حَسَنَات الْاِبْرَارِ سَيِّئَاتِ الْمُقْرَبِينَ) و این همان است که به آن گناه نسبی و عصیان نسبی می گویند، در حالی که هیچ گناه و عصیان و خلاف شرعی هم به شمار نمی رود، مانند جمله (الهی ظلمت نفسی) در دعای کمیل، حال آنکه جناب امیرالمؤمنین علیه السلام معصوم هستند پس اقرار به گناه از سوی انبیاء و اولیاء در حقیقت اقرار به بندگی در پیشگاه با عظمت پروردگار است هر چه باشد آن بزرگواران هم، عبد هستند آن هم بهترین عبد

### 36. چرا امام حسین علیه السلام کشته شد؟

ج) چنین سؤالی در مورد امام علی علیه السلام در مورد اکثر ائمه علیهم السلام هم مطرح است. لذا پاسخ کلی این است که او شهادت مقامی است بسیار عالی که برای ما اصلا قابل تصور نیست. ثانیاً گاه جامعه آن چنان غفلت زده می شود و گاه آن چنان نفاق حاکم می شود که جز با خون های مقدس بیدار نمی شود. تحریفات عملی، تحریفات سیاسی، تحریفات

روایی و ترور شخصیت و تزویر و تحمیق و زور و زر معاویه و تابعان او آن چنان فضای جامعه اسلامی را آلوده کرده بود که به قول امام حسین علیه السلام هر گاه شخصی چون یزید حاکم جامعه شود، باید فاتحه ی اسلام را خواند، از سوی دیگر امام حسین علیه السلام گام به گام از درگیری فاصله می گرفت، مدینه را ترک کرد، مکه را ترک کرد، می خواست که به کوفه برود که راه را بر او و یاران و اصحاب و فرزندان بستند. به هر حال بدیهی است که شخصی چون امام حسین علیه السلام هرگز با شخصی چون یزید بیعت نمی کند، البته قیام عاشورا، اسلام را احیاء کرد، نبوت و امامت را احیاء کرد و جامعه تخدیر شده آن روز را بیدار کرد و چهره ی پلید یزیدیان را افشا نمود. پس شهادت امام حسین علیه السلام هلاکت نبود بلکه عین سعادت و فلاح و فوز عظیم بود. با شهادت امام حسین علیه السلام درس های معنوی و اخلاقی و سیاسی و فقهی فراوان واقعه عاشورا، نه تنها برای مسلمین و شیعیان بلکه برای همه آزادگان جهان به طور عملی تدریس شد که بعضی از آنها عبارتند از:

- (1) درس ایثار به معنی حقیقی، ایثار جان، ایثار مال، ایثار خاندان، در راه تحقق آرمانی مقدس و والا.
- (2) درس وفاداری و ولایت پذیری تا آخرین نفس.
- (3) درس عبودیت و دعا و راز و نیاز حتی در اوج محاصره دشمن تا دندان مسلح شب عاشورا.
- (4) درس اقامه نماز واجب حتی در زیر رگبار تیرهای دشمن (نماز ظهر عاشورا).
- (5) درس غیرت و حمیت و مردانگی و جوانمردی (عباس و علی اکبر).
- (6) درس توبه و انابه به سوی حق، به سوی نور، به سوی امام حق (زهیر عثمانی و حر بن یزید که فرمانده سپاه دشمن بود).
- (7) درس عملی آیه (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) [\(1\)](#) امام حسین علیه السلام مظهر

ص: 69



محبت بود برای همه و لیکن علی اکبر و علی اصغر و عباس و قاسم را و شاید علی اصغر (عبدالله) را بیشتر دوست داشت لذا آنان را قبل از خود در راه محبوب و در راه حبیب و در راه حبيب الله و در راه اسلام و قرآن و در راه نجات و اصلاح امت جدش تقدیم کرد.

8) خاندان امام علیه السلام و اهل و عیالش نیز رسولان عاشورا بودند، پیامبران خون مطهر عاشورائیان بودند تا عاشورا تحریف نشود، تا به سرنوشت غدیر و یوم الانذار دچار نشود، لذا زینب سلام الله علیها، فاطمه صغری سلام الله علیها، امام سجاد علیه السلام و دیگران هر یک در مواقع حساس پیام عاشورایی حسین را به زیبایی تمام به جهانیان رسانیدند، خواب یزیدیان را آشفته کردند، عیب الله را رسوای خاص و عام کردند و کاری کردند که عاشورا یک مکتب شد. پس قیام سیدالشهدا علیه السلام هلاکت نبوده بلکه سعادت بوده، اماتة نبوده بلکه احیا بوده، افساد نبوده بلکه اصلاح یک امت بوده، برترین و عالی ترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر بوده است، عالی ترین و زیباترین درس آزادی و آزادگی، عمیق ترین درس تدین و دینداری و شکوهمندترین حماسه سیاسی و انقلاب خونین بوده. خلاصه این که عاشورا دارای همه ابعاد و وجوه یک مکتب است: بعد فردی، اجتماعی، خانوادگی، مدیریتی، اخلاقی، معنوی، عرفانی، عبادی، سیاسی، نظامی و انقلابی یعنی مشتمل بر خون و پیام. خون انقلاب کربلا را امام حسین علیه السلام و اصحاب پاکش تقدیم دین کردند و پیام این انقلاب را آزادگان به ظاهر اسیر به گوش ابدیت رساندند.

### **37. چه رابطه ای بین 12 حواریون و 12 امام می باشد؟**

ج) به اصحاب خاص حضرت مسیح علیه السلام را که دارای قلبی پاک و پاکیزه بودند و در راه روشن کردن افکار و تزکیه و تطهیر دیگران از آلودگی، تلاش فراوان می کردند حواری گفته اند، که جمع آن حواریون می شود. این کلمه به معنی شستن، پاکیزگی و

سفید کردن می باشد. در قرآن کریم، از آنها تمجید شده است از جمله در آیه 52 سوره آل عمران و آیه 14 سوره صف. در انجیل متی و انجیل لوقا اسامی آنان که 12 نفر هستند ذکر شده است، در هر صورت حواریون اولین مؤمنان به حضرت مسیح علیه السلام به شمار می روند، آنان یاوران خدا و یاوران آئین خدا بوده و حضرت مسیح را بر اسلام خود گواه گرفتند. لازم است که دانسته شود اسباط بنی اسرائیل یا اسباط یعقوب علیه السلام نیز 12 نفر هستند، کلمه بط به معنی توسعه و انبساط است لذا فرزندان و شاخه هاییک فامیل را سبط و اسباط می گویند. پس اسباط تیره ها، قبایل یا فرزندان هستند که از 12 فرزند حضرت یعقوب علیه السلام بوجود آمدند و در میان آن ها پیامبرانی نیز وجود داشته است. (1)؟ جالب این که نقباء بنی اسرائیل نیز 12 نفر بودند و تقیب به معنی رئیس و رهبر یک جمعیت است. نقبای 12 گانه بنی اسرائیل در اصل وزیران حضرت موسی علیه السلام بوده اند که اغلب آنها به نبوت هم رسیده اند. (2) نکته مهم این که در روایات اهل سنت تعداد خلفای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 12 خلیفه به تعداد نقباء بنی اسرائیل ذکر شده است و بدیهی است که این گونه روایات فقط با عقاید شیعه امامیه که به امامت ائمه اثنی عشر معتقد هستند سازگار می باشد. بنابراین همه پیامبرانی که دارای وصی و جانشین بوده اند، اوصیا و جانشینان آنان 12 نفر بوده است.

### 38. چرا لقب آیت الله العظمی را به خیلی از علماء نسبت می دهند؟ آیا این لقب مخصوص حضرت علی علیه السلام نیست؟

(ج) در تفسیر آیه شریفه (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ) سوره نبأ آیه 1 و 2، از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که این آیه در مورد امیرالمومنین علیه السلام می باشد به طوری که آن جناب فرموده است: (خدا را نشانه ای بزرگتر از من نیست و خدا را خبری

ص: 71

1- بقره، 136/

2- مائده، 12/

عظیم تر از من نیست) طبق این روایت حضرت علی علیه السلام (آیت الله اکبر) می باشد. همچنان که آن بزرگوار نبأ اعظم خداوند نیز می باشد و آشکار است که میان آیت الله اکبر که مختص علی علیه السلام است و آیت الله العظمی تفاوت فراوان وجود دارد و لذا اشکالی که در سؤال مطرح بوده وارد نمی باشد و مندفع می گردد. بی شک همه ذرات کائنات آیات و مرآت تجلیات آن جمال جمیل عزو جل هستند منتهی هر یک به اندازه ظرفیت وجودی خود. (1)

### 39. منظور از ثقل اکبر و ثقل اصغر چیست؟

(ج) در روایتی، حدیث ثقلین چنین بیان شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: (أَيُّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِيَّهِنَّ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ) و بر اساس نقل دیگری این روایت این گونه نقل شده است: (انی مخلف فيكم الثقلين الاثقل الأكبر القرآن و الثقل الأصغر عترتي و اهل بيتي هما حبل الله ممدود بينكم و بين الله عزوجل ما إن تمسكتم به لم تضلوا سبب منه بيد الله و سبب بأيديكم - وفي رواية اخرى - طرف بيد الله و طرف بأيديكم) (2) طبق حدیث فوق منظور از ثقل اکبر که اکبر مطلق است قرآن مجید می باشد. و مقصود از ثقل اصغر که به آن ثقل کبیر هم می گویند عترت و اهل بیت گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد. و مقصود از حوض کوثر مقام قرب الهی و عالم لقاء الله می باشد، که عبارتست از مقام اتصال کثرت به وحدت،

ص: 72

1- رجوع شود به حدیث 38 کتاب شرح چهل حدیث، امام خمینی رحمه الله علیه

2- رجوع شود به کتاب قرآن در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ص 68- وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی رحمه الله علیه

#### 40. چگونه می توان اثبات کرد که ائمه علیهم السلام یا شهدا شفیع هستند؟

ج) راه اثبات این مسأله رجوع به روایت و احادیث اهل بیت علیهم السلام و در مورد شخص بزرگوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر روایات، قرآن کریم نیز می باشد. مثلاً در روایتی آمده است، امام باقر علیه السلام می فرماید: (در روز قیامت، اولین و آخرین و حتی انبیاء هم محتاج شفاعت جدم محمد صلی الله علیه و آله هستند.) آری طبق اصول مسلم عقاید شیعه، اصل شفاعت مخصوص محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد و سایر شفیعیان شفاعتشان شعبه ای از این شفاعت اصلی می باشد. مانند شفاعت علمای ربانی و شهدای بزرگوار و سادات جلیل القدر. شفاعت در حقیقت مخصوص خداوند است، هیچ کس جز به اذن و اراده خداوند حق شفاعت ندارد، بنابراین شفیعیان روز جزا به فرمان و با رضای خداوند شفاعت می کنند. در روایت وارد شده است: سه گروه در قیامت شفاعت می کنند

(پیامبران، علما و شهیدان). علاوه بر آن، کسانی که شهادت به حق می دهند نیز به اذن پروردگار حق شفاعت دارند و بدیهی است که اینان جز اهل عصمت نمی باشند یعنی ملائکه و ائمه اهل بیت علیهم السلام و نیز کسانی که در نزد خدا دارای عهد هستند، یعنی ایمان و اقرار به یگانگی خداوند و تصدیق به پیامبران الهی دارند و به ولایت امیر مؤمنان و امامان اهل بیت عقیده و تمسک دارند، بر عهد و پیمان الهی از جمله نمازهای پنجگانه محافظت دارند(1)

#### 41. آیا معجزات همان گونه که در مورد پیامبران وجود داشت در مورد ائمه علیهم السلام نیز وجود دارد؟

ج) معجزه عبارت است از کارهای خارق العاده که به اذن خداوند و توسط انبیاء یا

ص: 73

اولیاء الهی برای اثبات حقانیت آنها برای مردم انجام می گیرد به طوری که دیگران از اجرای مانند آنها برای همیشه عاجز می باشند. از نظر ما شیعیان ائمه معصوم علیهم السلام نیز به اذن خدا و در شرایطی که مصلحت الهی اقتضاء می کرده است معجزاتی را انجام می داده اند مانند سخن گفتن حضرت علی علیه السلام با اژدها، از جا کندن در قلعه خیبر، رد شمس توسط حضرت علی علیه السلام و با دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و جنگ با طایفه ای از جنیان کافر و غیره (1)

## 42. چرا ائمه علیهم السلام در هنگام سختی ها و مصیبت ها و نیز در جنگ با دشمنان اسلام از کرامات و معجزات خویش بهره نمی برند؟

ج) الف - معجزات و کرامات انبیاء و اولیاء تابع اراده و فرمان و اذن الهی می باشند و به خواست مستقل انبیاء و اولیاء وابسته نبوده و نیست.

ب - صدور معجزات و کرامات به اذن الهی از اولیاء و انبیاء، تابع مصالح واقعی و برای اتمام حجت و هدایت مردم صورت می گرفته است و هرگاه چنین شرایطی نبوده معجزات و کرامات نیز از آن بزرگواران صادر نمی شده است.

ج - انبیاء و اولیاء الهی صاحب مقام (رضا) هستند بنابراین اراده ای این بزرگواران، فانی در اراده خداوند می باشد لذا هرگز از حضرت حق تقاضای فردی و نفسانی نداشته اند. و در امور فردی و اجتماعی خود، تسلیم محض قضا و قدر الهی بوده اند. بنابراین هرگز از مقامات معنوی خویش در راه مسائل مادی و دنیوی استفاده نمی کرده اند.

د. اصولاً بلاها و سختی هایی که نصیب انبیاء و اولیاء الهی می شده است در حکم

ص: 74

---

1- رجوع کنید به ترجمه کشف المراد اثر علی محمدی و نیز همان کتاب با ترجمه آیت الله ابوالحسن شعرانی و همچنین کتاب امامت و رهبری اثر شهید مطهری و ترجمه باب حادی عشر اثر علامه حلی

هدایای الهی به آن بزرگواران به شمار می روند زیرا این بلاها مقدمات مدارج بسیار متعالی اخروی برای آن بزرگواران است لذا در روایت وارد شده است که در مورد امام حسین علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: (که شما درجه ای در بهشت دارید که جز با شهادت به آنان نائل نمی شوید) در نتیجه این بزرگواران با توجه به علم لدنی و مقام عصمت و تا حدودی آگاهی از بعضی از حوادث غیبی در عین حال در نهایت تسلیم و رضا در مقابل مشیت مطلقه الهی و قضا و قدر ربانی بوده اند.

### **43. چرا اکثر ائمه علیهم السلام به وسیله زهر کشته شدند؟ آیا نمی توانستند از این اتفاق جلوگیری کنند؟**

(ج) بدیهی است که انبیاء و اولیاء و ائمه علیهم السلام هر چند معصوم بوده و به عالم غیب و ملکوت هستی متصل و مرتبط بوده اند، اما در عین حال به اراده و خواست و قضا و قدر الهی تسلیم مطلق بوده اند. از سوی دیگر این نکته بسیار مهم است که بدانیم علم غیب ائمه علیهم السلام و قدرت آن بزرگواران، تابع مشیت و مصلحت الهی بوده است، یعنی اگر مصلحت الهی این بود که معصوم علیه السلام از عاقبت و سرانجام کاری آگاه نگردد تا امتحان و آزمون الهی تحقق یابد هرگز نسبت به آن امر آگاه نمی شد. در مورد قدرت الهی ائمه علیهم السلام نیز همین امر صادق است. یعنی اگر مصلحت الهی موجب این می شد که معصوم علیه السلام نسبت به امری قادر نباشد هرگز قادر نمی شد و اگر بر عکس مصلحت الهی ایجاب می کرد که معصوم علیه السلام نسبت به امری قادر باشد، به سادگی و سرعت، آن امر را انجام میداد. مانند کندن درهای قلعه خیبر با دست یداللهی علی علیه السلام که قطعه و مسلمه جزء معجزات آن حضرت بشمار می رود و یک عمل عادی نبوده است.

#### **44. با توجه به زندگی اهل بیت علیهم السلام و بی‌اعتنایی ایشان به دنیا، علت پافشاری ایشان در به دست آوردن فدک چه بوده است؟**

ج) فدک یکی از دهکده‌های آباد و حاصلخیزی است که نزدیک خیبر است و تا مدینه 140 کیلومتر فاصله دارد. در سال هفتم هجرت قلعه‌های خیبر یکی پس از دیگری فتح شد و قدرت مرکزی یهود در هم شکست. ساکنان فدک با پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام جنگیدند و تسلیم شدند و در برابر پیامبر متعهد شدند که نیمی از زمین‌ها و باغ‌های خود را به آن حضرت واگذار کنند و نیمی برای خودشان و در عین حال، کشاورزی سهم پیامبر را هم به عهده گرفتند و در برابر آن حتی دریافت می‌کردند. وقتی که آیه 26 سوره بنی اسرائیل (اسراء) (حق خویشاوندان را بده) نازل شد، پیامبر اسلام دخترش فاطمه سلام الله علیها را خواست و فدک را به او داد. ولی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی که وجود این قدرت اقتصادی را در دست همسر علی علیه السلام مزاحم قدرت سیاسی خود می‌دیدند و تصمیم داشتند باران علی علیه السلام را از هر نظر منزوی کنند آن را مصادره کردند. در دوران‌های بعد هر یک از خلفا که می‌خواستند تمایلی به اهل بیت نشان دهند فدک را به آنها باز می‌گرداندند، اما چیزی نمی‌گذشت که دیگری آن را مجدداً مصادره می‌کرد و به این صورت مسأله فدک به یک مسأله سیاسی مهم تبدیل شد و از آنجایی که مسأله فدک به عنوان یک حق الهی به شمار می‌رفت که مورد تأکید قرآن و مورد تأکید رسول خدا نیز بوده است به همین سبب حضرت زهرا سلام الله علیها به عنوان مطالبه‌ی یک حق الهی که مورد غضب واقع شده بود بارها در پس گرفتن آن جدیت و اصرار ورزید.

#### **45. علائم حتمی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کدامند؟**

ج) 1- صیحه‌ی آسمانی: از نص صریح آیه 41 سوره ق برداشت می‌شود که این

ص: 76

علامت در همان روز ظهور به وقوع می پیوندد. این ندا در اول روز شنیده خواهد شد در آیه مورد نظر آمده است که: این ندا را هر کس به زبان خودش به طوری که گویا کسی از نزدیک با او صحبت می کند، می شنود و با حالت فریاد نیست که برای کسی که نزدیک منبع صداست، با شدت باشد و برای کسی که دور است ضعیف شنیده شود.

2- خَسَف در بیداء: خَسَف به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و بیداء نام سرزمینی است بین مکه و مدینه. ظاهراً منظور از خَسَف در بیداء آن است که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عازم مکه می شود و در بین مکه و مدینه، در محلی که به سرزمین بیداء معروف است به گونه معجزه آسا به امر خداوند در دل زمین فرو می روند.

3- خروج یمانی و سید حسنی: گر چه قطعاً یمانی و سید حسنی به عنوان دو شخصیت معروف و شیعه و حامی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قبل از ظهور هستند، که عده ای را هم به حق دور خود جمع خواهند کرد اما خروج و ظهور امرشان بعد از زمان ظهور است و آن چه در روایات به عنوان علامت حتمیه آمده است خروج آنهاست، نه زمان خروجشان.

4- قتل نفس زکیه: نفس زکیه یعنی فرد بی گناه، کسی که قتلی انجام نداده است و جرمی ندارد. گویا در آستانه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فردی پاکبخته، مخلصانه در راه امام علیه السلام می کوشد و مظلومانه به قتل می رسد؛ فرد یاد شده از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام است.

5- خروج سفیانی: سفیانی شش ماه قبل از ظهور خروج می کند و قتل نفس زکیه، نجف در بیداء و خروج یمانی و سید حسنی در زمان ظهور و در زمان حکومت سفیانی است، و سفیانی نه ماه پس از ظهور نیز حکومت می کند و نهایتاً با لشکرش در حالی که به سوی مکه می روند در بیابان های بین مکه و مدینه در زمین فرو می روند.



لازم به ذکر است که امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور کاملاً ناگهانی و غیر منتظره روی خواهد داد بنابراین وظیفه شیعه این است که هر صبح و شام منتظر ظهور آن حضرت باشد که همانند شهاب آسمانی در یک لحظه، آسمان عالم را روشن خواهد کرد. یادآوری می شود که علاوه بر موارد فوق نشانه های متعدد دیگری برای ظهور آن حضرت در روایات آمده است مانند: خروج دجال، آشکار شدن پرچم های سیاه از خراسان، خسوف و کسوف در ماه رمضان، فراگیر شدن ظلم و جور و کثرت فتنه ها و هرج و مرج در عالم، نزول باران های فراوان و پی در پی وقوع جنگ های خونین و نهایتاً طلوع خورشید از مغرب که کنایه از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که حضرت عیسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام نیز به آن حضرت می پیوندند و در نماز به آن جناب اقتدا خواهند کرد.

#### **46. آیا حضرت مهدی علیه السلام زمانی که ظهور می کند دین جدیدی می آورد؟**

ج) در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: « هنگامی که قائم خروج کند امر تازه و کتاب تازه و روش تازه و داوری تازه ای با خود می آورد، روشن است که تازگی این برنامه ها و روش ها و داوری ها نه به خاطر آن است که مذهب جدیدی با خود می آورد بلکه آن چنان اسلام را از میان انبوه خرافات و تحریف ها و تفسیرهای نادرست و تلقی های غلط بیرون می آورد که بنایی کاملاً نو و جدید جلوه می کند. تازگی کتاب، نه این که مفهوم آن است که یک کتاب آسمانی جدید بر او نازل می شود چرا که امام، قائم است و حافظ دین، نه پیامبر و آورنده آیین و کتاب جدید. قرآنی اصیل فراموش شده را چنان از زوایای تحریف های معنوی و تفسیرهای نادرست بیرون می کشد که می توان نام کتاب جدید بر آن گذاشت. یکی از دوستان امام صادق علیه السلام به نام عبدالله بن عطا می گوید: از امام علیه السلام پرسیدم روش و سیره مهدی علیه السلام چگونه است؟ امام در پاسخ فرمود: «همان

کاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد، انجام می دهند. برنامه های (نادرست) پیشین را ویران می سازد همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله اعمال جاهلیت را ویران ساخت، اسلام را نوسازی می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «دوازدهمین فرزندم از نظرها پنهان می گردد و دیده نمی شود و زمانی بر پیروان من خواهد آمد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی نماند. در این هنگام خداوند بزرگ به او اجازه خروج می دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غربت اسلام را پایان می دهد و اسلامی را که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دعوت می کرد دوباره تجدید کرده و تازه می کند. در بعضی روایات ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله تشبیه شده است به طوری که امام صادق علیه السلام در این مورد فرموده اند: « هرگاه او قیام کند به امر جدید و تازه خواهد آمد چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله در ابتدای امر که دین اسلام تازه بود به آن دعوت کرد. بنابراین مقصود از این روایات این نیست که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دین جدیدی می آورد یا کتاب جدیدی می آورد بلکه همان گونه که امام باقر علیه السلام فرموده است: « لا تذهب الدنيا حتى يبعث الله رجلا ياهل البيت يعمل بكتاب الله» «دنیا به آخر نخواهد رسید تا این که خداوند از ما اهل بیت مردی را برانگیزد که به کتاب خدا عمل کند. یعنی همه تحریف ها و بدعت ها را از چهره ی کتاب خدا بداند و به آن عمل کند و بر خلاف مردم که عمل به قرآن را ترک کرده بودند آن حضرت معیار و ملاک عمل را قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام قرار می دهد و بدین سان دین متروک شده و قرآن فراموش شده و سنت فراموش شده را احیا و اجرا می کند (انشاء الله) (1)

ص: 79

---

1- رجوع شود به کتاب حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ص 320 تا 323

#### 47. اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به طریق برهان فیض تکوینی چگونه است؟

ج) چون هستی دارای مراتب و درجات است، عالی، متوسط، دانی، لاهوت، جبروت، ملکوت و ناسوت (که همان طبیعت است لذا برای وصول فیض از مراتب و درجات عالی به مراتب و درجات دانی باید واسطه یا وسائلی وجود داشته باشد که دارد و در زبان دین حجت نامیده می شود و امام، خلیفه الله و ولی الله، خوانده می شود. بنابراین بقاء و دوام همه اشیاء و موجودات در عالم طبیعت ناشی از وجود حجت خداست، ناشی از بقاء حجت خداست. دوام استمرار فیض وجود از جانب حق تعالی توسط حجت اوست، یعنی همه موجودات و از جمله انسان طفیل فیض الهی هستند همان فیضی که خودشان نمی توانند مستقیم آن را کسب کنند و لذا خداوند لطف فرموده برای رساندن فیض خود به اشیاء و موجودات، حجت های خود را در اختیار بشر قرار داده است. که اولین آنها حضرت آدم علیه السلام و آخرین آنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد آری (لولا الحجة لساخت الارض) (1) اگر حجت الهی وجود نداشته باشد نظام طبیعت از بین می رود و زمین بر اهلس

#### 48. چگونه از حریم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دفاع کنیم؟

ج) دفاع از امام زمان علیه السلام همان دفاع از حریم توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت و قرآن است، همان دفاع از حریم اسلام و تشیع است در دو بعد

1- در بعد معرفتی، شناخت، آگاهی، دانش، بینش و بصیرت نسبت به معارف اسلام و تشیع

ص: 80

---

1- رجوع شود به اصول کافی معرب، ص 178 تا 180

2- در بعد عملی، رفتاری و اجرایی که باید تا حد امکان عمل و رفتارمان را مطابق با الگوی تقلید یعنی قرآن و عترت قرار دهیم، آن وقت است که می توان از حریم ولایت دفاع کرد، دفاع آگاهانه و عالمانه، دفاع در رفتار و کردار و به فرمایش امام صادق علیه السلام مردم را با اعمالتان دعوت کنید نه با زبان هایتان، به عبارت دیگر راه دفاع از حریم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اجرای مفاد (سوره عصر) یعنی ایمان، عمل صالح، سفارش همدیگر به صبر و حق است.

#### 49. دلایل اثبات رجعت را بیان کنید؟

ج) رجعت از عقاید خاص شیعه است و معنی آن این است که در آستانه ی قیامت گروهی از مؤمنان خالص و گروهی از کافران شرور به این جهان باز می گردند، گروه اول برای این که در ثواب و افتخارات قیام و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از شرکت کنند و گروه دوم برای کیفیتهای شدید و گرفتن انتقام از آنها باید دانست که این عقیده مورد اجماع امامیه است، اما دلایل:

الف - احیای مردگان در این دنیا محال نیست.

ب - قرآن مجید، رجعت را در امت های گذشته اثبات کرده (1)، علاوه بر آن داستان اصحاب کهف و داستان مرغ های ابراهیم علیه السلام، همه دلالت بر ثبات رجعت از دیدگاه قرآن دارد.

ج - گفتار ائمه علیهم السلام و احادیث و روایات آن بزرگواران نیز اثبات کننده رجعت است، البته رجعت همگانی نیست بلکه اختصاصی است و تنها از ضروریات شیعه بودن است و منکر آن کافر نمی باشد

ص: 81

## 50. توجیه عقلی رجعت ائمه علیهم السلام در آخر الزمان چیست؟

ج) موضوع رجعت جنبه همگانی ندارد و نه تنها مختص به مؤمنانی است که در مراحل عالی ایمان قرار دارند بلکه مختص کافران و طاغوت صفتان ستمگری است که در مراحل پستی از کفر و ظلم قرار دارند و احتمالاً بازگشت مجدد این دو گروه به دنیایه منظور تکمیل مراحل تکاملی گروه اول و چشیدن کیفر دنیوی برای گروه دوم است. همان‌هایی که در مسیر کمالشان موانعی بوجود آمده و تکامل آن‌ها تمام مانده است. این گروه با شرکت در حکومت جهانی سراسر حق و عدالت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کمال لایق خود دست خواهند یافت و بدیهی است که مؤمن‌ترین انسانها پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام هستند که در مسیر حیات دنیوی با موانع فراوانی روبرو بوده‌اند. بطوری که ناجوانمردانه به شهادت رسیده‌اند و طبق روایات به دست می‌آید که أمير المؤمنان علی علیه السلام مظلوم‌ترین انسان‌ها بود. و قرآن کریم او را در آیه 28 سوره نمل دابه الأرض» معرفی کرده است که بنا به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند، علی علیه السلام را در آخرالزمان به بهترین صورت زنده می‌کند.

## 51. با عنایت به اعتقاد اکثر ادیان به وجود منجی آخر الزمان، چگونه می‌توان حقانیت منجی بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات کرد؟

ج) اعتقاد به منجی یک اعتقاد فطری می‌باشد بنابراین همه انسان‌ها در عمق فطرت خود به یک دست غیبی نجات بخش معتقد هستند، اما این که مصداق معین آن منجی کیست؟ در بین پیروان مذاهب اختلاف نظر است. بعضی او را مسیح می‌دانند عده‌ای او را کریشنا خوانده‌اند، گروهی دیگر او را سوشیانت نامیده‌اند و گروهی هم او را مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نامیده‌اند. از این میان شیعیان اعتقادشان مبتنی بر دلایل و قرائن قوی و

مستحکم می باشد، شواهد و دلایل و قرآنی که ریشه در عصمت دارد زیرا هم قرآن و هم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هم ائمه اطهار علیهم السلام از هر گونه خطا، گناه و اشتباه مصون و معصوم هستند و فرمایشاتشان برای همه شیعیان حجت است. از سوی دیگر روایات مبتنی بر وجود آن حضرت به حد تواتر رسیده است و حتی برخی از بزرگان اسلام در این مورد ادعای اجماع کرده اند و البته این امر از دیدگاه علمای شیعه قطعاً اجماعی است. با توجه به این که دین اسلام کامل ترین و جامع ترین دین الهی است و کتاب آسمانی این دین یعنی قرآن تنها کتاب آسمانی است که تحریف نشده است بنابراین تأکید قرآن بر مسأله مهدویت و ظهور و قیام آن حضرت در آخرالزمان دلیل بر حقانیت منجی مورد نظر اسلام می باشد و از سوی دیگر علاوه بر قرآن کریم روایات زیادی دلیل بر حقانیت و قیام آن حضرت وجود دارد و دیگر این که سایر ادیان و کتب اعتقادی آنان دست خوش تحریف قرار گرفته اند و به همین دلیل مشتمل بر تضاد و تناقض می باشند و آن چه مشتمل بر تضاد و تناقض باشد در پیشگاه عقل سلیم باطل و مردود است.

## **52. اگر همه چیز از مجرای فیض امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گذرد چرا انحراف وجود دارد؟**

ج) باید دانست که این مسأله مانند مسأله قضا و قدر الهی است یعنی جبر پیش نمی آید و مستلزم جبر و سلب اراده عملی انسان نیست پس آدمی در پرتو قضا و قدر الهی موجودی مختار، مکلف و مسئول است، همین طور می توان گفت آدمی در پرتو فیض الهی که از ناحیه خداوند و به توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به او می رسد موجودی دارای اراده است و اصولاً بحث قضا و قدر و بحث فیض الهی مربوط به عالم تکوین است اما انحرافات، خوبی و بدی مربوط به عالم تشریح می باشد و این دو حوزه، هر کدام خصوصیات جدا دارند. انسان در حوزه تشریح کاملاً آزاد و مختار است و همین امر

می تواند موجب انحرافات گوناگون شود.

### **53. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه مخالفانش را می کشد؟**

ج) بر اساس روایات یکی از شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با جد بزرگوارش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خروج و قیام آن حضرت با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان پیامبر خدا و جباران و طاغوت ها است، و به هر حال خدای تعالی آن حضرت را با ایجاد رعب در دل دشمنانش یاری می فرماید. عمران سراسر زمین و به ارث رسیدن زمین به اولیاء الهی مستلزم غلبه ی حق بر باطل و غلبه ی عدل بر ظلم و غلبه توحید بر شرک و نفاق است، همه این ها به اذن الهی و در پرتو ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سراسر عالم برقرار خواهد شد. آری به طور قطع و یقین در انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین از هر گونه ناپاکی تطهیر و پاکسازی می گردد، البته این امر با اتمام حجت، بیدارگری، آگاهی بخشی و تبلیغ و هشدار دادن به مخالفان در مرحله اول هیچ منافاتی ندارد، به هر حال قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور طبیعی مخالفت دنیا پرستان و طاغوت صفتان را در پی خواهد داشت و بدیهی است که در این میان عده کثیری کشته می شوند. هر چند هدف اصلی ظهور آن حضرت کشتار انسان ها نیست بلکه نجات و رهایی انسان ها از انواع اسارت های فکری، اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می باشد اما رسیدن به این هدف قطعاً همراه با جنگ و درگیری و جهاد و مبارزه می باشد.

### **54. آیا در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نفس اماره از میان برداشته می شود؟ و مردم گناه نمی کنند؟**

ج) از نظر اعتقادات ما شیعیان و طبق تعالیم اهل بیت علیهم السلام در عصر حکومت حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رشد فکری و عقلی انسان ها به تکامل نهایی می رسد و به همین نسبت ایمان های افراد انسان نیز تکامل می یابد و در نتیجه کمک های الهی و امدادهای غیبی و حضور و توجه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در سیر تکاملی ایمان و معنویت انسان ها بسیار مؤثر است، علاوه بر آنکه دعاهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امدادهای غیبی خدای سبحان و دوستی ملائکه موجب گسترش توفیقات معنوی اهل ایمان می گردد اما به هیچ وجه این امور منافاتی با اراده انسان ندارد، بنابراین نفس اماره ی انسان از وجود آدمی حذف نمی گردد بلکه شرایط مبارزه با آن و غلبه نمودن بر امیال و هواهای نفسانی بسیار فراهم تر می باشد. به هر حال از آثار برجسته حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رشد معنوی و اخلاقی و ایمانی و عبادی انسان ها می باشد و بعید نیست که در این دوران، باطن و حقیقت گناهان بر اکثریت انسان های مؤمن مکشوف گردد و همین امر موجب تقویت مصونیت و تقوای آنان در مقابل گناه و عصیان شود.

## 55. ویژگی منتظران واقعی چیست؟

ج) منتظر واقعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید چند خصوصیت داشته باشد:

- 1- عمل به تکالیف دینی: باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. نه یک واجب از او ترک شود و نه یک حرام از او صادر شود.
- 2- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن موجود مبارک: بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم.
- 3- انتظار فرج آن حضرت: در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بهترین اعمال انتظار فرج است (فرج یعنی نصرت، پیروزی و گشایش؛ و مقصود، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بیداد است. بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن پیروزی عدل گستری به رهبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف،



آرمانی بزرگ و جهانی؛ منتظر واقعی و حقیقی کسی است که حقیقتاً خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آنگاه جدی و راست است که شخص منتظر فرج، خود عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گر نه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود.

## 56. اثبات وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

ج) یکی از اصول اساسی مکتب تشیع، این است که جهان هستی هرگز بی امام نخواهد بود. بدون وجود امام جریان فیض الهی در قلمرو تکوین و تشریح امکان ندارد، تا جهان باشد و انسان باشد امام نیز خواهد بود. این مسأله به قدری حائز اهمیت است که امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ وَقَالَ إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ»، اگر تنها دو نفر انسان داشته باشیم یکی از آن دو امام خواهد بود و آخرین کس که می میرد امام است. چون امام واسطه فیض در نظام تکوین است اگر امام نباشد فیض خدا به هستی قطع شده، جهان هستی از هم فرو می پاشد. محمد بن فضیل می گوید: (از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم آیا روزی زمین بی امام خواهد بود؟ فرمودند: نه. گفتم: از امام صادق علیه السلام روایت شده که اگر روزی زمین بی امام باشد زمین یا بندگان مورد خشم خداوند قرار می گیرند فرمود: لا، لا تبقی اذالساخت. نه، اصلاً زمینی و بشری نمی ماند و همه از بین می روند) امام، مخاطب و حامل قرآن و الهام است. چون قرآن کتاب همیشگی و زنده ای است پس مخاطب حقیقی آن نیز باید همیشه وجود داشته باشد و این مخاطب حقیقی که قلب و روحش بستر و جایگاه قرآن است، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله جز ائمه و امام نمی تواند باشد. جریان زنده و مستمر وحی و الهام و بقای استمرار قرآن و شب با برکت قدر، جز با پذیرش وجود کسی که حامل و مهبط و مخاطب آنها باشد، قابل تصور نیست و چنین شخصی همان امام زمان خویش است. امام، واسطه ی دائمی

و عامل دوام فیض معرفت است، چنانچه حضرت حق که فیض بخش مطلق است، هرگز فیض هستی را دریغ نمی دارد فیض معرفت را هم هرگز دریغ نخواهد داشت، بنابر این استمرار و دوام فیض معرفت مستلزم آن است که در هر عصری کسی که از بالاترین درجه ی کمالات بهره مند است گیرنده و واسطه این امر باشد و این واسطه همان وجود امام در هر عصری است. بر این اساس وجود امام در هر زمانی لازم است. امام از آنجا که بنابر دلایل موثق تاریخی یازده امام از این جهان رخت بر بسته اند و بنابر دلایل معتبر و مستند تاریخی امام دوازدهم پا به عرصه وجود نهاده است حضور و وجودشان لازم و ضروری است و لو در پرده غیب. بنابراین رؤیت امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف دخالتی در اثبات وجود آن حضرت ندارد زیرا اصولاً -لازمه اعتقاد به وجود امام غائب که غیبت او یکی از مصادیق (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) می باشد ایمان به وجود او بدون دیدنش می باشد.

## **57. آیا این که می گویند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خانواده اش در جزیره خضراء زندگی می کنند صحیح است؟**

ج) این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج کرده وزن و فرزندی دارند یا نه، به طور قطعی روشن نیست. مکان زندگی ایشان نیز به طور دقیق معلوم نیست و احتمال دارد در اماکن مختلفی زندگی کنند برخی خواسته اند با تمسک به داستان (جزیره خضراء) بگویند که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزندان دارد و در آن جزیره وزیر نظر وی جامعه ی نمونه و تمام عیار اسلامی را تشکیل داده اند. ولی این مسئله صحیح نیست و مورخ شهید، سید جعفر مرتضی عاملی در این مورد می گوید: با بررسی های گسترده ای که انجام گرفته جزیره خضراء، افسانه ای بیش نیست و هیچ واقعیتی ندارد. علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) نیز این داستان را جداگانه در نوادر بحار الانوار نقل کرده و می نویسد: در

## 58. آیا جزیره خضرا حقیقت دارد؟

ج) داستان جزیره خضراء افسانه اییست و هیچ سندیت و واقعیتی ندارد یعنی این داستان تخیلی، ساختگی و رمانتیک می باشد و حتی مرحوم مجلسی نیز که آن را نقل کرده فرموده است چون در کتب معتبر آن را بدست نیاورده ام بنابراین در فصلی جداگانه آن را آوردم (1)، به هر حال از دیدگاه بزرگان و محققانی چون علامه شعرانی در ترجمه کتاب نفس المهموم پاورقی صفحه 277 تأکید شده که این مسأله صحت ندارد و اصل جزیره خضراء مقر حکومت سلاطین مغرب بوده که امرای این جزیره نوآب و فرزندان مهدی از خلفای اسماعیلیه بوده اند، که ما برای آنان امامت و ولایت قائل نیستیم و باید افزود که خلفای فاطمی مصر و مغرب، همه، شیعه اسماعیلیه بوده اند.

## 59. آیا افراد عادی می توانند امام زمان را ملاقات کنند؟

ج) افراد عادی نیز می توانند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ملاقات کنند. ولی افرادی که با ایشان ملاقات می کنند توفیق خاص الهی شامل حالشان شده و حضرت، این افتخار را برای لحظاتی به برخی از دوستان و شیعیان خود می دهند و بدیهی است که امام علیه السلام با تمام افراد به طور مستقیم ارتباط برقرار نمی کند و تمام افراد نیز چنین لیاقتی ندارند.

## 60. آیا می شود به مدعیان دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتماد کرد؟

ج) امور باطنی و معنوی و شخصی که تحت ارادهی انسان نیستند و قابل تکرار نیز نمی باشند از نظر علوم رایج بشری نیز قابل تأیید یا تکذیب نمی باشند پس در این گونه

ص: 88

موارد باید سکوت کرد. هر چند بعید به نظر می رسد کسی که به این گونه کرامت و لیاقت و شرافت معنوی نائل شود آن را برای دیگران بازگو کند.

### **61. چگونه می توان قلب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خشنود کرد؟**

ج) با انجام واجبات، ترک محرمات، رعایت تقوا در همه جهات، یاد و ذکر الهی، دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محبت اهل بیت علیهم السلام و ائمه اطهار و نشر علوم معارف اهل بیت.

### **62. زمینه سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟**

ج) گسترش و تبلیغ دین، آشنا کردن مردم دنیا با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، افشاندن بذر محبت حضرت در دل انسان ها به گونه ای که همگان احساس نیاز به ظهورشان بنمایند. تجهیز خویشتن و دیگران در بعد اخلاقی، ایمانی، علمی، تکنولوژیکی، حضور در صحنه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و خدمت رسانی به مردم محروم و نیاز مند، خودسازی و تزکیه نفس و پرداختن به اصلاح خود و دیگران و خلاصه به گونه ای خود و دیگران، را تربیت کردن که قابلیت زندگی در حکومت آن حضرت را داشته باشیم

### **63. چرا وقتی صحبت از امام زمان علیه السلام می شود فقط به جنبه هایی مثل انتقام، شمشیر، خون و... پرداخته می شود و چرا برای معرفی حضرت از خوبی ها و محاسن حضرت ایشان صحبت نمی شود، تا شوق مردم به ظهور بیشتر شود؟**

ج) این گونه نیست و اگر باشد کم لطفی و غفلت از سایر ابعاد وجودی آن حضرت

از جمله مزایا و محاسن وجودی و حکومتی آن حضرت، مهربانی، عاطفه، عدالت، شکوفایی استعدادهای عقلانی و علمی بشر در زمان حکومت آن حضرت، امنیت فراگیر جهانی، حاکمیت آئین توحید و نفی هر گونه شرک و کفر و بدعت، فراگیری عمران و آبادی در سراسر جهان، رواج اخوت و دوستی و برادری در میان انسان ها از جمله موارد اندکی از صدها و بلکه هزاران هزار مصادیق صلح و محبت و عشق و امنیت و صفا و دوستی آن دوران است. بنابراین ذکر حضرت علیه السلام باید همراه باشد با ایجاد شوق و امید و عشق و اطمینان و محبت به ساحت مقدس آن حضرت تا همگان شیفته دیدار جمال نورانی او شوند و به رحمت و لطف آن حضرت متمسک گردند.

#### **64. آیا یاران حضرت مهدی فقط 313 نفر هستند؟**

ج) این که یاران حضرت مهدی 313 نفر هستند مطلب صحیحی است، ولی منظور یاران خاص و فرماندهان لشکرهای حضرت می باشد، زیرا شکی نیست که همه مؤمنین و مؤمنات در آن زمان از یاران و یاوران آن حضرت می باشند و حتی گروهی از مؤمنین زمان های گذشته زنده می شوند و در رکاب حضرت بر علیه کفر مبارزه می نمایند به همین جهت در دعای عهد، می خواهیم که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که در رکاب حضرت وجود داشته باشیم.

#### **65. آیا انسان های گذشته نیز در رکاب امام زمان مبارزه خواهند کرد؟**

ج) بله این امکان نیز وجود دارد که برخی از یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مؤمنین زمان های گذشته باشند و در زمان حضرت زنده شوند و در رکاب ایشان قرار گیرند

## 66. دلایل طولانی شدن غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

ج) علل مختلفی دارد از جمله مهمترین آن ها می توان به این موارد اشاره کرد

- 1) اراده الهی و مشیت و خواست و مصلحت حکیمانه حق تعالی از جمله اصلی ترین علل غیبت و طول غیبت آن حضرت می باشد.
- 2) آزمون الهی، یکی دیگر از علل طول غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که بدین وسیله ثبات و استقامت عقیده شیعیان مورد آزمایش قرار می گیرد.
- 3) علت دیگر فراهم شدن زمینه و شرایطی که جامعه بشری را مهیا و مستعد پذیرش حکومت توحیدی و عادلانه جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بنماید و به عبارت دیگر نقش و مسئولیت اهل ایمان در زمینه سازی برای ظهور و یا عدم آن که موجب طول زمان غیبت می شود بسیار مؤثر است. البته در رأس همه این علل، اراده الهی و اذن مشیت بالغهی پروردگار قرار دارد.

## 67. شرایط ظهور منجی آخر الزمان چیست؟

- ج) ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای شرایط مختلفی است از جمله: 1 - فراگیر شدن ظلم و ستم و فساد و تجاوز به حقوق دیگران و انحرافات اخلاقی و ایجاد بدعت و سوء استفاده از دین.
- 2- ظهور و پیدایش دجال، فردی که مظهر تزویر و حيله است، البته باید دانست که دجال واحد نیست بلکه هر دروغگو و مدعی کاذبی دجال است.
- 3- ظهور سفیانی، در منابع اسلامی یکی از شرایط ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور سفیانی عنوان شده است. سفیانی نیز مانند دجال مصداق های متعددی می تواند داشته باشد.

4- به وجود آمدن ناامنی های زیاد در مصر، عراق، شام و فلسطین و وقوع جنگی در حوالی دمشق که تاکنون بی سابقه بوده است.

5- طبق بیان روایات در سطح جهانی نبردی سخت میان رومیان (غربیان) و بین ترکان و یا هواداران آن ها که ظاهره روس ها باشند به وجود می آید، تا جایی که به جنگ جهانی منجر می گردد.

### **68. چه شبهاتی پیرامون مسائل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟**

ج) بعضی از شبهات در خصوص مسائل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عبارتند از :

- 1- وجود رهبر غائب و پنهان چه تأثیری در زندگی مردم دارد؟
- 2- آیا منجی عالم بشریت تولد یافته و در حال حاضر وجود دارد؟
- 3- آیا طول عمر یک بشر حد معینی دارد و قابل توجیه است؟
- 4- آیا ممکن است ادعای وجود امام زمان یک ادعای رویایی و ایده آل خیالی باشد؟
- 5- کسانی که در طول تاریخ ادعای مهدویت کرده اند از کجا بدانیم که ادعای آنها درست بوده است یا نادرست؟
- 6- چرا ادیان مختلف در زمینه منجی آخرالزمان نظر یکسانی ندارند؟
- 7- آیا مقصود از منجی آخرالزمان همان حضرت عیسی علیه السلام نمی باشد؟

### **69. فلسفه غیبت چیست؟**

ج) فلسفه غیبت این است که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف تا زمانی که خداوند اراده کند در حال غیبت به سر می برند و این بدان معنی است که در طول این مدت که زمان آن را جز خدا کسی نمی داند آن حضرت از دیده ها پنهان باشد. هر چند ممکن است بعضی از مؤمنین بر

اساس خواست خدا در خواب یا بیداری با آن حضرت ملاقات کنند. کما این که در مورد این موضوع کتب فراوانی تألیف شده است. بنابراین ایمان در این دوره مبتنی بر ایمان به غیب است که غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز یکی از مصادیق غیب می باشد و قطعاً ایمان به غیب مستلزم تقوا است چنان که قرآن کریم در این نکته تأکید داشته می فرماید:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ « (1) که در بعضی روایات ایمان به غیب در این آیه را ایمان به وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت کبری دانسته اند.

## 70. چه دلایلی در جهت اثبات زنده بودن امام عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؟

(ج1) اگر حجت خدا موجود نباشد نظام حاکم بر هستی فرو می پاشد و چون در حال حاضر نظام هستی مستحکم و استوار است پس حجت الهی نیز موجود است و چون قلب نظام هستی، حافظ و نگهبان این نظام، به اذن خدا می باشد.

(2) فیض الهی، برای این که به اشیاء و موجودات و انسان ها بر اساس عدل و حکمت و قابلیت و ظرفیت هر موجودی به آن موجود برسد نیاز به مدار ثابت و معینی دارد که این وظیفه را انجام دهد، بر اساس عقاید متقن اسلامی و شیعی مدار فیض الهی همان حجت خدا بر روی زمین است که هم خلیفه ی الهی می باشد و هم فرد معصوم زمان خود است و چنین فردی در عصر ما همان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد

(3) وعده های صریح و آشکار قرآن مبنی بر این که سرانجام، متقین و صالحان وارث زمین می شوند و یکتا پرستی و توحید بر سراسر کره ی خاکی حاکم می شود و عدل و حق و امنیت نیز بر سراسر زمین حکومت خواهد کرد و هیچ دینی جز دین حق و اسلام باقی نخواهد ماند. بدیهی است که وعده های قرآن حق است و تحقق این وعده ها مستلزم

ص: 93



وجود حجت الهی می باشد که مجری این وعده ها گردد و در این مورد خود قرآن می فرماید: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (1)

4) علاوه بر دلایل فوق روایات قطعی و متواتر صادر شده از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام همه شاهد صادقی بر وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین ذخیره الهی می باشند.

## **71. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت چگونه با مردم در ارتباطند؟ و چگونه به بررسی وحل مشکلات و خطرات دنیای اسلام می پردازند؟**

ج) در عصر غیبت کبری بنا به فرمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مرجع امت در حل و فصل امور، فقها و مراجع دینی امت می باشند. همانان که پاسداران قرآن و سنت و راویان احادیث پیامبر و ائمه علیهم السلام می باشند و در عین پاسداری و حراست از مکتب، آن را نیز به مردم تعلیم می دهند و در نشر و تبلیغ دین نهایت کوشش خود را به خرج می دهند و با هرگونه بدعت و انحراف در دین به طور جدی مبارزه می کنند و به عبارت دیگر فقها و مراجع بزرگوار شیعه و در رأسشان ولی فقیه به عنوان نائب عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار رفته و اینان مرجع و پناهگاه اعتقادی، اخلاقی و مکتبی شیعه و شیعیان در عصر غیبت به شمار می روند و بدیهی است که بر اساس برهان لطف که از برهان های مهم بحث امامت در شیعه می باشد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نحوی غیر علنی بر اوضاع و احوال امت مسلمان و به خصوص شیعیان و به طریق اولی بر اوضاع و احوال نایبان خودش نظارت و اشراف و کنترل دارد و در مواقع لازم هدایت غیبی خود را که در اصطلاح هدایت به امر نامیده می شود شامل حالشان می کند و هرگز آن را از اهلش دریغ نمی کند.

ص: 94

## 72. چگونه می توان در زندگی خویش رنگ و بوی ظهور و مهدویت ایجاد کرد؟

ج) با عبادت، تقوی، ترک گناه، خدمت به مردم، ترویج فرهنگ مهدویت، انجام امر به معروف و نهی از منکر، پاسداری از ارزش های اخلاقی و اعتقادی، دعا برای ظهور امام زمان، صدقه دادن به نیت سلامتی و ظهور امام زمان، ترک محرمات و انجام واجبات، کسب تقوی و تقویت روحیه معنوی و خود سازی و دیگر سازی، سعی در رشد خود و جامعه در ابعاد علمی، فنی، تکنولوژیکی، صنعتی، اخلاقی، اعتقادی، تربیتی و ترویج روحیه حق طلبی و حق جویی و عدالت خواهی در سطح جامعه بشری

## 73. عده ای بر این باور هستند که با ظهور حضرت حجت الله علیه السلام ایستادگی ایشان و نوع برخوردشان همراه با عصبيت و قهریت می باشد به طوری که از ایشان وجه های خونریز معرفی نموده اند، آیا این گونه است؟

ج) از آن جایی که قیام آن حضرت جهانی است مسلما عده ای دنیا پرست همان گونه که در طول تاریخ هم بوده تحمل حرف حق را ندارد و قاعدتا آن حضرت را تحمل نمی کنند بنابراین جنگ و درگیری به وجود می آید، البته این طور که تحریف می نمایند نیست که خیلی ها را می کشند، زیرا آن حضرت، نیازی به کشتار ندارد ایشان می آیند تا مردم را از فساد و خونریزی نجات دهند. عده ای اندکی هم فقط به خاطر عناد و لجاجتشان کشته می شوند. می توان مثل این عده را به مانند خونریزی هنگام جراحی یک پزشک حاذق و دلسوز، برای بریدن غده های سرطانی از بدن بیمار مثال زد. که منظور از بیمار در اینجا بشریت است که فعلا بیمار شده است و آن بزرگوار می آید و آنها را درمان می نماید و لذا آن حضرت، خود، مظهر رحمت و لطف است و مایه

رحمت و فراوانی نعمت در جهان هستی می باشد. اگر خوب بررسی نماییم می بینیم که اکثر خونریزی ها و جنگ ها در جهان بر سر به دست آوردن ثروت و قدرت است ، که در زمان حکومت حقه آن حضرت فراوانی نعمت به اوج می رسد و آن قسم از جنگ ها که ریشه و مبنای آنها ثروت و قدرت است خود به خود از بین می رود. اما در عین حال آن حضرت منتقم می باشد یعنی با ظهور خود ریشه ظلم و فساد و بیداد را بر می کند . جنایت کاران، منافقین و کافران و مشرکان را از مسیر تکامل بشریت حذف می کند و حق اسلام و قرآن و اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به صاحبانشان بر می گرداند و جهان را بر پایه ی حق و عدل و توحید و محبت اداره می کند.

#### **74. با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی و انواع سلاح های مدرن، برخورد نظامی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه خواهد بود و آیا آن حضرت صرفاً با شمشیر قیام خواهد نمود؟**

ج) بازگشت به عقب نه ممکن است و نه منطقی و این بر خلاف سنت آفرینش و اصل تکامل در زندگی انسان ها است بنابراین هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت، ترقی و پیشرفت جامعه متوقف گردد و یا عقب نشینی کند و عقب گرد و گذشته گرایی با چنان پیشرفت و جهشی متناسب نیست. بنابراین قیام یک مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان هیچ گاه سبب نمی شود که جنبش صنعتی ماشینی در شکل سالم و مفیدش بر چیده یا متوقف شود. صنایع کنونی نه تنها بسیاری از گره ها را از زندگی انسانها گشوده اند بلکه مسلماً پیشرفت علم یکی از پایه های استقرار حکومت واحد جهانی، نزدیکی و به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی و پیوندهای اجتماعی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست، ولی شکی نیست که این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی الزاماً باید از یک صافی دقیق

بگذرد تا جنبه های ناسالم و زیان بخش آن حذف گردد و سرانجام در مسیر منافع انسانها و صلح و عدالت، بسیج شود، یک حکومت طرفدار حق و عدالت، این کار را حتما خواهد کرد. اما در مورد سلاح ها باید گفت: برای استقرار چنان حکومتی باید حکومت های خودکامه و بیدادگر از صحنه جهان خارج شوند و برای خارج کردن آنها لااقل در شرایط کنونی یک (سلاح برتر) لازم است، سلاحی که شاید حتی تصورش امروز برای ما ممکن نیست. آیا این سلاح چیزی همانند یک (اشعه مجهول و مرموز) است که کاربردش ماورای سلاح های کنونی است و می تواند همه ی آنها را خنثی کند و نقشه استفاده ابر قدرت ها را از آن عقیم بگذارد؟ یا یک نوع تأثیر مرموز روانی و از کار انداختن دستگاه های فکری آنها حتی از راه های دور است که نتوانند هیچ گونه فکری برای استفاده از سلاح های مخرب کنونی بکنند؟ و یا چیزی از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق العاده است که مانع هرگونه تصمیم گیری در این زمینه می شود؟ و یا چیز دیگری... نمی دانیم و نمی توانیم نوع این سلاح را، نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم، اجمالا همین اندازه می توانیم بگوییم که یک سلاح برتر خواهد بود و نیز می دانیم آن سلاح، سلاحی نیست که گناه کار و بی گناه را با هم نابود کند و پایه های عدالت آینده بر ظلم و ستم امروز قرار بگیرد. در مورد این که قیام آن حضرت صرفا باشمشیر است می توان گفت که شمشیر همیشه کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست، همانگونه که قلم کنایه از علم و فرهنگ است. بنابراین قیام نظامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است که در آن قیام هرگز افراد بی گناه و مظلوم آسیبی نمی بینند زیرا اصولا غایت قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استقرار عدالت و صلح و حق طلبی در جهان است.

## 75. چرا امام معصوم به خورشید تشبیه شده است؟

ج) 1- همان طور که وجود خورشید مایه حیات، روشنی، امید و آرامش است وجود امام نیز موجب حیات و روشنی، ایمان، امید، آرامش، خیر و برکت است.

2- همان گونه که غروب خورشید، شب و ظلمت و سرما را در پی دارد، غیبت امام نیز فصل سرمای جهان و شب دیجور حاکمیت ستمگران شب پرست است.

3- میدانیم که غروب خورشید، پنهان شدن خورشید است نه از میان رفتن آن، لذا زمین در هنگام غروب خورشید باز از آثار وجودی خورشید از جمله نور ماه استفاده می کند، شیعیان نیز در عصر غیبت امام از نور علما و فقهای بزرگوار که نائبان امام هستند استفاده می کنند.

4- خورشید هرگاه طلوع کند، شب، تاریکی و سرما از میان می رود، انسان ها از خواب بیدار شده و به حرکت و فعالیت می پردازند، امام علیه السلام نیز چون ظهور کند نور ایمان، نور اسلام، نور قرآن، نور هدایت، نور معنویت، نور عقل، نور علم و نور وجدان همه ظلمت ها و تاریکی های کفر و شرک و ظلم و ستم را از میان برمی دارد و همه انسان های حق جو و حق طلب را به وادی نورانی توحید و عدل رهنمون می شود. آری امام معصوم سمبل حق، پاکی، زیبایی، هدایت، ایمان، علم، معنویت و یکی از اوصاف الهی است (1).

5- حضور و ظهور حضرت مهدی علیه السلام یعنی:

الف: سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (2)

ب: جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ (3)

ص: 98

1- نور / 35

2- قدر / 5

3- اسراء / 81

ج: وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (1)

د: وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (2)

ه: وَالْفَجْرِ (3)

و: أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (4)

6- قیامت پس از طلوع شمس ولایت ولی مطلق، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می دهد زیرا: (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) (5) این است که در روایات ظهور حضرت مهدی از شروط وقوع قیامت خوانده شده است.

## 76. جهانی شدن اسلام را اثبات کنید؟

ج) در قرآن آیات متعددی در اثبات جهانی بودن اسلام و حکومت جهانی اسلام به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد از جمله:

(آیه 158 سوره اعراف، آیه 28 سوره سباء، آیه 19 سوره انعام، آیه 90 تا 92 سوره انعام، آیه اول سوره فرقان، آیه 7 سوره شوری و دهها آیه دیگر) که ثابت کننده این مطلب است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آیین مقدس اسلام، یک آیین جهانی است و همه انسان ها در سراسر دنیا مخاطب اسلام و قرآن می باشند، جمیع ناس و همه عالمین مورد دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند. نکته مهم و جالب این که یک آیه با مختصر تفاوتی در سه سوره از قرآن مجید آمده است که بیانگر جهانی بودن حاکمیت اسلام و غلبه اسلام بر همه شریعت ها می باشد آن سه آیه عبارتند از:

(آیه 33 سوره توبه، آیه 28 سوره فتح و آیه 9 سوره صف)، این آیات آشکارا اثبات کننده این مسأله است که هدایت و دین حق و دین رسول اکرم صلی الله علیه و آله سر انجام از هر

ص: 99

1- شمس/3

2- شمس/1

3- فجر/1

4- هود/81

5- تکویر/1

جهت بر مذاهب دیگر غالب خواهد شد. بر اساس عقاید و روایات شیعه، این غلبه و حاکمیت، همه جانبه، کلی، عام و مطلق خواهد بود و از لحاظ زمانی مربوط به دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. زیرا این امر بدیهی است که جهانی شدن اسلام هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند، در آن روز است که همگان به حقانیت اسلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و قرآن و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقرار خواهند کرد و در همه خانه ها و خیمه ها نام اسلام به اذن خداوند وارد خواهد شد و بساط کفر و ظلم برچیده می شود و ندای توحید و حق و عدل بر سراسر گیتی گسترده خواهد شد. بنابراین اسلام که در ذات خود دین همه انسان ها در همه زمان ها و مکان ها می باشد ان شاء الله با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حاکمیت عام و جهان شمول پیدا می کند.

## **77. تفاوت میان جهانی شدن اسلام و جهانی سازی چیست؟**

ج) جهانی سازی یک اندیشه امپریالیستی و سلطه جویانه است که بر پایه اصالت قدرت و قلدری و زورگویی و استعمار و فریب و استعمار صورت می گیرد و در حقیقت یک تحمیل همراه با تحقیر است و هدف نهایی آن اسارت دیگران و غارت و چپاول ثروت ملل می باشد که نوعی سلطه شیطانی است. اما جهانی شدن اسلام بر اساس فرهنگ نورانی قرآن و اسلام و در راستای بیداری، آگاهی، نجات و رهایی انسان ها صورت می گیرد، مبنای آن وعده حق خداوند، تحت رهبری امام معصوم و عدالت گستر و حق محور است. جهانی شدن اسلام مبتنی بر فرهنگ پاک الهی و توحیدی و فطری است لذا یک حقیقت حتمی و قطعی است که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد و در آن عصر است که اسلام جهانی شده و بزرگترین تحول و انقلاب جهانی اتفاق خواهد افتاد و اسلام بر سراسر گیتی حاکمیت می یابد و قطعاً حکومت جهانی اسلامی بر پایه ی حق و توحید و عدل تشکیل خواهد شد و روزگار رهایی و نجات و آزادی بشر

فراخواهد رسید. آری جهانی شدن اسلام یعنی: نابودی تمام استعمارگران و پاک شدن زمین از لوٹ انسان های حيله گر، دغل باز، ظالم، جبار و اجرای عدالت و اصلاح همه جانبه امور انسان ها در تمام کره زمین. در آنروز است که اراده و وعده الهی مبنی بر خلافت مستضعفین و صالحین بر تمامی کره خاک تحقق می یابد. (1)

## 78. در دورانی که مکاتب، مذاهب، فرق و گروه های متنوع و متعددند، ما چه وظیفه ای داریم؟

ج) مهمترین راه و هدف در زندگی اجتماعی و فردی راه دوری از صفات رذیله و تزکیه نفس است و ما باید طبق آیات و روایات پیر و ائمه معصومین (علیه السلام) باشیم و از مؤمنین و افرادی که پیرو حق و حقیقت هستند دفاع کنیم. دنبال روفرقه حق باشیم، مکاتب و مذاهب و گروه ها را بشناسیم و با معیار حق (قرآن، پیامبر، ائمه و در عصر غیبت با علما و فقهای شیعه) بسنجیم و راه حق را از باطل بشناسیم و دنبال راه حق برویم. لازم به ذکر است هر فرقه و گروهی که از مسیر قرآن و پیامبر و اهل بیت بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله) خارج باشند قابلیت پیروی را ندارند و در طول تاریخ این گونه گروه ها فراوان بوده اند مانند صوفیه که یک جنبش انحرافی در حوزه اخلاق و تزکیه نفس به شمار می رود، صوفیه اهداف خود را در پوشش دین و شریعت و سیر و سلوک و تزکیه نفس پنهان کرده اند. مسلک تصوف به طور کلی مسلکی انحرافی است که در زمان خلفای عباسی خود را آشکار کرد و در اصل توطئه ای شیطانی بود تا در بخش اخلاق و تزکیه نفس و عرفان، مردم را از تزکیه نفس و اخلاق از طریق ائمه باز دارند و به طور کلی مسالک صوفیه نتیجه ذهنیات و اختراعات فکری و تصویری انسان های دارای هوای نفس و شیطان است که برای جاذبه دار شدن آن، آن را در کاغذ کادوی مذهب و نام

ص: 101



ائمه (علیه السلام) پیچیده اند و مردم را از صراط المستقیم منحرف می کنند. عرفان فقط از علوم ائمه (علیه السلام) و وحی بدست می آید، نه در اثر تخیلات و مکاشفات که پشتوانه ی قرآنی و روایی ندارد یا با توجیهاات اختراعی و فلسفی که با بعضی آیات و روایات به ظاهر منطبق شده اند اما با روح آیات و روایات مخالفت دارند. در کتاب اصول کافی آمده است: (چیزی از حق در دست مردم نیست، مگر آنچه که از نزد ائمه (علیه السلام) خارج شده و هر عملی که از نزد ائمه (علیه السلام) خارج نشده باشد باطل است) و نیز از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرموده: (به شرق و غرب عالم بروید، علم صحیحی را نمییابید مگر آنچه از نزد ما اهل بیت خارج شده باشد) و نیز بر اساس حدیث شریف و متواتر ثقلین آشکار است، کسی که پیامبر (صلی الله علیه و اله) را به عنوان رسول خدا و خاتم پیامبران و امین وحی الهی می شناسد، تأکید آن حضرت را در تمسک به این دو چیز گرانمایه آشکارا می بیند و عدم گمراهی را در پیروی از آن دو می شمارد زیرا می داند که:

1- قرآن و اهل بیت هرگز از هم جدایی ندارند.

2- پیروی از قرآن و اهل بیت بر همه مسلمین واجب است.

3- هم قرآن و هم اهل بیت از خطا و گناه و اشتباه، معصوم و مصون هستند.

4- پس هیچ مسلمانی نباید از قرآن و اهل بیت (علیه السلام) پیشی و سبقت بگیرد.

## **79. وظیفه ما ایرانیان به عنوان تنها کشور شیعه در جهت تلاش برای ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)**

### **چیست؟**

(ج) شیعیان باید پایه گذاران حکومت جهانی امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) باشند. آنان که نام خود

را شیعه و پیرو آن حضرت گذاشته اند، باید بکوشند تا به وحدت برسند و دست به دست دهند و شیعیانی یکپارچه شوند و امام زمانشان را یاری دهند. آنان باید، طبق سفارش آن حضرت، دل هایی یک پارچه داشته باشند، یک پارچه در یاری و وفاداری به آن

حضرت. آنان باید در هر صبح و عصر مولای خود را صدا بزنند، زیرا به او اعتقاد دارند و می دانند مولایشان آنان را می بیند، شیعیان نور امام زمانشان را در قلب خود و در زندگی خود حس می کنند و دل هایشان به سوی او متوجه است. شیعیان، امید امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) برای اصلاح بشر هستند. شیعیان، دست امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) برای یاری دین خدا هستند. شیعیان، خصوصاً شیعیان ایران، دارای قلبی شکننده در برابر امام زمانشان هستند و چون موم در برابر آن حضرت نرم و متواضع هستند. آنها سربازانی فداکار برای جبهه حق علیه باطل هستند، شیعیان کسانی هستند که بیدار کردن مردم کره ی زمین بدست آن ها است، آنان اگر با امکانات امروز جهان، که همه ی دنیا به هم پیوسته شده، این آب حیات، یعنی امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) را به مردم دنیا معرفی کنند جهان با سرعتی باور نکردنی تشنه امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) می شود و زمینه ظهور با سرعت حیرت انگیزی ایجاد و در مدت کوتاهی خداوند اذن خروج آن حضرت را می دهد. علم از قم به سراسر جهان پراکنده می شود، طبق حدیثی، در آخرالزمان علم از نجف همچون ماری که در سوراخ خود می خزد و پنهان می شود، علوم اهل بیت (علیه السلام) و سخنان و وحی و قرآن از این شهر به شرق و غرب عالم منتشر می شود و خداوند به وسیله اهل قم یعنی دانشمندان و محققین شیعه، حقایق را به مردم جهان می رساند و بر آنان اتمام حجت می کند و سپس حضرت قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می فرماید، حجت بر شیعیان ایران خصوصاً روحانیون، سربازان حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) تمام است و آنان باید تحقق بخش این نهضت و حرکت جهانی باشند و دنیا را با وسائل ارتباط جهانی مانند اینترنت و امثال آن با امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) آشنا کنند. در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه واله) نقل شده است که از آن حضرت پرسیدند: یا رسول الله (قَوْمًا غَيْرُكُمْ) که در سوره محمد آیه 38 آمده است چه کسانی هستند؟ پیامبر (صلی الله علیه واله) دست بر زانوی سلمان فارسی زد و فرمود: این مرد و ملتش (ایرانیان). به خدایی که جان من در دست اوست اگر علم و ایمان به ستارگان چسبیده باشد، مردانی از ایران بدان دست

خواهند یافت.

در روایات متعددی به نقش ایرانیان در ترویج اسلام و برپایی نهضت های اسلامی و زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) تأکید شده است. (1)

## 80. ویژگی های یاران خاص حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

با توجه به بزرگی و گستردگی انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) و رسالت خطیری که حکومت جهانی بر دوش دارد طبیعی است که باید از کارگزاران مدیر، مدبر، نخبه و کار آمد نیز برخوردار باشد. این موضوع از منظر معصوم (علیه السلام) در روایات متعددی بیان شده است: تعداد یاران خاص حضرت 313 نفر است به اندازه رزمندگان جنگ بدر.

یاران حضرت پرچمداران و فرمانروایان و مدیران عالی الهی هستند که حضرت مهدی هر یک را به نمایندگی از سوی خود به منطقه ای از جهان اعزام می کند و همه آنان جوانان پر نشاط و توانمند هستند و کهنسال در میانشان بسیار اندک است. افرادی نجیب، مدیر و فقیه در دین هستند و خداوند به گونه ای عقلشان را نیرو می بخشد که هیچگاه در داوری اشتباه نمی کنند، امام صادق (علیه السلام) در حدیثی یاران امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) را چنین می ستاید: مردانی هستند با دل های پولادین، کمترین شک و تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند ندارند از صخره سخت ترند، اگر به کوه روی آورند آن را از جای بر کنند، آنها جان خویش را سپر بلای حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) می کنند و فرمان ایشان را با جان و دل خریدارند، مردانی هستند که شب ها نمی خوابند و زمزمه مناجات و قرآن و نمازشان بسان هیاهوی زنبور عسل در هم می تند و بامدادان نیز پا به رکاب، آماده رزم اند آنان واقعا «راهبان شب و شیران روزند». مفضل بن عمر می گوید: امام صادق (علیه السلام) نحوه ی گرد آمدن یاران حضرت مهدی را این گونه بیان کرد: هرگاه به حضرت بقیه الله

ص: 104

اجازه ظهور داده شود، او نام خدا را بر زبان جاری می سازد و یارانش چون ابرهای پاییزی با سرعت نزدش حاضر شوند، آن ها همان علمداران هستند، برخی شب هنگام در بستر خویش ناپدید می گردند و بامدادان در مکه مشاهده می شوند. امام سجاد(علیه السلام) نیز فرمود: 313 نفر بدون این که قبلا همدیگر را بشناسند یا با یکدیگر قرار گذاشته باشند، گرد حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) جمع می شوند. برخی روایات نیز گویای آن است که از 313 نفر، پنجاه نفر زن هستند و نیز قابل ذکر است قیام آن حضرت تابع عوامل غیبی و معنوی و غیر مادی و غیر عادی فراوانی است از جمله: اراده ی طبیعی خداوند مبنی بر حاکمیت توحید و عدل در جهان، امدادهای غیبی معنوی و الهی و یاری ملائکه مانند جنگ بدر و هماهنگی قوای طبیعی در جهت یاری حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، زیرا بدیهی است که آن حضرت دارای ولایت تکوینی است به همین سبب همه موجودات عالم خاضع و فرمانبر آن حضرت می باشند و از لحاظ عوامل عادی و نیز یاران و گروندگان به حضرت حجت (عج الله تعالی فرجه الشریف) از برجسته ترین و قوی ترین و زبده ترین مجاهدان در طول تاریخ می باشند. البته باید دانست که این 313 نفر از برجستگان یاران حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) و از اصحاب و شیعیان خاص او هستند و امام (علیه السلام) علاوه بر این اصحاب خاص و بی نظیر، اصحاب و یاران و سپاهیان و شیعیان بی شماری دارد.

### 81. چرا نام ائمه شیعه، خصوصا علی (علیه السلام) در قرآن نیامده است؟

ج) قرآن کتابی است که در جهت هدایت انسان، همه ی معارف و قوانین کلی مورد نیاز بشر را بیان فرموده است، لذا بسیاری از جزئیات قوانین و احکام را بیان نکرده و این امر را به عهده ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) گذارده است، می فرماید: «وَمَا آتَيْكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ، فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالِىَ الرَّسُولُ» (1) از سوی دیگر قرآن محتاج تفسیر

ص: 105

است، شأن نزول، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه دارد و همه ی این ها ویژگی قرآن است و یکی از وجوه اعجاز قرآن همین سبک بیان مسائل و محتوای قرآن است، در

عین حال بنا به نقل ابن عباس (که مورد قبول تمامی اهل سنت می باشد) در حدود 300 آیه در شأن علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده است. گذشته از همه این ها به قول تمامی مسلمین پس از قرآن، سنت و سیره رسول خدا (صلی الله علیه واله) حجت در مورد وصایت و ولایت و امامت علی (علیه السلام) هستند. احادیث گوناگونی در مورد آن حضرت صادر شده است که قطعاً بعضی از آنها متواتر و قطعی هستند، مانند حدیث غدیر، حدیث ثقلین، حدیث وزارت، حدیث یوم الازهار... پس راه درک حقانیت امامت و ولایت علی (علیه السلام) و سایر ائمه بزرگوار شیعه، دو چیز است:

(1) رجوع به خدا یعنی کلام خدا که قرآن است.

(2) رجوع به رسول خدا (صلی الله علیه واله) و سیره و سنت و احادیث آن بزرگوار که در حقیقت تمسک به حدیث ثقلین می باشد.

دیگر این که در قرآن کریم اسم خاص و بیان مصادیق جزئی مطرح نشده است و آن را به عهده ی بیان و سنت نبوی گذاشته است و گذشته از آن اگر نام علی (علیه السلام) در قرآن بیان می شد می باید نام همه ی ائمه (علیه السلام) نیز بیان می شد که ضرورتی نداشت و احتمال داشت که این امر منافقان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه واله) و قرآن را بیشتر علیه قرآن و پیامبر تحریک کند و منجر به تحریف قرآن و تحریف دین گردد.

## 82. به چه دلایلی قرآن تحریف نشده است؟

(ج) یکی از ابعاد اعجاز قرآن تحریف ناپذیری آن و ضمانت الهی به مصونیت قرآن از تحریف است «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (1) عدم اختلاف تمامی فرقه های

ص: 106

مسلمان در مورد حقانیت قرآن بهترین دلیل بر عدم تحریف قرآن است و اگر نسخه تحریف شده ای از قرآن وجود می داشت قطعاً مخالفان اسلام که کم هم نیستند از آن به عنوان حربه ای علیه اسلام و مسلمین بهره می بردند، اصولاً ارائه ی بینه و شاهد و گواه بر عهده ی مدعی است پس اگر فردی مدعی تحریف قرآن است باید قرآن تحریف شده را ارائه دهد، اما تاکنون هیچ فردی چنین شهادتی را ارائه نکرده است.

آری قرآن کتابی است که «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (1) لذا ابطال ناپذیر و نسخ ناپذیر و معجزه ی جاوید و خالده ی اسلام و پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) است، قرآن به سبب حمایت توسط خدای معصوم، جبرئیل معصوم، پیامبر معصوم و ائمه معصوم، از هر تحریفی مصون و معصوم است و تلاش مسلمین و مؤمنین مخلص، صادق، حافظ، کاتب، محدث، فقیه و مفسر نیز در این مهم نقش مؤثر داشته است زیرا همگان موظف اند از قرآن و سنت نگهداری و نگهداری کنند و با تحریف و بدعت به شدت مبارزه نمایند و تاکنون نیز چنین بوده و از این پس نیز چنین خواهد بود.

### 83. آیا لعن کردن و ناسزا گفتن به دشمنان از نظر اسلام جایز است؟

ج) لعن یعنی راندن و دور کردن، طرد و دور کردن از روی غضب. لعن از سوی خدا در آخرت، عذاب و در دنیا انقطاع از قبول رحمت و محرومیت از رحمت و توفیق خداوند است و از سوی انسان، نفرین کردن به دیگران است. مهمترین موارد لعن در قرآن به شرح زیر است:

الف - لعن خداوند بر کفار و ظالمین و تکذیب کنندگان حق و پیمان شکنان (سوره احزاب آیه 64 و سوره مائده آیه 13)

ب - لعن پیامبران بر کافران (سوره مائده آیه 78)

ص: 107

ج - لعن ملائکه بر کافران و ظالمان (سوره آل عمران آیه 87)

د. فرمان خدای متعال و پیامبر او مبنی بر لعنت کردن تکذیب کنندگان (سوره آل عمران آیه 61)

ه- لعنت خداوند به آزار دهندگان پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) (سوره احزاب آیه 57)

و - لعنت خداوند نسبت به منافقان (سوره احزاب آیات 61-60 و سوره فتح آیه 6)

ز- لعنت خداوند نسبت به ابلیس (سوره ص آیه 78 و سوره نساء آیه 118)

ح - لعن نسبت به اهل فساد و قاطعان رحم (سوره محمد (صلی الله علیه واله) آیات 23 - 22)

ط - لعن نسبت به کسانی که راه هدایت را کتمان و مخفی می کنند (سوره بقره آیه 159)

ی - لعن نسبت به ستمکاران (سوره هود آیه 18 و سوره اعراف آیه 44 و سوره غافر آیه 52)

ک - لعنت الهی نسبت به بنی امیه با عنوان شجره ملعونه (سوره اسراء آیه 60)

ل- لعن نسبت به کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند (سوره نور آیه 23)

م - لعن الهی نسبت به تحریف کنندگان کلام حق (سوره نساء آیه 46)

لعن و طرد دشمنان حق از لوازم تبری می باشد که می دانیم تبری در کنار تولی از ضروریات شیعه امامیه و مکتب اهل بیت (علیه السلام) می باشد.

#### **84. کلمه اساطیر اولین در قرآن به چه معنایی است؟**

کتب لغت عرب، اساطیر را لفظی عربی و جمع اسطوره و اسطاره می دانند که از ماده (سطر) به معنی نوشتن، مشتق است. این کلمه در اشعار جاهلی آمده و در لهجه تازیان جنوبی نیز وجود داشته است. حکایتی که از افسانه های باستانی و داستان های پهلوانی گرفته شده باشند (اسطوره) نامیده می شود. گفته اند نخستین کسی که نسبت اساطیر به

سخن خدا و قرآن کریم داد (نصر بن حارث بن کلده) پسر خاله پیغمبر و پرچم دار لشکر کفار در جنگ بدر بود و در همان جنگ کشته شد. او به عنوان تجارت به حیره، رفت و آمد داشت و اخبار پهلوانان ایران از قبیل رستم و اسفند یار را می خرید و در مکه برای قریش نقل می نمود و می گفت سوگند به خدا، محمد نیکو گفتار تر از من نیست و سخنش جز افسانه های گذشتگان و اساطیر الاولین نمی باشد. علم اساطیر یا (میتولوژی) عبارت از دانشی است که از افسانه های گذشتگان درباره پیدایش جهان و خلقت و حکایت خدایان و پهلوانان اقوام و ملل قدیمه گفتگو می کند. این واژه در قرآن 9 بار بکار رفته است و در تمام این موارد، مراد نوشته های باطل و حکایات دروغ و افسانه های بی مغز است، در تمامی موارد گفته شده این کلمه از سوی کافران و مشرکان در مقابله با وحی و نبوت و قرآن مجید به عنوان یک تهمت به کار رفته و مدعی شده اند که این آیات قرآنی چیزی جز افسانه ها و داستان های جعلی و ساختگی پیشینیان نیست. (1) به هر حال مشرکان سعی می کردند با اساطیر الاولین خواندن قرآن، با کلام وحی و آیات نورانی قرآن مبارزه کنند و در فکر و ذهن مردم انحراف ایجاد نمایند، آنان با کمال تعصب و کینه توزی تلاش می کردند که با ترویج و نقل افسانه های کهن و باستانی توده مردم را اغفال نموده، از هدایت آنان جلوگیری نمایند و حتی آنان می خواستند قرآن را هم کتابی مشتمل بر داستان ها و افسانه های کهن گذشتگان جلوه دهند و اصل و اساس وحی و نبوت را انکار کنند و لذا می گفتند: این همان افسانه های پیشینیان است که وی (پیامبر) آن را رونویس کرده است؟

### 85. داستانهای قرآن دارای چه ویژگی هایی هستند؟

ج) قصص به معنی سرگذشت و پیگیری و تعقیب و نقل قصه است، خبری است که

ص: 109

---

1- انعام / 25، انفال، / 31، مؤمنون / 83، فرقان / 5، نمل / 68، احقاف / 17، قلم / 15، مطففین / 13.



بعضی پشت سر بعضی باشد و مشتمل بر اخبار گذشتگان است، که پی جویی و پیروی شده است و گوینده آن را تعقیب کرده و در دنبال آن است و قدم به قدم نشانه های آن را پی جویی می کند. قصه های قرآن نیکوترین قصه ها هستند، چون از طریق وحی الهی بازگو شده اند و اصولاً - تمامی قرآن (احسن القصص) است. زیرا مجموعه ایست الهی، حق، صدق، زیبا، فصیح، بلیغ، نافذ، عمیق، پر محتوا و سازنده، بیدارگر، هدایتگر، رسا و سودمند، انسانی، اخلاقی، تربیتی و بسیار آموزنده و پنددهنده، بیانگر حقایق تاریخی، همراه با بیان فلسفه تاریخ به گونه ای که عقل و خرد آدمی را بیدار کرده و به تفکر و اندیشه و عبرت آموزی فرا می خواند. قصص قرآن بخشی از تاریخ مجهول بشریت را روشن می کند که بدون قرآن این بخش از تاریخ بشر هرگز آشکار نمی گردید، کافی است قصه حضرت مریم (علیها السلام) را در قرآن با قصه آن حضرت در تورات و انجیل با هم مقایسه کنید. یا مثلاً قصه حضرت عیسی (علیه السلام)، یا قصه حضرت سلیمان (علیه السلام)، یا نوح (علیه السلام)، و یا حتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) را از منظر قرآن و تورات و انجیل موجود به طور دقیق با هم مقایسه شود آنگاه اقرار خواهد شد که قرآن همه انبیاء را احیاء کرده است، توحید و معاد و وحی و نبوت را احیاء کرده و از هر گونه تحریف و بدعت و تحقیر، حفظ و مصون داشته است. لذا هر صاحب دینی حتی یهود و نصاری برای شناخت چهره نورانی پیامبران و اولیاء خویش به قرآن محتاج و مدیون هستند. قصص قرآنی آئینه نورانی و تابناک ارزش های تاریخ هدایت بشریت است، آئینه تمام نمای قامت جوامع و تمدن های کهن انسانی است که هم بیانگر علل تعالی و رشد و سعادت و استمرار و بقاء و تداوم آن تمدن ها و فرهنگ ها است و هم نشانگر علل سقوط و انحطاط و شقاوت و فنا و نابودی فرهنگ و تمدن های نابود شده است.

قصه های قرآنی ارائه دهنده الگوهای متعالی به بشریت هستند و نیز نشان دهنده الگوهای منحط است مانند: آدم و قابیل، موسی و مقابله فرعون و قارون و بلعم

باعورا، ابراهیم و در مقابلش نمرود و آزر، یوسف و در مقابلش برادران او، یعقوب و آزمون هایش، مریم و آسیه و ده ها الگوی دیگر حتی اصحاب کهف و غیره، نکته مهم این که در همه داستان های قرآنی، غایت و هدف معقولی مورد نظر است و هرگز لعب و لغو و لهو در این داستان ها راهی ندارد. داستان های قرآن عمومی ترین و بهترین و ساده ترین شیوه آموزش و تعلیم و تربیت و هدایت و انسان سازی هستند، از هر داستانی بهره های اخلاقی و تربیتی و آموزشی فراوان می توان به دست آورد، البته اگر آدمی به دیده عبرت بر وقایع آنها بنگرد و با عقل و خرد و اندیشه در علل و چرایی و نتایج و آثار آن ها خوب و نیکو تدبر و اندیشه نماید. آری (لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبَابِ) (1) در داستان های قرآن، دروغ و تخیل و هزل و سرگرمی و افترا وجود ندارد. «ما كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى» (2) آنچه هست وحی الهی است و تصدیق انبیای پیشین و بیان هر آن چیزی است که انسان برای تعالی و تکامل و سعادت خود به آن ها محتاج است و مایه هدایت و رحمت اهل ایمان است. پس هیچ گونه افسانه و خیال و پندار و وهم و کذب و دروغی در داستان های قرآن راه ندارد. «وَلَكِنَّ تَصْدِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلِ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (3)

## 86. ولایت تکوینی چیست؟

ج) همه انبیاء و ائمه علیهم السلام دارای ولایت تکوینی هستند، یعنی به اذن خداوند متعال قادرند در نظام صوری و قوانین قشری طبیعت دخل و تصرف کنند و بر آن ها فرمان برانند و آنان نیز به اذن خدا، از فرمان حجت خدا پیروی می نمایند. بهترین شاهد بر ولایت تکوینی، معجزه است که به اذن خدا صورت می گیرد و خارق عادت طبیعت می باشد. در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تولد، غیبت صغرا، غیبت کبری، طول عمر،

ص: 111

1- یوسف / 111.

2- یوسف / 111.

3- یوسف / 111.

حکومت و هدایتگری ایشان در زمان غیبت همه مظاهری از ولایت تکوینی آن حضرت می باشد که به اذن خداوند صورت می گیرد.

### 87. ماجرای تغییر قبله چه بود؟

ج) تغییر قبله از احکام متغیر در اسلام است، پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) در آغاز متوجه قبله انبیاء گذشته شد اما چون مسأله نژاد پرستی از سوی یهود مطرح شد برای این که قبله، که رمز توحید و وحدت و یگانگی است از رنگ و بوی نژاد پرستی مصون بماند از بیت المقدس که مورد توجه یهودیان و مسیحیان بود به اذن خدای متعال به کعبه تغییر یافت؛ البته کعبه نیز یاد آور توحید ابراهیمی و بت شکنی و تلاش آن پیامبر بزرگوار در راه نشر توحید بوده است همان پیامبری که مورد توجه و قبول یهودیان، مسیحیان و مسلمانان است. همچنین تغییر قبله نشانگر استقلال دین مبین اسلام است دینی که پایه گذار امت معتدل و الگو و نمونه است، قبله نیز معرف اعتدال و مستقل بودن و الگو بودن این امت است و نیز این امر، هم مورد انتظار پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و هم مورد رضایت ایشان بوده و خداوند با تغییر قبله انتظار و رضایت بزرگترین پیامبرش را برآورده ساخت و لذا کعبه مرکز بزرگترین گردهمایی سالانه مسلمین قرار گرفت، علاوه بر آنکه هر مسلمانی در هر جای دنیا که باشد در هنگام نماز خواندن هماهنگ و متحد با سایر مسلمین جهان متوجه کانون وحدت اسلامی یعنی کعبه است.

### 88. گناه کبیره یعنی چه و فلسفه وجودی آن چیست؟

ج) قرآن کریم در آیات مختلفی از جمله سوره ی نسا آیه 31، سوره نجم آیه 32 و سوره کهف آیه 49 در رابطه با انواع گناه بحث کرده است، گناه کبیره، سیئه و لثم را جزء دسته بندی گناهان می توان نام برد. لثم بر وزن قسم به معنی کارهای کوچک و کم

اهمیت است. مقصود از کبیره و صغیره بودن گناهان این است که گناه، امری نسبی است یعنی هر گناهی نسبت به گناه بزرگتر از خود صغیره می باشد و نسبت به گناه کوچکتر از خود کبیره است. به معنی دیگر، گناهان کبیره گناهی هستند که خداوند مجازات آتش را برای آن ها تعیین فرموده است. در بعضی از روایات تعداد گناهان کبیره هفت مورد و در بعضی دیگر هفتاد مورد ذکر شده است، به هر حال گناهان کبیره گناهی هستند که از نظر اسلام بزرگ و پر اهمیت هستند و نشانه اهمیت آن ها این است که در قرآن مجید علاوه بر نهي از آنها، انسان ها را نسبت به ارتکاب آنها به عذاب دوزخ تهدید کرده است باید دانست که کوچک شمردن گناه، خود، گناه بزرگی به شمار می رود و هم چنین عدم پافشاری و اصرار بر گناه موجب رهایی انسان از کمند گناهان کبیره می شود و بر عکس خوشحالی و شادمانی از انجام گناه موجب می شود که انسان مستحق ورود در آتش جهنم گردد.

### **89. شفاعت یعنی چه و مخصوص چه کسانی است؟**

ج) کلمه شفاعت از ریشه شفع به معنی جفت گرفته شده و نقطه مقابل آن وتر به معنی تک و تنها است. شفاعت در لسان عامه به این گفته می شود که شخص شفیع از موقعیت و شخصیت و نفوذ خود استفاده کرده و نظر شخص صاحب قدرتی را در مورد مجازات زیر دستان خود عوض کند. طبق آیه 28 سوره انبیاء شفاعت شفیعان منحصرأ شامل حال کسانی است که به مقام ارتضاء یعنی پذیرفته شدن در پیشگاه خداوند رسیده اند، و طبق آیه 87 سوره مریم شفاعت مشروط به ایمان به خدا و پیامبران الهی است، و مسلماً بر اساس آیه 18 سوره غافر شفاعت شامل حال ظالمان و ستمگران نمی شود. باید دانست که توبه و استغفار مجرمان و گنهکاران مقدمه ای برای شفاعت آنان از سوی پیامبر

اکرم (صلی الله علیه واله) به شمار می رود. (1) در حدیثی از امام کاظم (علیه السلام)، از حضرت علی (علیه السلام) و از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) نقل شده است که می فرماید: (شفاعت من برای مرتکبین به گناهان کبیره است.) لازم به ذکر است که بر اساس همین روایت پشیمانی از گناه توبه به شمار می رود و کسی که از گناه، پشیمان نگردد مؤمن واقعی نیست و شفاعت برای او نخواهد بود. بنابراین شرط اصلی پذیرش شفاعت داشتن ایمانی است که مجرم و گناهکار را به مرحله ندامت و خودسازی و جبران برساند و از ظلم و طغیان و قانون شکنی برهاند بعضی از آیات به طور مطلق شفاعت را نفی می کنند مانند آیه 254 و 48 سوره بقره. در بعضی از آیات آمده شفاعت به حال مجرمان سودی ندارد مانند آیه 48 سوره مدثر. در بعضی آیات آمده که فقط خداوند شفیع است مانند آیه 4 سوره سجده و آیه 44 سوره زمر، در بعضی آیات شفاعت به اذن و فرمان خدا مشروط شده است، مانند آیه 255 سوره بقره و آیه 23 سوره سباء، در بعضی آیات برای شفاعت شوندهگان شرایطی بیان شده است مانند آیاتی که در آغاز بحث به آنها استناد شد. در روایت معروفی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم «ما من أحدٍ من الأولینَ و الآخرینَ الا هو محتاجٌ اِلَی شِفاعَةِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه واله) یَوْمَ القِیامَةِ». (2)

## 90. شرارت و بدی از کجا سرچشمه می گیرد؟

ج) در یک نگاه، شرارت و بدی ها از نوع نیستی و عدم می باشند یعنی بدی ها و شرارت ها از نوع نواقص و کمبودها به شمار می رود، که بدیهی است نقش انسان در این میان تلاش و کوشش برای جبران کمبودها و تکمیل نواقص می باشد. از سوی دیگر باید بدانیم خیرات و شرارت ها و یا خوبی ها و بدی ها در جهان از هم جدا و مستقل نیستند،

ص: 114

1- نساء / 64، یوسف / 99-98، مؤمن / 71

2- رجوع شود به جلد اول تفسیر نمونه ذیل آیات 48 - 47 بقره.

بلکه در دل هم می باشند و مستلزم یکدیگر می باشند، مانند سربالایی و سرازیری، مانند گل و خار، مانند عقل و نفس اماره و این تنوع، خود زمینه ی تحقق و معنا یافتن مسئولیت های انسان می باشد. بعضی از شرارت و بدی ها از نوع عدم و فقدان و نیستی می باشند. مثلاً نادانی یک واقعیت نیست بلکه عدم علم است، فقر و نادانی یک واقعیت مستقل نیست بلکه فقدان ثروت و علم است. بنابراین اینگونه بدی ها و شرارت ها را به ضد آن ها می شود جبران و درمان کرد مثلاً با کار و کوشش می توان علم و ثروت را تحصیل کرد. اما بدی ها و شروری مانند میکروب ها، سیل ها، زلزله ها، درندگان و گزندگان، این گونه موجودات خود به خود و فی نفسه و بدون در نظر گرفتن انسان به هیچ وجه بد و شر نیستند. بلکه در حد خودشان خوب نیز می باشند. بد بودن این گونه موجودات امری نسبی است، یعنی ممکن است نسبت به انسان شر و بد باشند چون به او آسیب می رسانند. اما باید دانست خداوند انسان را به گونه ای آفریده که توان مبارزه و غلبه بر این گونه شرارت ها و بدی ها را دارد. یکی از مهم ترین تکالیف و مسئولیت های بشر در زندگی مبارزه با انواع بلاها، مصیبت ها، بدی ها و شرور است اما متأسفانه انسان، اغلب هم برای خودش و هم برای دیگران شر آفرین می شود.

## 91. آیا ملائکه هم دارای رشد روحی و یا بدنی هستند؟ آیا بدن دارند؟

ج) حضرت علی (علیه السلام) در خطبه 108 نهج البلاغه در مورد فرشتگان می فرماید: (فرشتگان در اصلااب پدران جای نگرفته، در ارحام مادران در نیامده اند و از آب پست آفریده نشده اند.) گروهی از دانشمندان، فرشتگان را موجوداتی مجرد و غیر مادی می دانند، عده ای دیگر آنان را دارای جسم لطیف دانسته اند، در هر صورت فرشتگان قابل ادراک حسی نیستند و بنابراین فاقد جسم مادی می باشند، آنان موجوداتی تمام عقلانی هستند که هیچ یک از صفات حیوانی و نفسانی و شهوانی را ندارند، به همین

جهت معصوم می باشند و پیوسته به عبادت خداوند مشغول هستند. (1) هر یک از فرشتگان مقامی معلوم دارند. (2) آنها دارای مقامات و وظایف معینی هستند، هر کدام رتبه و منزلتی معین و ثابت دارند که از آن تجاوز نمی کنند. بنابراین هیچ گونه رشد و تکاملی در مورد ملائکه قابل تصور نیست.

## 92. روز قیامت در کجا اتفاق خواهد افتاد؟

ج) عالم قیامت عالمی است که محیط به این جهان می باشد، مانند احاطه این عالم به رحم مادر. البته بدیهی است که عقل بشر در فهم این گونه مسائل محدودیت دارد، لذا حتی در قرآن و روایات، این مسائل با تشبیهات گوناگونی بیان شده اند. به هر حال انسان وقتی که می میرد از محدودیت های زمان و مکان آزاد می شود، بنابراین قیامت عالمی است که حاکم و محیط بر عالم ماده و طبیعت و به همین دلیل محدودیت های زمانی و مکانی و سایر قیودات عالم ماده و طبیعت را ندارد. قرآن کریم در این مورد می فرماید: (در آن روز این زمین به زمین دیگر و آسمان ها به آسمان های دیگر تبدیل می شوند و آن ها در پیشگاه خداوند واحد قهار، ظاهر می گردند.) (3) بسیاری از مفسران می گویند: منظور، تبدیل صفات می باشد به این معنا که این کره خاکی و همچنین آسمان ها ویران می گردند و بر ویرانه های آن ها زمین و آسمانی نو و تازه آفریده می شود که نسبت به این زمین و آسمان در سطحی بالاتر از نظر تکامل قرار دارد. آیات متعدد دیگری بیانگر مطالب فوق است. (4) در هر صورت قیامت با دگرگونی عظیمی که در این جهان رخ می دهد پیدا می شود، این جهان به کلی ویران می گردد و به جهان جدیدی تبدیل می شود.

ص: 116

---

1- ( انبیاء / 26-27، تحریم / 6، فاطر / 1).

2- صافات / 146

3- ابراهیم / 48.

4- آغاز انفطار، یس / 51، قمر / 7، معارج / 43، حج / 7، فجر / 21، حاقه / 14 و 15، طه / 105 تا 108 و تمامی سوره ی زلزال.

### 93. یاد مرگ چه فایده اخلاقی در بر دارد؟ آیا موجب یأس و ناامیدی نمی شود؟

ج) الف: یاد مرگ و زیارت قبور و تشییع جنازه موجب بیداری و تذکر انسان می گردد و اگر همراه با آگاهی باشد مایه عبرت برای آدم می شود.

ب: یاد مرگ و لوازم مربوط به آن انسان را از غفلت و مستی و غرور و دنیا پرستی نجات می دهد.

ج: یاد مرگ موجب انکسار نفس و تواضع شده، غرور، تکبر، عجب و خودبینی را در انسان از میان می برد.

د: یاد مرگ موجب می شود که آدمی پیوسته مراقب روح و قلب خود باشد و متوجه و متذکر قیامت و آخرت باشد.

ه: یاد مرگ راهی است برای کنترل افکار و امیال و تعدیل خواسته ها و غرایز خویشتن.

و: مهمتر از همه یاد مرگ موجب می شود که انسان خود را برای سفر آخرت مهیا کند و توشه ی این مسافرت بدون بازگشت را فراهم نموده، حداقل به تدارک و جبران مافات در حد توان پردازد و به توبه واقعی همت کنند.

ز: یاد مرگ موجب می شود که آدمی آرزوهای دور و دراز را از خود دور کند، در راه مبارزه با هواهای نفسانی اقدام کرده و به اطاعت راستین از خدای متعال پردازد و در هیچ شرایطی از خود راضی نباشد.

ح: یاد مرگ، ایمان به قیامت را در انسان تقویت کرده، ترس و بزدلی را از او دور می سازد و موجب تقویت شهامت و شجاعت در انسان می شود، تا جایی که برای کسب رضایت حق باکمال شوق و اشتیاق پذیرای شهادت در راه دین و ایمان می شود.



ط: یاد مرگ و ایمان به قیامت انسان را در برابر گناه و عصیان مقاوم می سازد و ایمان او را تقویت می نماید، بدیهی است که هر چه ایمان قوی تر باشد، احتمال ارتکاب گناه در انسان کمتر می شود و این خود راهی است برای کسب تقوا و تحصیل عمل صالح که البته نیاز به استمرار دارد، زیرا تمام مباحث تربیتی، تدریجی هستند.

ی: کلام آخر این که فراموشی مرگ و قیامت سر چشمه اصلی بدبختی های انسان است، زیرا فراموشی مرگ و قیامت موجب می شود که انسان پروردگار خویش را هم فراموش کند، کرامت و عزت نفس خویش را هم فراموش کند و در نتیجه به انواع مظالم و قانون شکنی ها و بی حرمت ها و بی اعتنائی ها و بی تفاوتی ها کشانده شود. بنابراین یاد مرگ به هیچ وجه موجب یأس و ناامیدی برای انسان مؤمن و معتقد به مبداء و معاد نمی شود، بلکه بر عکس او را در انجام وظایف و تکالیف و مسئولیت هایش جدی تر می سازد، زیرا چنین انسانی پیوسته خود را در برابر خدا و در محضر دادگاه عدل اخروی می بیند و همین امر حس مسئولیت پذیری او را تقویت کرده، امیدواری او را برای تحصیل رضایت الهی و کسب مقامات معنوی و رسیدن به مدارج اخروی افزون می نماید.

#### **94. منظور از کلمه رزق و احیاء در آیه 154 سوره بقره و آیه 169 سوره آل عمران چیست؟**

ج) آیه 154 سوره بقره در مورد چهارده تن از شهدای جنگ بدر نازل شده و آیه 169 سوره آل عمران درباره شهدای جنگ احد نازل شده است و به طور کلی این دو آیه در مورد شهدای احد و بدر نازل شده اند و مضمون این آیات این است که هرگز به شهدا (اموات و میت) نگوئید بلکه آنان را زنده بدانید هر چند درک نکنید. بنابراین نباید در مورد شهدا تأسف بخورید زیرا آنان به حیات در نزد پروردگارشان حی و زنده

هستند و از نعمت‌ها و مواهب معنوی حیات برزخی برخوردار هستند این دو آیه اثباتگر حیات جاودانی شهیدان راه حق و همچنین ثابت کننده بقای روح انسان و زندگی و حیات برزخی برای اموات خصوصاً برای شهدا میباشد. از این دو آیه چند نکته به دست می‌آید:

الف - اثبات مقام والا و معنوی شهدا در پیشگاه خداوند متعال.

ب - اثبات حیات سرشار از فضل الهی و نعمت‌های فراوان و مواهب و رزق و روزی‌های اختصاصی و معنوی الهی برای شهیدان.

ج - اثبات خوشحالی و شادمانی شهیدان و این که آنان هیچ گونه حزن و اندوهی در حیات برزخی خود ندارند.

د - اثبات بقای روح و جاودانگی انسان و حیات برزخی او قبل از قیامت کبری.

ح - این دو آیه ثابت می‌کنند که انسان با مرگ، نیست و نابود نمی‌شود بلکه به حیات جدیدی وارد می‌شود که به آن حیات برزخی می‌گویند. (1)

## 95. آیا زیارت اهل قبور را پیامبر (صلی الله علیه واله) نهی کرده و آیا این کار نوعی شرک و بت پرستی است؟

ج) جواب این سؤال منفی است و ادعای مطرح شده در سؤال فوق از سوی فرقه وهابیه انتشار یافته است، حال آنکه احترام قبور بزرگان دین و انبیاء عظام و ائمه بزرگوار و امامزادگان عالی مقام و زیارت قبور مؤمنین نه تنها نهی نشده است، بلکه به آن امر و تأکید نیز شده است، زیرا انسان مسلمان و مؤمن با زیارت قبور بزرگان دین به نوعی از آنان قدردانی می‌نماید و با آنان نوعی ارتباط معنوی برقرار می‌کند و به یاد آنان و به نام

ص: 119

---

1- برای تکمیل بحث رجوع شود به تفسیر نمونه و المیزان ذیل آیات 154 - 153 بقره و آیات 171 - 199 آل عمران و آیه 23 مؤمنون.

آنان و به نیت آنان اعمال نیک و اعمال عبادی انجام می دهد و از سوی دیگر انسان با این عمل متذکر قیامت و معاد خویشتن می شود و خود را برای آن آماده و مهیا می سازد و با دقت در قبور و اموات و حقیقت مرگ با غفلت و دنیازدگی خود مبارزه می کند. بنابراین، این گونه امور بسیار پسندیده است و کمترین منافاتی با توحید و یکتاپرستی ندارد زیرا احترام به بزرگان و قبور انبیاء و ائمه و اولیاء و مؤمنین به هیچ وجه پرستش و عبادت به شمار نمی رود بنابراین نه شرک است و نه بت پرستی.

## 96. چرا انسان ها از مرگ می ترسند؟

ج) به تعبیر حضرت امام (ره) انسان ها سه گروه هستند: ناقصان، متوسطان، کاملان. دلیل وحشت از مرگ در انسان های ناقص این نکته ظریف است که انسان به حکم فطرت خود حب به بقا و میل به جاودانگی داشته و از فنا، زوال و نیستی متنفر می باشد. از این رو به عالمی که عالم حیات تلقی می شود عشق می ورزد و از عالمی که به پندار خود، عالم نیستی است تنفر دارد. بنابراین چنین افرادی به دلیل آن که ایمان به عالم آخرت نداشته و قلوبشان به حیات ازلی و بقای سرمدی اطمینان نیافته است به این دنیا علاقمند و به حسب آن فطرت، از مرگ هراسان و گریزانند. متوسطان، که ایمانشان به عالم آخرت و حیات و قیامت کامل نیست به دلیل غفلت از آخرت و عالم برتر و بالاتر و توجه به امور دنیوی و تلاش در آبادانی آن ها از مرگ می ترسند امام صادق (علیه السلام) می فرماید: (روزی مردی به سوی ابوذر آمده و پرسید: که چرا ما از مرگ کراهت داریم؟ ابوذر فرمود: به دلیل آنکه شما دنیا را تعمیر کردید و آخرت را خراب. پس کراهت و ترس دارید که از آبادانی به سوی خرابی انتقال یابید). ریشه های این غفلت، یا متابعت از خواسته های نفسانی و مخالفت با حضرت حق است یا آرزوهای دراز یا طولانی مدت. اما گروه سوم که انسان های کامل و مؤمنان مطمئن هستند از مرگ کراهت

ندارند ولی از آن وحشت و خوف دارند، اما ترس آنها یک ترس مثبت و ارزشی است، چرا که خوف آنها از عظمت خداوند متعال بوده، نه مثل وحشت ما وابستگان به دنیای مادی و دلدادگان به تعلقات آن، اینان مرگ را چون زندگی، امتحان بزرگ الهی می دانند و می ترسند که از این آزمون سربلند بیرون نیایند. پس اولاً هر ترس و وحشت از مرگ، بد و منفی و هر خوفی از آن خوب و مثبت نیست اگر ترس از مرگ بر اثر غفلت و محدودیت نظر و اندیشه به دنیای مادی باشد وحشتی منفی و نابخردانه است اما اگر وحشت از مرگ بر اساس خوف از عظمت حق تعالی و ترس از چگونگی رویارویی با خدا باشد ترسی مثبت و از سر شوق و عشق است ثانیاً با تفاوت انسان ها و نوع نگرش ها، عوامل ترس از مرگ متفاوت و گوناگون خواهد بود.

## 97. قرآن چگونه یهودیان را مذمت نموده است؟

ج) قرآن می فرماید: « بعضی از دانشمندان یهود، صفاتی را که برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) در تورات آمده بود به خاطر حفظ و موقعیت خودشان تغییر دادند.» (1) همچنین می فرماید: «گروهی از آنان افرادی هستند که از دانش بهره ای ندارند و از کتاب خدا جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی دانند و تنها به پندارهایشان دل بسته اند.» (2) همچنین می فرماید یهود مدعی هستند که: «ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم.» (3) آری آنان تنها از ظن و گمان پیروی می کنند. همچنین قرآن می فرماید: «گروهی از دانشمندان یهود حقایق را به سود خود تحریف می کردند یعنی مطالبی را به دست خود مینوشتند و می گفتند این ها از جانب خداوند است.» (4) از دیدگاه قرآن یهود مردمی بلند پرواز و دارای ادعاهای توخالی هستند از جمله می گویند: «هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما

ص: 121

1-1. بقره / 89

2- بقره / 78

3- مائده / 18

4- بقره / 79.

نخواهد رسید. همچنین ملت یهود به برتری نژاد یهودیان سخت معتقد می باشند. به طوری که روح تبعیض نژادی یهودیان، امروزه در شکل صهیونیسم پلید ترین جنایات را نسبت به ملل غیر یهود به خصوص مسلمانان مرتکب می شوند. (1) مهمترین اعمالی که یهود نسبت به اسلام انجام داده است عبارتند از:

1- محاصره اقتصادی (2)

2- فتنه انگیزی، توطئه و عداوت و دشمنی (3)

3- شبهه افکنی در صفوف مسلمانان و تضعیف عقاید آنان (4)

4- تجسس در مورد مسلمانان و همکاری آنان با منافقان (5)

5- کوشش برای نفوذ بر شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) (6)

## 98. چگونه می توان وجود روح را اثبات کرد؟

ج) اعتقاد به وجود روح از لوازم اثبات حیات ابدی است لذا در همه مذاهب و آیین ها که به نوعی به بقای انسان عقیده دارند وجود روح مورد قبول واقع شده، روح عامل حیات در موجود زنده است. مبدأ ادراک، احساس، عاطفه، هیجانات و حرکات و اعمال حیاتی، روح است. تفاوت های یک انسان و یک سنگ را اگر درست درک کنیم به وجود روح پی خواهیم برد. سنگ، مادی، محسوس، دارای وزن، دارای حجم و دارای کمیت معین می باشد، و احیاناً دارای رنگ خاصی است اما:

(1) رشد نمی کند.

(2) تغذیه نمی کند.

ص: 122

1- رجوع شود به تفسیر نمونه آیات 82-80. بقره / 122. نساء.

2- آل عمران / 75.

3- آل عمران آیات 101 - 99.

4- آل عمران آیات 72، 70، 69.

5- آل عمران آیات 120، 119، 118، 28.

6- مائده / 49

3) تولید مثل نمی کند.

4) شهوت ندارد.

5) غضب ندارد.

6) عاطفه، ادراک، احساس، عشق و نفرت، اراده و اختیار و قدرت انتخاب ندارد.

7) قدرت اطاعت و عصیان ندارد، ذهن، حافظه، علم، ایمان، تکلیف، مسئولیت و بازخواست ندارد.

همه این ها صفات روح است پس روح حقیقتی است غیر مادی، مجرد یا دارای جسم لطیف که ذاتا حی و باقی است و روح مبدأ ویژگی های فوق می باشد. قرآن کریم روح را از عالم امر دانسته است و عالم امر همان عالم فوق ماده و متافیزیک و ماوراء طبیعت و عالم غیب است که مجرد از ماده می باشد.

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک\*\*\* چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

البتة فراموش نکنیم که «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (1) آری به انسان جز اندکی از دانش داده نشده است ضمناً پدیده های روان شناختی و فراروان شناختی و اسرار رؤیا و برزخ و قیامت همه شاهد بر وجود روح هستند.

### 99. کلمه ابلیس و شیطان به چه معنی می باشد؟

ج) کلمه ابلیس علم (اسم خاص) است و کلمه ای است عربی که از (ابلاس) گرفته شده. وی را به این سبب که از رحمت خداوند مأیوس گردیده ابلیس گفته اند و بنابراین احتمال دارد که کلمه ابلیس صفت باشد. در قرآن مجید ابلیس موجودی است که از جنس جن می باشد (سوره کهف آیه 50) زنده، باشعور، مکلف، نامرئی، فریبکار و... که از امر خداوند سر پیچید و به آدم سجده نکرد و در نتیجه رانده شد و مستحق عذاب و

ص: 123

کلمه شیطان اسم عام و اسم جنس است بر خلاف کلمه ابلیس که اسم خاص و علم است. شیطان به معنی دور شده، متمرّد و رانده شده و طاغی می باشد. احتمال فراوان دارد که شیطان وصف هر صاحب روح شریری باشد که از خیر و رحمت الهی به دور است. معمولاً با کلمه ی رجیم توصیف می شود که به معنای طرد شده و رانده شده می باشد. به هر حال شیطان معانی مختلفی دارد، که یکی از مصداق های روشن آن (ابلیس) و لشگریان و اعوان او است و مصداق دیگر آن انسان های مفسد و منحرف کننده و احیاناً در پاره ای از موارد به معنی میکروب های مودی می باشد. به هر حال عامل گمراهی، شیطانی به نام ابلیس، معجونی از «خود خواهی» و «غرور» و «کبر» و «جهل» و «حسد» است. این صفات شیطانی دست به دست هم دادند و او را که سالیان دراز همنشین ملائکه، بلکه معلم آنان بود از اوج افتخار به پایین کشیدند. لازم به تأکید است که ابلیس از ملائکه و فرشتگان نبوده بلکه طبق صریح فرمایش قرآن مجید در آیه 50 سوره کهف وی از گروه جن بوده است که در سایه اطاعت و عبادت الهی به مقام فرشتگان راه یافته بود اما به سبب تکبر و غرور و تعصب و خود پرستی و عدم عذرخواهی و عدم توبه از درگاه قرب الهی مطرود گردید. زیرا تکبر و غرور سرچشمه ی بزرگترین بدبختی ها و خودخواهی ها و تعصب و خود پسندی و استکبار و منشأ سقوط می باشد.

### 100. ویژگی های انسان در جهان بینی توحیدی اسلام چیست؟

ج) الف - انسان، موجودی آزاد و صاحب اختیار، صاحب رأی و اراده آفریده شده است و هر راهی را که می خواهد می تواند انتخاب کند. انسان موجودی است آزاد و مسئول که با اختیار، مسیر حرکت تکاملی خود را به پایان می رساند.

ب - انسان موجودی است دو بعدی که مرکب از دو بعد جسم و روح می باشد.

جسم او از سنخ عالم طبیعت و ماده می باشد اما روح او از سنخ عالم مجردات و ملکوت و عالم امر الهی است.

ج - انسان از دید اسلام ابدی و جاودانی است و با مرگ فانی و نابود نمی شود بلکه زندگی اخروی او آغاز می گردد.

د. هدف از زندگی دنیوی در نگاه اسلام تحصیل مقدمات فکری، ذهنی، عقیدتی، علمی، اخلاقی و اجتماعی به گونه ای است که این مقدمات و تحصیل آنها تأمین کننده و تضمین کننده ی سعادت و کمال جاودانه و اخروی او گردد.

ه - انسان موجودی خلاق و سازنده است. سازنده خویش بر اساس ارزش های والا، سازنده ی سرنوشت خویش و پدید آورنده یک جامعه ی برین و ایده آل بر اساس آن سرنوشت. پدید آورنده هنرهای اصیل و صنعت و تکنیک و چیزهایی که به سود او و جامعه اش تمام می شود.

و- به انسان موجودی متعهد و مسئول است. یعنی در قبال کارهایی که از روی اراده و اختیار انجام می دهد مسئول است و بعد مورد پرسش قرار می گیرد.

ز - انسان در جهان بینی توحیدی موجودی است که بار امانت الهی بر دوش اوست و خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین است.

### **101. راه های رسیدن انسان به خدا کدامند؟**

ج) این راه ها متنوع و متعدد هستند اما مهمترین و بهترین آنها عبارتند از :

الف - راه خودشناسی: توجه به خویشتن، توجه به باطن خویشتن، توجه به دل و قلب خویشتن و رجوع به فطرت انسانی خود، توجه به پیمان تکوینی و اولین پیمان الهی از انسان در عالم ذر، البته این راه محتاج ارتباط با خویشتن و خلوت کردن با خویشتن و

ص: 125



معرفت نفس است، محتاج بیداری فطرت و درخشیدن نور فطرت است. (1)

ب - راه طبیعت شناسی: توجه به آفاق و پدیده های متنوع عالم خلقت و پی بردن به عظمت، شگفتی، قوانین، نظم عمیق، دقیق و پیچیده ی حاکم بر تک تک موجودات عالم طبیعت که همگی دلالت بر حاکمیت خالقی قادر و عالم بر جهان خلقت دارد. آری نظام متنن آفرینش، گواهی روشن بر این است که جهان را صاحبی باشد خدا نام». نظام احسن آفرینش بر اساس حق و حکمت آفریده شده و هر پدیده ای از بیکران هستی مادی، مظهري از مظاهر جلوه های عظمت ذات پاک خداوند و نشانه ای از نشانه های عظمت او در صحنه آفرینش است.

ج) راه عقل و استدلال منطقی: یعنی راه کلام و فلسفه که شامل دلایل و برهان های گوناگونی می شود که مهمترین آن ها عبارتند از برهان حرکت، برهان علیت، برهان وجوب و امکان، برهان صدیقین، برهان فرجه، برهان ابراهیمی، برهان امتناع تسلسل و غیره.

## 102. فلسفه آفرینش انسان چیست؟

ج) الف: از دیدگاه قرآن: 1- خداوند در قرآن می فرماید: «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند» (2) 2- «او کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را آزمایش کند. که کدامین نفر بهتر عمل می کنید.» (3) در این جا مسأله آزمایش و امتحان انسان ها از نظر «حسن عمل» به عنوان هدف معرفی شده است. 3- «خداوند کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز مانند آن خلق کرده است، فرمان او در میان آن ها نازل می شود تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و علم او به همه موجودات احاطه

ص: 126

---

1- رجوع شود به اعراف / 102، روم / 30 و عنکبوت / 95 که همگی فطری بودن خداشناسی را تأیید می نماید.

2- ذاریات / 56

3- ملک، 2/

دارد.»(1) در این آیه، «علم و آگاهی از قدرت خداوند، به عنوان هدفی برای آفرینش ذکر شده است. 4- «اگر پروردگارت می خواست همه مردم را «امت واحد» و «بدون هیچگونه اختلاف» قرار می داد، ولی آنها همواره مختلفند مگر آنچه پروردگارت رحم کند و برای همین (رحمت) آنها را آفریده»(2) بر طبق این آیه رحمت الهی هدف اصلی آفرینش انسان است.

در آیات مورد بحث تنها روی مسأله ی عبودیت و بندگی تکیه می کند و با صراحت تمام آن را به عنوان هدف نهایی آفرینش جن و انسان معرفی می نماید. پس هدف اصلی همان عبودیت است و مسأله علم و دانش و امتحان و آزمایش، اهدافی هستند که در مسیر عبودیت قرار می گیرند و رحمت و وسعه خداوند نتیجه عبودیت می شود. عبودیت، اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است. بنابراین عبودیت نهایت اوج تکامل انسان و قرب او به خداوند است. عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام بر ندارد و هر چه غیر اوست حتی خویشتن را فراموش کند و نتیجه ی نهایی این عبودیت نیز غرق شدن در اقیانوس رحمت خداوند است.

ب: از دیدگاه عقل: بر خلاف (مادیین که خلقت و آفرینش را بی هدف و پوچ می دانند) خداپرستان و الهییون چون خالق جهان را حکیم می دانند خلقت و آفرینش را دارای هدف و فلسفه می دانند. از یک سو خالق جهان، حکیم است. پس حتما آفرینش او حکمتی داشته، هر چند ما از آن بی خبر باشیم و از سوی دیگر هنگامی که به جزء جزء اعضاء خود می نگریم برای هر یک هدف و فلسفه ای می یابیم چه اعضائی چون قلب و مغز و اعصاب و چه اعضایی چون ناخن، مژه، و گودی کف دست و ... پس نهایتاً مجموع آنها هم باید هدفمند باشد.

ص: 127

---

1- طلاق، / 12.

2- هود، 118-119

1- ما همیشه در کارهای خود هدفی داریم که این هدف معمولاً دفع کمبودها و نیازهای ما است. ما به حکم این که وجودمان محدود است، برای رفع کمبودهای خودمان تلاش می‌کنیم و اعمالمان همه در این مسیر است. ولی درباره یک وجود نامحدود این معنی امکان پذیر نیست. باید هدف افعال خداوند (وجود نامحدود) را در غیر وجود او جستجو کنیم. خداوند سرچشمه ای است فیاض و مبدئی است نعمت آفرین، که موجودات را در کنف حمایت خود می‌گیرد و آنان را پرورش داده، از نقص به کمال می‌برد و این هدف واقعی عبودیت و بندگی ما و فلسفه عبادات و نیایش‌های ما می‌باشد که همگی کلاس‌های تربیت و تکامل بشر هستند. اساساً اصل آفرینش یک گام تکاملی عظیم است.

2- تکامل انسان چیزی نیست که بتوان آن را به اجبار آفرید، بلکه راه طولانی و درازی است که انسان‌ها با پای خود و به اراده خود آن را طی می‌کنند و با اراده و تصمیم و افعال اختیاری خویش، طرح آن را می‌ریزند. بنابراین نمی‌شود از آغاز خلقت، خداوند انسان را کامل و در اوج کمال بیافریند.

3- هدف نهایی خلقت، تکامل و قرب به خداوند می‌باشد و هدفی بالاتر از آن متصور نیست بنابراین بقیه اهداف، مقدمه‌ی رسیدن به این هدف عالی می‌باشد.

4- در یک حدیث قدسی، هدف خلقت انسان معرفت الهی عنوان شده است. طبق این حدیث خداوند فرموده است: «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِيًّا فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ» (من گنجی پنهان بودم، دوست داشتم شناخته شوم. خلایق را آفریدم تا شناخته شوم). مفهوم حدیث این است که شناخت خداوند برای خلق وسیله‌ی تکامل آنها است، یعنی من دوست داشتم که فیض و رحمت همه جا را بگیرد، به همین جهت خلایق را آفریدم و برای سیر کمالی آنها راه و رسم معرفتم را به آنان آموختم. چرا که معرفت و شناخت من رمز تکامل آنها است.

5- عبادت و عبودیت خدا یعنی در مسیر خواست او گام برداشتن و روح و جان را به او سپردن، عشق او را در دل جای دادن و خود را به اخلاق او آراستن. عبادت خداوند نهایتش رسیدن به تکامل انسانی و کمال است و انسان همان بنده راستین خداوند است.

ج: از دیدگاه روایات:

1- همان گونه که در حدیث قدسی دیدیم معرفت الهی و رسیدن به شناخت خداوند متعال یکی از اهداف خلقت انسان معرفی شده است. در همین مورد حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که آن حضرت فرمود: «امام حسین (علیه السلام) در مقابل اصحابش چنین فرمود: خداوند بزرگ بندگان را نیافریده مگر به خاطر این که او را بشناسند، هنگامی که او را بشناسند عبادتش می کنند و هنگامی که بندگی او کنند از بندگی غیر او بی نیاز می شوند.»

2- در حدیث دیگری امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می فرمایند: «خداوند بزرگ جن و انس را برای این آفرید که او را عبادت و اطاعت کنند. برای این نیافریده است که نافرمانیش کنند و این همان است که می فرماید «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (1) و چون آنها را برای اطاعت آفریده، راه را برای رسیدن به این هدف برای آنان آسان و هموار ساخته، پس وای به حال کسانی که چشم بر هم گذارند و نابینائی را بر هدایت ترجیح دهند. این حدیث اشاره ی پر معنایی است به این حقیقت که چون خداوند انسان ها را برای هدف تکاملی آفریده وسایل آن را از نظر تکوین و تشریح فراهم ساخته و در اختیار او گذارده است.

### 103. هدف از زندگی انسان در این دنیا چیست؟ و ما برای چه زنده ایم؟

ج) حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: خدای رحمت کند کسی را که بفهمد از کجا آمده؟!

ص: 129

برای چه آمده؟ و به کجا خواهد رفت؟ قرآن هدف زندگی کردن را رسیدن به حد اعلای کمال و قرب الهی می داند. برای روشن تر شدن این مسأله به چند مطلب زیر دقت نمائید:

الف: اصل آفرینش، جود بر بندگان است نه سود برای آفریدگار (1) پس خلقت، مظهر لطف خداست.

من نکردم خلق تا سودی کنم\*\*\* بلکه تا بر بندگان جودی کنم

ب: انسان از نظر مقام و ارزش، مسجود ملائکه و نماینده خدا بر روی زمین است.

ج: جهان، حکیمانه و به حق و هدفدار، خلق شده است. «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ» (2) خداوند آسمان ها و زمین را به حق خلق کرده است. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا» (3) ما آسمان و زمین و آنچه را بین آن دو است باطل نیافریدیم. هدفدار بودن کل جهان، با آفرینش انسان هماهنگی دارد. «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ» (4) خداوند زمین و آسمان ها را آفرید و شما را تصویر کرد تصویری زیبا و دلپذیر.

د: اراده برای انسان اساس آفرینش او است و دعوت خداوند و انبیاء و اولیاء فقط برای نشان دادن راه است، «إِن عَلَيْنَا لِلْهُدَى» (5) البته بر ما است راه نشان دادن. «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (6) البته ما به او راه را نشان دادیم چه شاکر باشد چه کفر نعمت کند. قرآن برای زندگی انسان اهدافی را بیان فرموده است این اهداف به دو گونه تقسیم می شوند:

الف - اهداف تبعی و فرعی

ب - اهداف اصلی

ص: 130

---

1- ابراهیم، 8 و حج، 64.

2- تغابن / 3

3- ص / 27

4- تغابن / 3.

5- لیل / 12

6- انسان / 3

- 1- آزمایش و امتحان: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَوَةَ (لِيَبْلُوَكُمْ)»: (1) آن که آفرید مرگ و زندگی را تا بیازماید شما را در اطاعت و بندگی).
  - 2- شناخت خدا: «لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»: (2) تا بدانید که خدا بر هر چیزی قادر است.
  - 3- مورد رحمت پروردگار قرار گرفتن: «الَّا مَنْ رَحِمَ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ»: (3) مگر آن کس را که پروردگار تو به او رحم کرد و توفیق داد او را به لطف خود و خدا برای همین رحم نمودن ایشان را خلق کرد.
  - 4- پرستش خدا: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبُدُونِ»: (4) ما جن و انس را خلق نکردیم مگر این که بندگی خدا کنند.
- هدف اصلی از آفرینش رسیدن به حد اعلای کمال و در نهایت نیل به قرب الهی که همان کمال مطلق می باشد است. «وَالِيهِ الْمَصِيرُ»: (5) و به سوی او در حرکتند. حرکت انسان با اختیار خود از پائین ترین مراحل هستی آغاز و به سوی بی نهایت که وجود بی پایان حق و قرب خدا است پیش می رود که در پرتو قرب الهی، انسان به کمال لایق خود و مقام رضوان الهی و مراتبی از بهشت دست می یابد.

#### 104. آیا وقتی آمپول بی حسی به نقطه ای از بدن می زنند در آن نقطه روح وجود دارد؟

ج) زمانی که آمپول بی حسی به نقطه ای از بدن انسان یا موجود زنده دیگری تزریق می شود گیرنده های حسی بدن در آن نقطه ضعیف شده و نمی توانند به محرک ها پاسخ

ص: 131

1- ملک، 2/

2- طلاق / 12

3- هود / 119

4- ذاریات / 56.

5- تغابن / 3

مناسب دهند، ابزارهای ادراکی بدن برای مدت کوتاهی مختل یا ضعیف می شوند، همانند زمانی که موجود به خواب می رود. در خواب، انسان موجود زنده است، یعنی دارای روح می باشد اما نه می بیند و نه می شنود و نه حواس ظاهری او فعالند، زیرا در خواب قوای جسمانی در حال استراحت و بنابراین دارای نوعی رخوت و ضعف و سستی می باشند، به طوری که نمی توانند وظیفه خود را به عنوان ابزار روح ایفا کنند. زیرا بی شک بدن ابزار روح و روح حاکم بدن است و این امر در بی هوشی کامل که در اتاق های عمل صورت می گیرد نیز صادق است. لازم به یادآوری است که روح حقیقتی است ملکوتی و مجرد که برتر از ماده و مادیت می باشد. و لذا هیچ یک از ویژگی های جسم و جسمانیت را ندارد و به همین دلیل محسوس نیست، مکان ندارد، وزن و حجم ندارد و بنابراین بدن مکان روح نمی باشد بلکه ابزار روح بوده و روح، بر بدن محیط است و هر یک از اعضاء بدن ابزار روح به شمار می روند، بدیهی است که ابزار باید سالم باشد مثلاً روح به وسیله چشم می بیند پس اگر چشم معیوب باشد عمل دیدن رخ نمی دهد (برای توضیح بیشتر رجوع شود به کتاب اصالت روح در قرآن اثر استاد جعفر سبحانی)

### 105. دروغ مصلحتی یعنی چه؟

ج) شهید مطهری می فرماید: دروغ از آن جهت که تحریف است، بد است و نباید دروغ گفت. یک جاهایی قطعاً دروغ گفتن واجب است و این سخن سعدی که گفته است (دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز) بسیار حرف درستی است البته دروغ مصلحت آمیز نه دروغ منفعت آمیز. کدام عاقل در دنیا است که معنی راست و دروغ را بفهمد و نفهمد که در یک شرایطی راست گفتن از هر جنایتی بالاتر است. البته در همان جا هم باید فقط تا حدی که لازم است از آن راست که طرف را به جنایتش راهنمایی

می کند پرهیز کرد و باید به شکل (توریه) باشد توریه یعنی سخن راست را به گونه ای بیان کنیم که دیگران باور نکنند. بدون شک، انسان در یک مسائلی مثل اصلاح ذات البین مانعی ندارد که دروغ بگوید. ما مواردی در فقه داریم که در آن موارد، دروغ گفتن جایز است مثل آشتی دادن دو مسلمان با یکدیگر و یا بی گناهی را با یک دروغ نجات دادن. (1)

## **106. آیا شفا یافتن و درمان شدن بیماران در زیارتگاه ها و اماکن مقدس به قدرت روحی مریض بستگی دارد یا از معجزات ایشان است؟**

ج) یکی از اصول مسلم عقاید ما شیعیان وجود معجزات و کرامات و الهامات غیبی و امدادهای غیبی می باشد، همه امور مذکور اولاً تابع اراده و مشیت و اذن الهی است. ثانیاً به وسائط مقدس مانند تأثیر ارواح انبیاء و اولیاء و ائمه و حتی بزرگان دین بستگی دارد. ثالثاً ایمان خود انسان نیازمند و مریض و محتاج و دعا کننده در تحقق موارد فوق تأثیر بسزایی دارد، زیرا روح انسان منکر و کافر و ملحد به هیچ وجه آمادگی پذیرایی چنین اموری را ندارد، بنابراین تحقق هر امری هم وابسته به فاعلیت فاعل است و هم وابسته به قابلیت قابل می باشد، که در اینجا مراد از قابلیت قابل، همان ظرفیت و آمادگی و ایمان و قدرت روحی و معنوی و ایمانی فرد مریض و محتاج می باشد.

## **107. آیا موسیقی در اسلام جایگاهی دارد؟**

ج) در قرآن کریم چند آیه وجود دارد که مفسرین از آن آیات حرمت غنا را استفاده کرده اند از جمله آیه 72 سوره فرقان (وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزَّوْرَ) در بعضی از روایات که از طرق ائمه اهل بیت (علیه السلام) رسیده است این آیه را به مجلس غنا تفسیر کرده اند.

ص: 133



همان مجالسی که در آن ها خوانندگی لہوی توأم با نواختن آلات موسیقی یا بدون آن انجام می گیرد. بدیہی است کہ این گونه روایات بیانگر این است کہ غنا یکی از مصادیق آن آیه شریفہ می باشد و مفہوم خود آیه بسیار وسیع و کلی است. همچنین آیه 6 سوره لقمان را مفسرین بہ گونه ای تفسیر کردہ اند کہ تحریم غنا نیز از آن آیه استنتاج شدہ است. در روایات نیز وارد شدہ است کہ مجلس غنا و خوانندگی و لہو و باطل مجلسی است کہ خدا در اہل آن نمی نگرد و آنها را مشمول لطفش قرار نمی دہد در آیه مورد بحث تعبیر «لَهُوَ الْحَدِيثُ» گویا اشارہ بہ این است کہ ہدف اصلی عدہ ای این است کہ سخن را وسیلہ ای برای لہو و بیہودگی قرار دہند و بدیہی است کہ غنا یکی از مصادیق لہو الحدیث می باشد. همچنین در سوره مبارکہ حج آیه 30 می فرماید: (وَ جَتَّبُوا قَوْلَ الزُّورِ) و امام صادق (علیہ السلام) در این بارہ فرمودہ است: (قَوْلَ الزُّورِ الْغِنَا) یعنی سخن باطل همان غنا است. بہ ہر حال در منابع اسلامی یعنی تفسیر قرآن و منابع حدیثی و روایی و فقہی بہ طور مؤکد غنا تحریم شدہ است. اما غنا عبارت است از «صوتی کہ قوای شہوانی را در انسان تحریک می نماید و انسان در آن حال احساس می کند کہ اگر در کنار آن صدا، مفاہد دیگری نیز وجود داشتہ باشد کاملاً مناسب است.» باید دانست کہ گاہ یک آہنگ بہ تنہایی غنا و لہو و باطل است و گاہی محتوای آن نیز چنین است، یعنی مشتمل بر اشعار عشقی و فساد انگیز می باشد کہ با آہنگ مطرب ہمراہ گردیدہ است. بہ گونه ای کہ متناسب با مجالس فسق و فجور می باشد.

### **108. آیا انسان می تواند خودش را قصاص کند یا بر خود حد جاری کند؟**

ج) اجرای قصاص و حدود و دیات از واجبات فقہ اسلامی و از وظایف حاکم شرع و حکومت اسلامی می باشد، زیرا دارای شرایط خاص و فنی و پیچیدہ ای هستند، کہ نیاز بہ حکم حاکم شرع دارند، تا بہ مرحلہ اجرا در آیند. بنابراین خودسرانہ هیچ یک از

قوانین کیفری اسلام قابل اجرا نیست، زیرا هم موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می شود و هم موجب وهن شرع مقدس می گردد. پس خود انسان بدون وجه شرعی و بدون نظر دادگاه صالحه و بدون حکم حاکم شرع، حق اجرای قصاص و حدود شرعی را بر علیه خودش ندارد، مگر این که خود را به یکی از محاکم صالحه معرفی نماید، یا به طور جدی تصمیم بر توبه بگیرد و شرایط توبه (دقیقاً) در آن جرم خاص را در حد نظر شرع مقدس بر اساس رساله های عملیه ی فقهای بزرگوار دقیقاً اجرا کند.

### **109. موسیقی که دارای تأثیرات روحی است چه حکمی دارد و وظیفه ما چیست؟**

ج) موسیقی هرگاه به نظر عرف، لهوی و مطرب و مناسب با مجالس عیش و نوش و خوشگذرانی و مجالس گناه باشد و همچنین مشتمل بر مطلب باطل و غنا یعنی صوت همراه با ترجیع و طرب باشد، هم خواندن و نواختن به این صورت و هم گوش دادن به آن حرام است، در غیر این صورت اشکال ندارد یعنی اگر موسیقی غیر لهوی باشد و دارای غرض عقلانی باشد و مستلزم هیچ گونه فسادی هم نباشد و مورد استفاده از آن حلال باشد در این صورت اشکالی ندارد؛ البته تشخیص مصداق به عهده ی شخص مکلف می باشد. به هر حال موسیقی مهیج، محرک و شهوت انگیز، تعادل روحی و روانی انسان را مختل می نماید و او را در دام شیطان می اندازد و بیماری های عصبی مختلفی را به وجود می آورد. (1)

ص: 135

---

1- رجوع شود به ترجمه ی فارسی رساله ی اجوبه الاستفتاءات آیت الله العظمی خامنه ای، باب کسب های حرام ص 247 تا 256

## 110. اهمیت بیت المقدس در چیست؟

ج) این سرزمین برای همه ادیان ابراهیمی مقدس است، در شهر های فلسطین، انبیاء متولد شده اند، زندگی کرده و دفن شده اند. وحی الهی بر این سرزمین بواسطه انبیاء نازل شده است. ابراهیم (علیه السلام)، عیسی (علیه السلام)، موسی (علیه السلام) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) در این سرزمین آثار معنوی بزرگی را از ناحیه خدا و به اذن خدا ظاهر کرده اند، داوود (علیه السلام)، سلیمان (علیه السلام) و انبیای بزرگوار دیگری چون زکریا (علیه السلام) و یحیی (علیه السلام) در اینجا زیسته اند، قبله اول مسلمین بوده، یکی از مسیر های معراج پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) بوده سال های سال پیروان سه دین ابراهیمی، به خصوص مسلمان ها و مسیحی ها در آن جا به طور مسالمت آمیز زندگی کرده اند. لذا بدیهی است که مکان های مقدس دینی و مذهبی برای پیروان ادیان و مذاهب، مقدس هستند و این امر اختصاص به پیروان این سه دین الهی ندارد بلکه پیروان همه ی ادیان غیر الهی نیز برای خودشان مقدساتی دارند که برای آن ها بسیار اهمیت دارد، کافی است ما نگاهی به قرآن داشته باشیم تا اهمیت موضوع بیشتر آشکار شود.

## 111. با توجه به آیات و روایات مبنی بر این که خود را به هلاکت نیاندازید عملیات استشهادی فلسطینیان چگونه توجیه می شود؟

ج) انفاق انواعی دارد از جمله انفاق جانی، انفاق مالی و ... بنابراین کسی که جان خود را در راه خدا تقدیم می کند عظیم ترین سرمایه وجودی خود را انفاق کرده است، ولی کسانی که انفاق نمی کنند به هلاکت می رسند انفاق در هر زمینه ای از هلاکت انسان جلوگیری می کند. تدابیر عملیات استشهادی فلسطینیان که برای دفاع از سرزمین و مملکت خود انجام می دهند نه تنها منافاتی با آیات و روایات ندارد بلکه کاملاً به جا و درست و قابل تأیید است.

## 112. مالک سرزمین فلسطین کیست؟

ج) قبل از سکونت یهودیان در این سرزمین اقوام بسیار دیگری نیز در این سرزمین زندگی می کرده اند، یهودیان این سرزمین را با کمک استعمار از مردم فلسطین گرفتند. در طول تاریخ، صدها تحول در منطقه و در سرزمین فلسطین رخ داده است و در حدود هزار سال پیش، مسلمانان، یهودیان و حتی مسیحیان، آزادانه و در کنار هم در بیت المقدس زندگی می کرده اند. پس از آن در جنگ های صلیبی مسیحیان آن را تصرف کردند ولی عمدتاً حاکمیت آن جا در دست مسلمانان بوده است و چه بسا بسیاری از یهودیان ساکن آنجا نیز مسلمان شده اند. به هر حال ساکنان اولیه فلسطین همان کنعانیان هستند که اغلب آنان را نژاد اعراب تشکیل می داده است.

## 113. وظیفه ما در برابر کمک و یاری به مردم فلسطین چیست؟

ج) از نظر اسلام انسان ها در اصل آفرینش یکسان هستند و مسلمان ها در بعد ایمان با هم برادر و نسبت به یکدیگر مسئول می باشند. یعنی هیچ مسلمانی نباید نسبت به سرنوشت مسلمان دیگری بی تفاوت باشد. احساس مسئولیت نسبت به خویشان و دیگران یکی از عوامل نجات محسوب شده است عدالت خواهی، حق طلبی و دفاع از مظلوم از مهمترین صفات برجسته اخلاقی یک مسلمان به شمار می رود و اصولاً کسی که ندای مظلومیت دیگران را بشنود و اجابت نکند مسلمان نیست، و اما مردم فلسطین او مسلمان هستند، ثانیاً مظلوم هستند، ثالثاً مستضعف هستند و ندای مظلومیت آنان به گوش جهانیان می رسد و از سوی دیگر سرزمین فلسطین سرزمینی است مقدس و برای پیروان همه ادیان و به خصوص مسلمین مقدس است، که متأسفانه هم اکنون در اشغال رژیم اشغالگر و نژاد پرست صهیونیسم می باشد بنابراین از هر لحاظ، کمک و یاری به

مردم فلسطین یک وظیفه و مسئولیت مهم انسانی، اسلامی و اخلاقی به شمار می رود.

## 114. تاریخچه و تفکرات وهابیون را شرح دهید؟

ج) ابن تیمیه حنبلی 4 قرن قبل از محمد بن عبد الوهاب می زیسته، اهل دمشق بوده و نامش احمد بن عبد الحلیم می باشد وی رهبر فکری و ایدئولوگ این فرقه است. در سال های 1160 تا 1206 محمد بن عبدالوهاب جنگ و فتنه ای تند و خشن را بر اساس عقاید ابن تیمیه در میان اقوام بدوی حجاز بنام دفاع از توحید و مبارزه با شرک بوجود آورد و خون ها ریخته شد، در سال 1216 پیروان او به کربلا یورش بردند و چون عید غدیر بود و تعطیل و اغلب به نجف رفته بودند به تخریب در شهر و حرم امام حسین (علیه السلام) و سایر اماکن پرداخته حدود 5 هزار نفر را کشته و هدایا و تابلوهای نفیسی را با خود بردند. در سال 1344 هجری قمری فقهای وهابی مدینه فتوا به تخریب قبور بزرگان اسلام در حجاز دادند (هشتم سوال). آن ها متعصب، قشری، سختگیر، غیر قابل انعطاف، بدون منطق و بسیار تند و خشن بوده اند اسلام را مساوی با مبارزه ی با شفاعت و زیارت و توسل می دانند و نیز بی خبری نسبت به مسائل روز و استعمار و عدالت را تبلیغ می کنند. در رساله کشف الشبهات اثر محمد بن عبد الوهاب شفاعت و دعا به غیر خدا باطل دانسته شده است.

وی در رساله اربع قواعد می گوید:

1- کفار خدا را خالق و رزاق و تدبیر کننده جهان می دانستند ولی کافر بودند(1)

2- آنها بت را شفیع و وسیله قرب قرار می دادند(2)

3- مشرکان در شدت و سختی خدا را می خوانند(3) لذا آنها به سادگی اغلب مسلمان ها را مشرک و خون و مال آن ها را مباح می شمارند. در کتاب الهدیه السنیه اثر شیخ سلمان بن لیمان صریحاً اعتقاد به شفاعت،

ص: 138

1- یونس / 31

2- یونس / 18.

3- عنکبوت / 65

کفر و شرک خوانده شده است. پاسخ قرآن به نظریات علمای وهابی چنین است:

(1) شفاعت را برای غیر خدا تأیید کرده (یا اَبَانَا اسْتَغْفِر لَنَا) (1)

(2) شفاعت به اذن خدا هیچ ربطی به شرکت ندارد مشرکان خدای واحد را منکر و از خدای واحد وحشت داشتند. (2)

(3) فاعل یگانه مستقل فقط خداوند است سایر فاعلیت ها به اذن او مؤثرند (توحید افعالی)

(4) عبادت، آخرین حد خضوع و تواضع و تسلیم مطلق مختص به خداوند است.

(5) وهابی ها مفهوم شفاعت را به میل خودشان تحریف و مسخ کرده اند و نیز مفهوم توحید و عبادت را تفسیر به رأی کرده اند.

(6) آیه 21 سوره کهف می فرماید: در کنار گور اصحاب کهف مسجدی بنا کردند تا خاطره آن ها فراموش نشود، پس ساختن معبد به احترام قبور بزرگان هرگز حرام نیست بلکه پسندیده و مورد قبول قرآن است، البته احترام، عبادت نیست زیرا احترام عام است و نسبت به همه جایز و عبادت تنها مخصوص خداوند است.

7- مرده، دارای حیات برزخی است و منشأ اثر است اما وهابی ها می گویند مرده فاقد منشأ اثر است پس توسل امری لغو است. اما ما، در نماز به پیامبر، سلام می کنیم، به اهل قبور سلام می کنیم، قرآن در آیه 24 سوره انفال دستور می دهد دعوت رسول خدا را به چیزی که شما را زنده می کند اجابت کنید پس حیات فکری، معنوی، اخلاقی، اجتماعی، برزخی، اخروی هم حیات است، فقط حیات گیاهی (3) و حیات حیوانی (4) حیات نیست. مگر پیامبر پس از پایان جنگ بدر با اجساد کشتگان مشرک حرف نمی زد؟ مگر علی (علیه السلام) پس از جمل و صفین با کشتگان سخن نمی گفت، (بَلْ أَحْيَاءُ) (5) و

ص: 139

---

1- نساء / 64 و یونس / 97.

2- قصص / 5، شعرا / 98

3- حدید / 17

4- فصلت / 39.

5- آل عمران / 169.

(مَنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ) (1) در زمان خلیفه دوم خشکسالی و قحطی شد، بلال و عده ای صحابه کنار قبر رسول خدا آمده گفتند: یا رسول الله برای امتت باران بخواه که هلاک شدند. (2) به هر حال توسل به انبیاء و اولیاء و ارواح پاک هیچ منافاتی با تو حید ندارد چون همه چیز از جمله شفاعت و اجابت به اذن خداست. (3)

### 115. عرفان یعنی چه؟

ج) عرفان یک مکتب و یک روش فکری و فلسفی متعالی و عمیق می باشد، که بر راه اشراق باطنی و کشف و شهود قلبی استوار است، و به قول ابوعلی سینا عارف کسی است که در قدس جبروت می اندیشد و فکر او پیوسته متوجه و منصرف به عالم قدس است و اشراق نور حق در باطن او می تابد. به هر حال عرفان، مکتبی است مبتنی بر روشن بینی و صافی و صفای باطن و کسی که دلش به نور حکمت الهی و اشراقات معنوی و ربانی روشن و تابناک است، عارف می باشد. البته باید تأکید کرد که عارف تمام ویژگی های کمالی زاهد و عابد را نیز داراست، یعنی لحظه ای از اصول زهد و مواظبت بر عبادات غفلت نمی کند.

### 116. کشف و شهود چیست؟

ج) این اصطلاح به معنی مشاهده و دیدار حق است با چشم دل و به طریق رؤیت قلبی معروف است، که علی (علیه السلام) فرموده است: « لا أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ » یعنی خدایی را که نبینم هرگز عبادت نمی کنم. البته بدیهی است مقصود از دیدن، دیدن با چشم سر نیست بلکه مقصود دیدن با چشم دل است و به چنین دیدنی کشف و شهود می گویند. رسیدن به این

ص: 140

1- مؤمنون / 100

2- فاطر / 14.

3- بقره / 255، مائده / 35، اسرا / 57.

مقام، ناشی از عبودیت و طهارت باطن و تزکیه نفس و تصفیه قلب است، که موجب می شود انوار غیبی بر قلب انسان مؤمن و عابد بتابد و او با این انوار غیبی به حقایق می نگرد و آن را شهود می کند. لازم است بیان شود که رسیدن به مرحله کشف و شهود را حق یقین نیز گفته اند، که در مرتبه اعلاى محبت الهی و انس با حق تعالی بدست می آید.

### **117. مراحل رسیدن به عرفان را توضیح دهید؟**

ج) در شرح مراحل عرفانی نظریات گوناگونی وجود دارد. بعضی آن را یک مرحله دانسته اند، بعضی آن را سه مرحله دانسته اند، بعضی آن را هفت مرحله دانسته اند و بعضی آن را صد مرحله دانسته اند، ما فقط آن سه مرحله را در این جا بطور مختصر بیان می کنیم.

الف - تخلیه: یعنی خالی کردن درون از بدی ها و زشتی ها و رذایل و همه اموری که انسان را از خدا باز می دارد.

ب - تحلیل: یعنی آراستن خویشتن به صفات نیکو و خوبی ها و فضایل و همه اموری که انسان را به خدا نزدیک می کند.

ج- تجلیه: یعنی جلوه کردن حق و تابش نور الهی در قلب پس از آن که تخلیه و تحلیل شده باشد. و مقصود از تجلیه همان تجلی است که به ذاتی و صفاتی و افعالی تقسیم شده است و از این سه قسم، ابتدا تجلی افعالی بر عارف روی می آورد، سپس تجلی صفاتی و در پایان تجلی ذاتی.

### **118. صوفی گری را توضیح دهید؟**

ج) کلمه صوفی و تصوف از ریشه (صوف) مشتق شده و به معنی پشمینه پوشی است.



اولین کسی که به عنوان صوفی مشهور شد ابو هاشم کوفی در سال 150 هجری قمری است. بنابراین نام صوفی و صوفیه از قرن دوم هجری به وجود آمده است. اکثر بزرگان صوفیه به خصوص صوفیان اولیه همه از اهل سنت بوده اند. کسانی مانند رابعه عدویه، ابو هاشم صوفی، سفیان ثوری، ابراهیم ادهم، داوود طائی، شقیق بلخی، فضیل عیاض، معروف کرخی، حارث محاسبی، ذوالنون مصری، سری سقطی، بایزید بسطامی، سهل بن عبدالله تستری، جنید بغدادی، حسین بن منصور حلاج، شبلی، ابن خفیف شیرازی، ابو نصر سراج، ابوطالب مکی، ابو علی دقاق، ابوالحسن خرقانی، ابوسعید ابوالخیر، ابوالقاسم قشیری، خواجه عبدالله انصاری، ابو حامد محمد غزالی، احمد غزالی، عین القضات همدانی، شیخ احمد جام، عبد القادر گیلانی، روزبهان بقلی شیرازی، نجم الدین کبری، فریدالدین عطار، ابو حفص سهروردی، محیی الدین عربی، مولانا جلال الدین مولوی، مصلح الدین سعدی، عبدالرحمان جامی و ده ها تن دیگر از بزرگان این فرقه ی جعلی و ساختگی، که با تشویق های حسن بصری، به وجود آمده همه سنی مذهب می باشند. پس اولین خصیصه تصوف این است که در فرهنگ اهل تسنن به وجود آمده است. بعضی از اهل تصوف به زهد افراطی تمایل داشته اند، بعضی دیگر به عشق و محبت افراطی و برخی دیگر صاحب طریقه سکر بوده اند که اغلب، از اینان سخنان نامعقول و نامشروع صادر شده است، بعضی به ریاضت های بسیار شاق و افراطی گرایش داشته اند و بعضی خود را اهل توکل معرفی کرده اند، گروهی در صوفیه به نام ملامتیه وجود داشته اند، که به ریای معکوس افتخار می کرده اند مثلاً در ظاهر به گونه ای رفتار می کردند که مورد اهانت و تحقیر خلق قرار گیرند با این انگیزه که در نزد حق مقبول واقع شوند. خلاصه در میان فرقه های بسیار فراوان صوفیه اختلافات بسیار فراوانی نیز وجود دارد اما بعضی از مشترکات آن ها عبارت است از:

1- خرقة پوشیدن

ص: 142

که هیچ کدام از این موارد در قرآن و سنت رسول خدا(صلی الله علیه واله) و ائمه اطهار(علیه السلام) جایگاهی نداشته و ندارند. علامه طباطبایی(ره) در مورد تصوف می فرماید: البته تصوف در عهد خلفا هم اصلی داشت که در لباس زهد جلوه می کرد و آنگاه در اوایل دوران بنی عباس که مردانی چون بایزید و جنید و شبلی و معروف و ... پیدا شدند متصوفه کاملاً ظاهر شده و تجلی نمود. آنان برای سلوک و طریقت خود رسوم و آدابی که از شرع اسلام معهود نبود وضع کرده در نتیجه دائماً سنتی تازه وضع می شد و سنت دیگر شرعی تر می شد. تا بالاخره طوری شد که شریعت در طرفی و طریقت در طرف دیگر قرار گرفت و طبعاً به ارتکاب به محرمات و ترک واجبات و شعائر دینی کشیده شد. تکالیف شرعی را برداشتند و «قلندری» و نظیر آن پیدا شد و از تصوف جز گدایی و تریاک کشی و استعمال بنگ چیزی نماند. (1)

### 119. فرقه صوفیه از دیدگاه بزرگان دین چگونه نقد می شود؟

(ج) امام رضا(علیه السلام) فرمود: (لا تَقُولُ أَحَدٌ بِالتَّصَوُّفِ إِلَّا لِيُخَدِعَهُ أَوْ ضَلَالِهِ أَوْ حِمَاقَةٍ) کسی به تصوف نمی گراید مگر برای خدعه یا گمراهی یا نادانی. امام خمینی (ره) می فرماید:

(این ها با دزدی بعضی از اصطلاحات فلسفه و عرفان، بندگان خدا را گمراه می کنند) (2) امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الصُّوفِيَّةُ كُلُّهُمْ مِنْ مُخَالِفِينَا وَ طَرِيقَتِهِمْ مَغَايِرُ لَطَرِيقَتِنَا إِنْ هُمْ إِلَّا نُصَارِي وَ مَجُوسَ هَذِهِ الْأُمَّةِ» تمام فرقه های صوفیه مخالف ما هستند و راه آن ها غیر

ص: 143

1- ترجمه تفسیر المیزان جلد 10، ص 123-124

2- امام خمینی، چهل حدیث، حدیث چهارم.

راه ما است و آن ها نصرانیان و مجوسان این امت هستند. استاد مطهری: «نظریه گروه بی طرف ها، از نظر این گروه، در عرفان و تصوف، خصوصاً در عرفان عملی و بالاخص آنجا که جنبه فرقه ای پیدا می کند، بدعت ها و انحرافات زیادی می توان یافت که با کتاب الله و سنت معتبر وفق نمی دهد»<sup>(1)</sup> در کتاب المیزان ترجمه جلد دهم سوره مائده ذیل آیات 19-15 صفحه 124-123 در حدود 38 سطر در نقد تصوف، مطالب دقیق و عمیق نگاشته شده است و با دو دلیل، سقوط و انحطاط این اندیشه را اثبات کرده است. آیت الله نجفی مرعشی می فرماید: إِنَّ مُصِيبَةَ الصُّوفِيَةِ عَلَى الْإِسْلَامِ أَكْبَرُ مِنَ الْمَصَائِبِ تَهْدَمَتْ بِهَا أَرْكَانُهُ. مصیب صوفیه در اسلام بزرگترین مصیب است که اصول اسلام را نابود می کند. پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمودند: هرگاه بدعتی در امت من پیدا شود باید افراد آگاه و دانا علم خود را آشکار کنند و گرنه خداوند آن ها را لعنت می کند و نیز فرمودند: يَا عَلِيُّ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا ظَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ. «ای علی اگر فقط یک نفر را خدا به دست تو هدایت کند برای تو بهتر است از تمام آنچه خورشید بر آن می تابد».

بزرگان صوفیه در صدر اول تاریخ تصوف ابو هاشم صوفی، دوست و همفکر سفیان ثوری است و این ها با حسن بصری نیز رابطه فکری داشته اند که بطور صریح فساد عقیدتی شان از سوی ائمه شیعه و علمای برجسته ای چون کلینی، شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن قولویه، علامه حلی و علامه مجلسی اعلام شده است.

برای مطالعه ی بیشتر به منابع زیر رجوع کنید:

(1) سفینه البحار تألیف شیخ عباس قمی، جلد دوم، باب صاد بعده الواو .

(2) اثنی عشریه تألیف شیخ حر عاملی، باب اول، فصل دهم.

ص: 144

---

1- خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری، بخش عرفان و تصوف ص 634.

3) حدیقه الشیعه تألیف مقدس اردبیلی، فصل امام صادق (علیه السلام)، قسمت رد صوفیه.

4) جلوه حق تألیف آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تمام کتاب.

5) جستجو در عرفان اسلامی، تألیف استاد داوود الهامی

6) عارف و صوفی چه می گویند؟ تألیف آیت الله میرزا جواد تهرانی.

## 120. انواع حکومت را بیان کنید؟

ج) 1- حکومت فردی بر مبنای زور: همانند حکومت شاهان و زورمندان پیشین که اساس آن را زور و قدرت نظامی تشکیل می دهد یعنی هر کس قلدرتر بود زمام حکومت را به دست می گیرد.

2- حکومت فرد صالح: یعنی حکومتی که به وسیله یک نفر اداره می شود و همه یا اکثریت قاطع مردم به این امر راضی هستند که زمام امور خود را به دست او بسپارند، این حکومت فردی است اما حکومت زور نیست، نمونه آن، حکومت پیامبران خدا در طول تاریخ است، درست است که آن ها در اداره امور با مردم مشورت می کردند ولی تصمیم نهائی با خود آن ها بوده است. از آنجا که یک فرد عادی هر قدر صالح باشد باز هم اشتباه می کند این نوع حکومت را منحصر به پیامبران و امامان معصوم (علیه السلام) می دانیم.

3 - حکومت مردم بر مردم به صورت ظاهراً آزاد: یعنی همان شکلی که در بعضی از کشورها معمول است، آنها حکومتی را تشکیل می دهند که مبنای آن ظاهراً آراء مردم است، ولی هیچ قید و شرطی ندارد. مردم، هر کس و هر چیز را پسندیدند، همان است، یک روز ممکن است فیلسوف بزرگی را برای ریاست جمهوری انتخاب کنند و روز دیگر یک هنر پیشه یا دلچکی را! این همان دموکراسی از نوع غربی است.

4- نوع دیگری از حکومت داریم که آن را «دموکراسی مکتبی» یا «جمهوری مکتبی» می نامیم که اساس آن آراء مردم است اما نه به صورت بی قید و شرط، بلکه در

چهارچوب یک مکتب، مردم حق رای دارند و می توانند انتخاب بشوند و انتخاب نکنند اما با در نظر گرفتن مقررات مکتب، طبیعی است در این نوع دموکراسی هر کس را نمی توان انتخاب کرد و حکومت را به دست او سپرد، هر قانونی را از مجلس نمی توانند بگذرانند و هر چه خواستند، آزاد مطلق نیستند، آزادی مردم در چهارچوب مکتب است. حکومت اسلامی ما از نوع چهارم است. به هر حال در جمهوری اسلامی مبنا آراء مردم است، در قانون گذاری و در اجراء، اما نه بی قید و شرط، بلکه با توجه به ضوابطی که اسلام برای هر یک از سه قوه تعیین کرده است.

## 121. انواع قانون و حکم از نظر اسلام چیست؟

ج 1 - قوانین ثابت: قوانینی که در وضع آن ها واقعیت انسان و فطرت آدمی در نظر گرفته شده است، ثابت و غیر قابل تغییر نامیده می شود. این نوع قانون به نام دین و شریعت نامیده شده است و هیچ گونه تغییر و تبدیلی در آن ها راه ندارد چون بر اساس فطرت و واقعیت انسان پی ریزی شده اند. امام صادق (علیه السلام) در این مورد فرموده اند: (حلال محمد (صلی الله علیه واله) حلال خواهد بود تا روز قیامت و حرام او حرام خواهد بود تا روز قیامت) منظور از فطری بودن دین هم همین است که با فطرت انسانی هماهنگ است و بر اساس فطرت وضع شده است. (1)

2 - احکام اولیه: بسیاری از احکام و مقررات اسلامی در کتاب و سنت آمده است و شارع مقدس حکم آنها را به صورت کلی یا جزئی بیان فرموده و وظیفه فقیه (حاکم اسلامی) این است که با استفاده از منابع احکام و روش استنباط آن ها، به استخراج احکام الهی پرداخته و حکم فروع و فرض های جدید را معین کند. به این احکام، احکام اولیه گفته می شود.

ص: 146

---

1- روم/30 و اصول کافی ج 1 کتاب فضل العلم باب البدع حدیث 19.

3- قوانین متغیر: مقرراتی هستند که بر اساس نیازهای تدریجی و مصالح تدریجی بشر وضع می شود و با از بین رفتن موضوع و با تغییر آن منتفی و یا تغییر می یابد. این قوانین باید توسط ولی امر مسلمین یا توسط افراد متخصص و با نظارت ایشان تدوین گردند ولی باید از چهارچوب اصول کلی و قوانین ثابت شریعت خارج نشوند.

4- احکام ثانویه: حکومت اسلامی در اداره جامعه با مسائل و مشکلاتی روبرو می شود که اگر تنها بر مبنای احکام اولیه و ثابت عمل شود نمی توان بر مشکلات فائق آمد و در برخی موارد کیان حکومت اسلامی به خطر می افتد لذا اسلام اختیاراتی به حاکم اسلامی داده تا با وضع احکام ثانویه این مشکل را حل کند. به این احکام ثانویه که توسط حاکم اسلامی وضع می شود «احکام حکومتی» نیز گفته می شود.

## 122. مفهوم و تعریف واژه ولایت را توضیح دهید؟

ج) یکی از پر استعمال ترین واژه ها در قرآن و حدیث، ولایت و سایر مشتقات آن است. ولایت به معنی سرپرستی و تصدی امر و دوستی و محبت و نصرت و یاری کردن است، بنابراین مفهوم ولایت در رابطه با جامعه و امت همان حکومت و زمامداری است و به همین سبب شخص حاکم را ولی امر می نامند، و او کسی است که عهده دار مسئولیت خطیر و وظیفه سنگین زمامداری امور مسلمین در جهت صلاح و خیر و مصلحت و فلاح امت می باشد. بنابراین حکومت در اسلام یک نوع سرپرستی، مسئولیت و وظیفه است، لذا رهبر همچون پدری دلسوز و مهربان و آگاه و عادل در پی تدبیری است که تأمین کننده مصالح و کمال و سعادت تک تک افراد امت باشد و او در این مسیر، راهنما و الگو است، راهنما و الگویی که با رهبری و راهنمایی خود به دنبال رساندن آحاد جامعه اسلامی به آرمان ها و ارزش های متعالی الهی، دینی و انسانی است. البته در این مسیر نقش امت بسیار ارزنده و تعیین کننده است بیداری و آگاهی و معرفت و بصیرت،

ص: 147

محبت و دوستی و عشق و معنویت، حضور همه جانبه در همه عرصه ها و صحنه های متعدد حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و نظامی، ولایت مداری و ولایت پذیری و اطاعت آگاهانه از ولی امر مسلمین از مهمترین نقش های کلیدی امت محسوب می شوند.

### 123. تاریخچه ولایت فقیه را بیان کنید.

ج) عده ای معتقدند که «ولایت فقیه» به معنی زمامداری جامعه اسلامی یک مسأله جدید بوده و دارای سابقه و پیشینه نظری و عملی نیست و قدمت آن را کمتر از دو قرن می دانند. در کتاب «حکمت و حکومت» آمده است: از نقطه نظر تاریخی نیز ولایت به مفهوم کشورداری، به هیچ وجه در تاریخ فقه اسلامی مطرح نبوده است. (1) در مقابل، بسیاری نیز معتقدند که بر اساس دیدگاه شیعه، نه تنها ریشه ی حاکمیت ولایت را در عصر غیبت می توان دید بلکه در عصر حضور نیز دیده می شود، از امامان معصوم (علیه السلام) دستورهایی رسیده است که مردم باید در زمان یا مکانی که دسترسی به معصوم ممکن نیست، به کسانی که دارای شرایط خاصی هستند مراجعه کنند تا کارهای آنان زمین نماند. مثلاً از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْرَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامِنَا فَلْيَرْضُوا بِهِ حُكْمًا» (2) مقصود از شخص آگاه به حلال و حرام و آشنا به احکام، همان فقیه مورد نظر ماست. طبق روایات مشابه، به هنگام دسترسی نداشتن به معصوم، «فقیه» حاکم مردم است و این حاکمیت از معصوم به او رسیده است. در همین روایت آمده است: «فَأَيُّ قَدْ جَعَلْتَهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» من او را حاکم شما قرار دادم. روشن است امام شخص معینی را به حاکمیت نصب نکرده، بلکه به

ص: 148

---

1- حکمت و حکومت، مهدی حائری یزدی، ص 178.

2- اصول کافی، مرحوم کلینی، ج 1 ص 67.

صورت عام منصوب نموده است. در ادامه می فرماید: «فَإِذَا حَكَمْتُ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفُّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا دَرَادٌ عَلَيْنَا كَالرَّادِ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى حَدِّ الشُّرْكَ بِاللَّهِ» حاکمی که منسوب عام از طرف معصوم است اطاعتش واجب است و اگر کسی حکم او را نپذیرد مانند آن است که حاکمیت معصوم را نپذیرفته است.

## 124. سابقه و پیشینه ولایت فقیه چیست؟

(ج) اعتقاد به ولایت فقیه نه تنها یک مسأله مستحدث و جدید نیست بلکه از شروع غیبت کبری، اگر نگوییم از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تا به امروز همواره مورد بحث، ادعا و اثبات قریب به اتفاق همه بزرگان فقه و فقهات بوده است و حتی برخی از آن بزرگواران که فرصت مناسبی به دست آورده اند، بی درنگ به اجرای آن پرداخته اند.

از جمله:

1- در این میان، نهج البلاغه بی گمان بزرگترین و منسجم ترین کتابی است که آراء سیاسی شیعه در زمینه ی حکمت نظری، عملی و حقوق اساسی در آن گرد آمده است. نهج البلاغه که اوایل قرن پنجم هجری توسط سید رضی (ره) جمع آوری گردید، به حق بنیان مباحث مهم کلامی از جمله مباحث نبوت و به ویژه امامت و ولایت را محکم تر نمود. از این رو می توان گفت: تا قرن پنجم هیچ گاه در مورد این که مسأله امامت، سیاست، ولایت و حاکمیت، نه یک مسأله فقهی و تقلیدی بلکه مسأله ای کلامی و اصولی، عقلی و قابل استدلال و اثبات است شک و تردیدی وجود نداشت.

2- ابو علی سینا در کتاب شفا می گوید: سنت گذار باید اطاعت از جانشین خود را واجب کند و تعیین جانشین یا باید از طرف او باشد یا به اجماع اهل سابقه، به گونه ای که آشکارا برای عموم مردم ثابت شود که او دارای سیاست مستقل، عقل سلیم و اخلاق نیکویی همچون شجاعت، عفت و حسن تدبیر است و احکام شریعت را از همه بهتر

ص: 149



می داند و از او کسی دانایتر نیست.

3- فارابی در مدینه فاضله می گوید: رئیس مدینه فاضله یا رئیس اول است یا رئیس ثانی. اما رئیس اول کسی است که خداوند عزوجل توسط عقل فعال به او وحی می کند و او واضح قوانین است و حکم امور را بیان میکند. رئیس دومی (ثانی) که جانشین او می شود باید بسیاری از صفات او را داشته باشد. او باید بیند صلاح و مصلحت مدینه در چیست؟ و همان را مورد توجه قرار دهد.

4- شیخ مفید نیز جزو طلایه داران صفوف مقدم نظریه پردازان نیابت فقیه از امام معصوم (علیه السلام) در آغاز سه سده نخستین دوره غیبت کبری بوده است.

5- ابن ادریس حلی بهترین نظر را در مورد نیابت عام فقها ارائه کرد.

6- خواجه نصیرالدین طوسی نظر ابن ادریس را در مورد اعتقاد به وجود حکومت اسلامی و حاکم عادل که همان نیابت عام فقها می باشد، تأیید کرده است.

7- علامه حلی همواره بر ولایت عام فقیه جامع شرایط به عنوان نایب امام معصوم (علیه السلام) در زمان غیبت تأکید داشته اند.

8- در اوایل قرن دهم هجری نظریه ی ولایت فقیه برجستگی بیشتری پیدا کرد و از سوی عالم برجسته محقق کرکی، بطور جذابی مورد استدلال و اثبات قرار گرفت.

9- شیخ جعفر کاشف الغطاء، فقیه منصوب عام را مأذون از طرف معصوم (علیه السلام) می دانست.

10- مرحوم صاحب قوانین

11- مرحوم صاحب جواهر

12- مرحوم ملا احمد نراقی

13 - مرحوم شیخ انصاری

14- مرحوم علامه میرزا محمد حسین نایینی

و ... همه معتقد هستند که ولی فقیه که نیابت عام از ناحیه ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به عهده دارد، از جمله قطعات مذهب امامیه است و ضرورت وجود حکومت ولایت فقیه آن چنان بدیهی است که عدم آن موجب اختلال نظام اسلام و مسلمین می گردد. بنابراین ولی فقیه به نیابت از معصوم (علیه السلام) در همه زمینه های اجتماعی، سیاسی، قضایی و اجرایی در حفظ و صیانت شرع مقدس دارای ولایت می باشد. پس مسأله ولایت فقیه به هیچ وجه مسأله ای جدید نیست بلکه یکی از اصول مسلم تاریخی و کلامی و فقهی شیعه ی امامیه می باشد. به طوری که حتی در عصر حضور معصوم (علیه السلام) نیز صدق کرده و کارایی دارد. به عنوان نمونه در عصر حضور و حکومت حضرت علی (علیه السلام)، مالک اشتر (ره) از طرف امام (علیه السلام) به ولایت و حکومت مصر تعیین گردید و دستورالعملی از ناحیه حضرت امیر (علیه السلام) به مالک نوشته شده که امروزه یکی از مهمترین اسناد شرعی اثبات ولایت فقیه و حدود اختیارات او به شمار می رود.

## 125. «ولایت مطلقه» به چه معناست؟

ج) ولایت یعنی والی بودن، مدیر بودن و مجری بودن، اگر گفته می شود که فقیه، ولایت دارد، یعنی از سوی شارع مقدس، تبیین قوانین الهی و اجرای احکام دین و مدیریت جامعه اسلامی در عصر غیبت، بر عهده فقیه جامع شرایط نهاده شده است و این ولایت همان گونه که مکرراً گفته شد، با ولایت بر محجورین که در کتاب حجر (از کتاب های رایج فقه) آمده تفاوت اساسی دارد. و لذا در ولایت فقیه، کسی نباید توهم محجوریت مردم را در ذهن داشته باشد؛ مدیریت، در هیچ جای دنیا، مستلزم محجوریت مردم نیست و در مدیریت فقیه نیز چنین است. مطلق بودن ولایت، یعنی این که فقیه، اولاً ملتزم است همه احکام اسلام را تبیین نماید، ثانیاً همه آن ها را اجرا کند، زیرا هیچ حکمی از احکام الهی در عصر غیبت، قابل تعطیل شدن نیست و ثالثاً برای

تزام احکام، چاره ای بیاندیشد. یعنی در هنگام اجرای احکام، اگر در حکم خداوند با یکدیگر تراحم داشته باشند، به گونه ای که انجام یکی، سبب ترک دیگری شود و این دو حکم را در یک زمان نمی توان با هم اجرا کرد، فقیه جامع الشرایط و رهبر جامعه اسلامی حکم «اهم» را اجرا می کند و برای امکان اجرای آن حکم اهم، حکم «مهم» را به صورت موقت تعطیل می کند. برخی «ولایت مطلقه» را آزادی مطلق فقیه و خود محوری او در قانون و عمل توهم کرده اند و لذا آن را نوعی دیکتاتوری دانسته اند که از بیان فوق، بطلان این تصور روشن می شود.

## 126. نظر مقام معظم رهبری در خصوص ولایت فقیه چیست؟

ج) مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: «ولایت، یعنی حکومت الهی، که هیچ اثری از خود پرستی، سلطنت و اقتدار خود خواهانه در آن وجود ندارد، اگر وجود پیدا کرد ولایت نیست. فرق بین حکومت و ضمانت های الهی یا غیر الهی این است که در ضمانت های الهی ضمانت درونی است، اگر کسی که متصدی مقامی است شرایط آن را نداشت به خودی خود این پیوند خلع می شود و این امر خیلی مهم است. بنای ولایت الهی بر هضم شدن در امر و نهی پروردگار است، درست نقطه مقابل سلاطین مادی و حکومت های بشری» (1).

## 127. مفهوم ولایت مطلقه ی فقیه را از دیدگاه رهبر معظم انقلاب بیان کنید.

ج) مراد از ولایت مطلقه ی فقیه جامع الشرایط این است که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد، دین حکومت و اداره ی امور

ص: 152

---

1- آیت الله خامنه ای، سخنرانی 1378/01/16 به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی.

جامعه است، لذا همه ی طبقات جامعه ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، از نظام جامعه اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسائل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند. این کار در مرحله اجرا ممکن است با مطامع و منافع و آزادی بعضی از اشخاص منافات داشته باشد، حاکم مسلمانان پس از این که وظیفه خطیر رهبری را طبق موازین شرعی به عهده گرفت در هر مورد که لازم بداند و مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، حتی در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت، مقدم و حاکم است. ولایت مطلقه ی فقیه به معنی اختیارات بی حد و مرز نیست. ولی فقیه مانند همه ی آحاد مردم، محکوم قوانین کشور است و نمی تواند در منطقه ی ممنوعه قوانین، عمل و اقدام کند.

## 128. ولایت مطلقه ی فقیه از نظر امام خمینی (ره) چه مفهومی دارد؟

ج) ولایت مطلقه ی فقیه که حضرت امام خمینی (ره) آن را صراحت بیان فرمودند، از ضروریات فقه اسلام است. به نظر امام خمینی اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت (فقاہت و عدالت) باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) در امر اداره ی جامعه داشت دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. این توهّم که اختیارات حکومتی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) بیشتر از حضرت امیر (علیه السلام) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (علیه السلام) بیش از فقیه است باطل و غلط است. البته فضائل حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) بیش از همه ی عالم است و بعد از ایشان فضائل حضرت امیر (علیه السلام) از همه بیشتر است. لکن زیادی فضائل معنوی، اختیارات حکومتی را افزایش نمی دهد. همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه

صلوات الله عليهم در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولایت و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است. منتهی شخص معین نیست، روی عنوان «عالم عادل» است.

## 129. معنای مطلقه بودن ولایت فقیه چیست؟

کلمه ی «مطلق» یا مطلقه در لغت به معنای آزادی، رهایی و ارسال است لیکن موارد استعمال آن متفاوت است. به عبارت دیگر گاهی مطلق در برابر نسبی به کار می رود و گاهی در برابر مشروط. استعمال نخست، صرفاً در علوم حقیقی است ولی استعمال دوم، هم در علوم حقیقی و هم در علوم اعتباری (مانند علوم سیاسی) جریان دارد. از طرف دیگر کاربرد این واژه در علوم اعتباری نیز از نظر دایره و وسعت اطلاق، بسیار متفاوت است. به عبارت دیگر هر کجا که این واژه بکار می رود، باید به دقت در نظر داشت که مراد از آن اطلاق در برابر کدامین قید می باشد مثلاً مطلقه در نظام های سیاسی غالباً به رژیم های فاقد قانون اساسی اطلاق می شود ولی در نظام ولایت فقیه به گونه ای دیگر استعمال می شود. مقصود از ولایت فقیه مطلقه، این است که اگر «مصالح اهم اجتماعی» مسلمانان با یکی از احکام اولیه شرعی (که از نظر اهمیت در رتبه پایین تری قرار دارد) در تراحم قرار گیرد، ولی فقیه که موظف به حفظ مصالح عالیّه جامعه اسلامی است، به خاطر حفظ مصالح اهم جامعه ی اسلامی می تواند موقتاً آن حکم شرعی اولی را تعطیل کند و مصالح جامعه را بر آن مقدم بدارد. مثلاً در فقه اسلامی، تخریب مسجد، حرام می باشد. حال اگر به تخریب مسجدی جهت خیابان کشی حاجت افتد، چه باید کرد؟ دیدگاه مخالف ولایت مطلقه بر آن است که صرف مصلحت اهم اجتماعی، مجوز تخریب مسجد نیست و تا زمانی که کار به ضرورت نرسد نمی توان دست به این کار زد. ولایت مطلقه فقیه از قواعد رافع تراحم است یعنی، مطلق بودن ولایت گره گشا، در

تزام احکام و مصالح اجتماعی است. ولایت مطلقه، خود، مقید به قیودی است نه اینکه از هر حیث مطلق باشد. قیودی که در اعمال ولایت مطلقه وجود دارد عبارت است از: 1- مصلحت 2- اهم بودن 3- اجتماعی بودن 4- فقاہت و عدالت. به عبارت دیگر ولی فقیه نمی تواند: الف - به طور دلخواهی و بدون رعایت مصالح جامعه اقدامی بکند.

ب - مصلحت مورد نظر در اینجا مصالح امت است، نه شخص ولی فقیه.

ج - تنها مصالحی را می تواند بر احکام نخستین مقدم دارد که از نظر اهمیت دارای رتبه بالاتری بوده و شارع مقدس راضی به ترک آن ها نباشد.

د - قید مهم دیگر قید فقاہت است یعنی ولی امر هرگز خارج از محدوده شریعت و فقاہت اعمال ولایت نمی کند و علاوه بر همه این ها ولایت، مقید به عدالت است.

### **130. چگونه ولایت فقیه می تواند مطلقه باشد در حالی که خبرگان رهبری می توانند ولی فقیه را از ولایت عزل نمایند؟**

مقصود از ولایت مطلقه فقیه آن است که دایره ی اختیارات ولی فقیه محدود به احکام اولی و ثانوی و قوانین مدون نیست. بلکه هرگاه مصالح عالی و الزامی جامعه ی اسلامی ایجاب کند که موقتا برنامه ای بر خلاف آن ها انجام شود، ولی فقیه می تواند به آن کار اقدام نماید. ولایت مطلقه، خود مقید به مصالح است. از همین رو قابل کنترل می باشد لذا باید اهرم کنترل کننده و نظارتگری در کنار آن باشد و آن همان مجلس خبرگان است. افزون بر آن، ولی فقیه در صورت از دست دادن شرایط رهبری، از نظر ثبوتی، خود به خود معزول است و نقش مجلس خبرگان جنبه اثباتی دارد یعنی، فقدان شرط لازم را کشف و عزل وی را در جامعه اعلام می نماید.

ج) با توجه به نصب عام فقها، نظریه ولایت فقیه، اختصاص به زمان غیبت ندارد. بلکه در زمان حضور اگر دسترسی به امام معصوم ممکن نباشد، این نظریه باید اجرا گردد، زیرا محتوای این نظریه چیزی جز چاره جویی برای مردمی که دسترسی به امام ندارند، نیست، پس ریشه این نظریه را در زمان حضور معصوم نیز می توان دید. (1) فقها، مسأله ولایت فقیه را در ابواب مختلفی از جمله در کتاب های جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، انفال، حدود، دیات و غیره مطرح کرده اند. مرحوم شیخ مفید از فقهای بزرگ در قرن چهارم و پنجم هجری است. او در کتاب «المقنعه» باب امر به معروف و نهی از منکر پس از بیان مراتب این دو فرضیه، وقتی به بالاترین مرحله یعنی کشتن و صدمه زدن می رسد می نویسد: مکلف در مقام امر به معروف و نهی از منکر، حق کشتن یا جراحت وارد کردن را ندارد مگر آن که سلطان و حاکم زمان که برای تدبیر و اداره امور مردم منصوب شده اجازه دهد. سپس در ادامه می نویسد: «اما مسأله اجرای حدود الهی، مربوط به سلطان و حاکم اسلامی است که از سوی خداوند متعال نصب می شود این ها عبارتند از: امامان هدایت از آل محمد (علیه السلام) و کسانی که امامان (علیه السلام) آن ها را به عنوان امیر یا حاکم نصب کنند و امامان اظهار نظر در این مطلب را به فرض امکان آن به فقهای شیعه و پیر و خود واگذار کرده اند.» همچنین سایر فقهای بزرگوار شیعه از جمله: شیخ طوسی (460 هجری) در کتاب النهایه، علامه حلی (771 هجری) در کتاب قواعد، شهید اول (786 هجری) در کتاب دروس، شهید ثانی (965 هجری) در کتاب مسالک، ابن فهد حلی (841 هجری) در کتاب المهذب، محقق کرکی (940 هجری) در کتاب وسایل، ملا احمد نراقی (1245 هجری) در کتاب عوائد الایام و شیخ

ص: 156

محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر (1266 هجری) در کتاب جواهر الکلام ج 21 و 16 و 15، در مورد تأیید و ضرورت ولایت فقیه در عصر غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مطالب مهم و ارزنده ای را بیان داشته اند و آن را از ضروریات فقه شیعه دانسته و فقیه را به عنوان ولی امر جامعه که اطاعتش بر همگان واجب می باشد، معرفی کرده اند.

### 132. علت ناشناخته ماندن اصل ولایت فقیه چیست؟

ج) شاید مهمترین عامل ناشناخته ماندن اصل ولایت فقیه در گذشته انزوای مذهب تشیع از ورود به صحنه ی سیاست جهانی و تشکیل یک حکومت الهی و اسلامی واقعی بوده است که همیشه از سوی دشمنان اسلام سرکوب و هر قیام شیعی به خاک و خون کشیده می شده است، در نتیجه مبانی علمی و عقیدتی این نظام حیات بخش تنها در کتاب های استدلالی و درس های حوزوی، آن هم به طور اختصار، مطرح می گردیده و به تدریج از جایگاه اصلی خود (علم کلام و عقاید) نقل مکان کرده و به علم فقه وارد شده و به سبب عدم امکان دستیابی به مواد و موارد مرفقی آن که اصول و قوانین حکومت باشد، به ناچار در محدوده ی اموال «غایب و قاصر» یعنی اموال مفقودان و نابالغان و مانند آن باقی مانده است. حضرت امام خمینی (قدس سره) یکی از عوامل ناشناخته ماندن حکومت اسلامی که ولی فقیه جامع شرایط در راس آن قرار داشته باشد را کم کاری و اغفال بعضی از عالمان دینی دانسته و می نویسد: «دست های اجانب برای این که مسلمین و روشنفکران مسلمان را که نسل جوان ما باشند، از اسلام منحرف کنند و سوسه کرده اند که اسلام چیزی ندارد، اسلام پاره ای احکام حیض و نفاس است! حق هم همین است! آخوندهایی که اصلاً به فکر معرفی نظریات و نظامات و جهان بینی اسلام نیستند و عمده وقتشان را صرف کاری کنند که آن ها می گویند و سایر کتاب های (فصول) اسلام را



فراموش کرده اند، باید مورد چنین اشکالات و حملاتی قرار بگیرند آن ها هم تقصیر دارند، مگر خارجی ها تنها مقصرند؟ البته بیگانگان برای مطامع سیاسی و اقتصادی که دارند از چند سال پیش اساس را تهیه کرده اند و به واسطه ی اهمالی که در حوزه های روحانیت شده موفق گشته اند. کسانی که در بین روحانیون بوده اند که ندانسته به مقاصد آن ها کمک کرده اند تا وضع چنین شده است. (1) در موقعیتی که معصوم منصوب از سوی خدا بر کارهای اجتماع حاکمیت ندارد چه باید کرد؟ آیا می توان گفت در چنین موقعیتی حکومت را رها کنیم؟! چنین سخنی مقبول نیست زیرا در جای خودش ثابت شده است که اصل حکومت در هر جامعه ای ضرورت دارد. در اینجاست که ولایت فقیه ربا استناد به اصل تنزیل تدریجی ضروری می دانیم. فقیه جامع شرایط بدل امام معصوم (علیه السلام) است و در رتبه بعد از او قرار دارد. البته فاصله میان معصوم و فقیه عادل بسیار است ولی فقیه جامع شرایط نزدیک ترین و شبیه ترین افراد به اوست در امر حکومت ظاهری بر مردم. حاصل آن که خدای متعال در مرتبه اول حاکمیت است پس از او رسول الله (صلی الله علیه واله) و سپس امامان معصوم (علیه السلام) حاکم شرعی اند و اینجا سؤال دیگری مطرح است آیا پس از این مرتبه چهارمی در حاکمیت وجود دارد؟ باید گفت در زمان غیبت امام معصوم طبق دیدگاه شیعیان ولی فقیه مرتبه چهارم از حاکمیت را دارد، زیرا فقیه جامع شرایط به امام معصوم نزدیکتر است. حکم فقیه جامع شرایط در تمامی فروع احکام شرعی و موضوعات آن حجت و نافذ است زیرا مقصود از لفظ «حاکم» که در روایت آمده نفوذ حکم او در تمامی شؤون و تمامی زمینه هاست و مخصوص مسائل قضایی نیست و این همانند آن است که سلطان وقت، کسی را به عنوان حاکم تعیین کند، که مستفاد از آن تسلط او بر تمامی آنچه مربوط به شؤون حکومت است چه جزئی باشد و چه کلی. لذا لفظ «حکم» را که مخصوص باب قضاوت است به کار نبرده بلکه لفظ «حاکم» را که

ص: 158

### 133. ساده ترین دلیل عقلی بر ولایت فقیه چیست؟

ج) می توان با توجه به یک اصل عقلانی، ولایت را تبیین کرد و آن این است که اگر امری برای عقلا مطلوب بود ولی به دلایلی تحقق آن مشکل یا ناممکن گشت، بطور کلی دست از آن بر نمی دارد بلکه مرتبه نازل تر آن را انجام می دهند و به تعبیر دیگر از اهم دست می کشند و به مهم می پردازند. آن ها در امور مهم نیز این درجه بندی را رعایت می کنند. اساسا درجه بندی اهمیت امور به همین منظور است که اگر به دلیل شرایطی امر درجه اول ناممکن یا مشکل شد امر درجه دوم را جایگزین و بدل آن قرار دهند. این اصل عقلایی را «تنزل تدریجی» می نامیم. که آن را اسلام نیز پذیرفته است. در فقه موارد فراوانی داریم که در آن ها این اصل اجرا شده است. برای توضیح این مطلب به دو مثال اکتفا می کنیم.

1- فرض کنید کسی قصد خواندن نماز را دارد. ایده آل آن است که نماز به حالت ایستاده خوانده شود، ولی اگر شخصی به علت بیماری قادر به خواندن نماز ایستاده نیست آیا باید نماز را رها کند؟ همه فقها میگویند هر مقدار از نماز را می تواند ایستاده بخواند، نتواست، نشسته بخواند در مرتبه بعدی اگر شخصی نماز را نمی تواند ایستاده بخواند، دستور فقهی این است که نشسته بخواند و اگر نشسته هم نمی تواند، خوابیده بخواند.

2- اگر کسی چیزی را برای جهت خاصی وقف کرد مثلا منافع باغی را وقف شمع حرم امام معصوم (علیه السلام) کرد اکنون که شمعی وجود ندارد منافع آن باغ را چه کنند؟ آیا می توان گفت چون مورد مصرف اولی منتفی است این مال موقوفه را رها کنیم؟! یقینا چنین نیست باید در نزدیکترین مورد روشنایی مصرف کنیم. مثلا منافع آن باغ را هزینه

برق نمائیم، زیرا برق نزدیک ترین امر به شمع است. این را «تنزل تدریجی» می نامیم که اصطلاحاً «الأهم فالأهم» نیز نامیده می شود. فقیه عادل نزدیک ترین فرد به امام معصوم، بر اساس نظام عقیدتی اسلام است و حاکمیت از آن خداست و خدای متعال نیز در اداره امور اجتماعی انسان ها دخالت مستقیم نمی کند و حاکمیت را به انبیاء و امامان معصوم واگذار کرده است. پس در زمان غیبت امام معصوم و در دسترس نبودن او، امر حکومت به فقیه جامع شرایط داده شده است.

### 134. آیا اطاعت از ولی فقیه واجب است یا خیر؟

ج) بنابر نظریه نصب ولایت مطلقه فقیه، اطاعت از ولی فقیه لازم و واجب است. اما برخی گفته اند اگر در مورد رسول خدا(صلی الله علیه واله) امر به اطاعت شده است او رسولی است که تحت نظر الهی قرار داشته و هرگز از هوای نفس سخن نمی گوید، به چه دلیل اطاعت از رسول خدا و امامان معصوم به کسانی منتقل می شود که غیر معصوم و در معرض خطا هستند. اما باید توجه داشت که لزوم اطاعت، نزول وحی نیست، چون اطاعت از امامان معصوم نیز واجب است. از طرفی اطاعت از نماینده امام هم به همان علت که اطاعت از امام واجب است به طور مطلق واجب می باشد. زیرا رهبری جامعه اسلامی بدون آن امکان پذیر نیست. ضمن این که صرف احتمال خطا نمی تواند مانع از اطاعت در امر مهم و خطیری چون اداره جامعه اسلامی و حکومت دینی گردد. مقام معظم رهبری در پاسخ به پرسشی در این زمینه می فرماید: «بر اساس مذهب شیعه بر تمام مسلمانان لازم است از حکم ولایی ولی فقیه اطاعت کنند و تسلیم امر ونهی ولی فقیه باشند و این حکم، وقتی شامل فقهای عظام نیز می شود پس چگونه مقلدین آنان را شامل نباشد؟ در نظر ما التزام به ولایت فقیه همان التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین (علیه السلام) است و قابل فصل و جدایی

نیست.»<sup>(1)</sup> او در پاسخ به پرسش دیگری می‌فرماید: «واجب است بر هر مکلف، اگر چه خودش فقیه باشد، اطاعت او امر حکومتی ولی امر مسلمین را بنماید، برای هیچ کس جایز نیست با تصدی امور ولایت به بهانه آن که خودش لایق تر است مخالفت کند. این در حالی است که متصدی منصب ولایت از راه های قانونی به این مقام رسیده باشد که در غیر این صورت فرق خواهد کرد.»<sup>(2)</sup>

### 135. جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

ج 1- قانون اساسی در اصل اول، ضمن بیان شکل حکومت، مسأله ولایت فقیه را بیان کرده است.

2- در مقدمه قانون اساسی تحت عنوان حکومت اسلامی و نیز تحت عنوان شیوه ی حکومت و تحت عنوان مستقل ولایت فقیه به این بحث پرداخته شده است.

3- در اصل دوم قانون اساسی ضمن بیان پایه های ایمان نظام در بند پنجم و قسمت الف بند ششم به بحث ولایت فقیه پرداخته شده است.

4- در اصل چهارم تاکید شده است که همه ی قوانین و مقررات در نظام جمهوری اسلامی باید طبق موازین اسلام باشد.

5- در اصل پنجم قانون اساسی، اختصاصاً ولایت امر و امامت امت بر عهده ی فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر گذاشته شده است.

6- فصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مشتمل بر اصول (یکصد و هفتم، یکصد و هشتم، یکصد و نهم، یکصد و دهم، یکصد و یازدهم و یکصد و دوازدهم می باشد) مختص بحث رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

ص: 161

---

1- مقام معظم رهبری، اجوبه الاستفتائات، ج 1 ص 25

2- همان ص 26

7- طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصل یکصد و هفتاد و هفتم، بازنگری در قانون اساسی زیر نظر رهبری می باشد و همچنین طبق اصل یکصد و هفتاد و پنجم نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است.

به هر حال یکی از محوری ترین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل مترقی ولایت است. که ویژگی ها و وظایف و حدود اختیارات و چگونگی گزینش و انتخاب و نیز صفات و ویژگی های رهبری در اصول متعددی از این قانون اساسی برجسته و بی نظیر بیان گردیده است.

### 136. دلایل نقلی اثبات ولایت فقیه را بیان کنید.

ج) 1- قال رسول الله (صلی الله علیه واله): **اللَّهُمَّ ارْحِمْ خُلَفَائِي - ثَلَاثَ مَرَاتٍ - قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَائِكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَأْتُونَ بَعْدِي يَرَوُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي ثُمَّ يَعْلَمُونَهَا.** (1) پیامبر فرمود: خدایا جانشینان مرا پیامرز (این سخن را سه بار تکرار کرد گفته شد ای پیامبر خدا جانشینان تو چه کسانی هستند؟ گفت: آنان که پس از من می آیند، حدیث و سنت مرا روایت می کنند و آن را یاد می دهند.

2- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): **الْفُقَهَاءُ أَمْنَاءُ الرَّسُولِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا؟**

قال: **اتَّبَعَ السُّلْطَانَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ.** (2) پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: فقیهان امانتدار پیامبرانند تا زمانی که در دنیا وارد نشده باشند، گفته شد ای رسول خدا مفهوم وارد شدن آنها در دنیا چیست؟ پاسخ داد: اطاعت از پادشاهان، اگر به این کار پرداختند از آنان بر دینتان بترسید و پرهیز کنید.

ص: 162

---

1- وسائل الشیعه ج 18 ص 65.

2- اصول کافی، ج 1 ص 46.

3- عمر بن حنظله از امام صادق (علیه السلام) سؤال می کند که اگر بین دو نفر از یاران ما، در قرض یا میراث اختلاف پیش آمد، می توانند برای حل نزاع به نزد پادشاه و قاضیان حکومت بروند؟ امام پاسخ می دهد: «کسی که امرحق یا باطل را برای داوری نزد آن ها ببرد داوری نزد طاغوت برده و آنچه آن ها برای او حکم کنند و آن را بگیرد حرام است، هر چند که حق با او باشد زیرا به فرمان طاغوت گرفته است، خدا دستوری جز کافر شدن به طاغوت نداده است، سؤال می کند پس آن ها چه کنند؟ امام پاسخ می دهد: «در بین خودتان بنگرید که چه کسی حدیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام ما مطالعه نموده و احکام ما را می شناسد، پس او را به عنوان قاضی و داور بپذیرند و من، او را بر شما حاکم قرار می دهم پس زمانی که به حکم ما داوری کردند اگر از او نپذیرند حکم خدا را کوچک شمرده و ما را رد کرده اند و کسی که ما را رد کند در واقع خدا را رد کرده و این در حد شرک به خدا است».(1)

4- امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پاسخ به اسحق بن یعقوب فرمود: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَإِنَّا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» اما در رویدادهای زمان باید به راویان حدیث ما رجوع کنید، آنان حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا برایشان می باشم.(2)

5- در حدیثی طولانی حضرت امام رضا(علیه السلام) برای لزوم حکومت و رهبری امت سه علت را بیان فرموده که عبارتند از:

الف) اجرای قوانین الهی و جلوگیری از تجاوزات و تعدیات مردم نسبت به یکدیگر .

ب) بستگی بقاء و حیات هر ملتی به حکومت و رهبری عالم و عادل است.

ج) حفظ اصول و فروع دین و مکتب، وابسته به وجود امام و رهبر عالم و عادل است.

ص: 163

---

1- وسائل الشیعه ج 18 ص 99-98.

2- کمال الدین ص 484 - 483.

6 - حضرت علی (علیه السلام) فرمود: واجب است در حکم خدا و حکم اسلام بر مسلمین، این که هیچ عملی را انجام ندهند و دست به سوی چیزی و یا کاری دراز نکنند و قدم در هیچ مسأله ای برندارند قبل از آنکه برای خود اختیار نمایند رهبری عقیف و متورع و عارف به احکام و مسائل قضائی و سنت رسول خدا، که جمع کند فیء (اموال عمومی) آن ها را و بپا دارد حج و جمعه آنان را و جمع نماید صدقات آن ها را.

7- مردم، صالح و شایسته نمی شوند مگر به وسیله ی امام، و زمین اصلاح نمی گردد مگر با همان امام.

8- حکومت مردم اصلاح نمی شود و حدود و مجازات ها و جمعه اقامه نمی گردد مگر به توسط امامی عادل.

- امام باقر (علیه السلام) می فرماید: خدای تعالی فرموده است هر آینه عذاب می کنم مردمی که در اسلام تن به ولایت هر امام ستمگری که از طرف خدا نیست می دهند و عفو می کنم مردمی را که تحت سرپرستی و ولایت امامی عادل که از طرف خداست قرار گرفته اند. (1)

### 137. یک دلیل عقلی در اثبات ولایت فقیه بیان کنید.

ج) شکی نیست که حکومت از ضروری ترین نیازهای یک جامعه است و بدون حکومت، اختلال نظام در اجتماع انسانی پدید می آید و بدون آن ادامه ی حیات اجتماعی امکانپذیر نیست. و از طرفی می دانیم که اسلام به همه نیازها و ضرورت های انسان پاسخ مثبت داده و برای آن قانون وضع نموده است، تا آن جا که برای مسائل غیر ضروری و پیش پا افتاده نیز احکامی قرار داده است. نتیجه آن که باید در زمان غیبت امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز پیش بینی لازم را برای ضروری ترین و حیاتی ترین مسائل جامعه که حکومت

ص: 164

---

1- برای آشنا شدن با دلایل نقلی اثبات ولایت فقیه، به کتاب های امام خمینی (ره)، استاد جوادی آملی، آیت الله طاهری خرم آبادی و آیت الله معرفت در مورد ولایت فقیه رجوع کنید.

است نموده باشد و نمی شود باور کرد که اسلام برای این مقطع از زمان که ممکن است طولانی هم باشد هیچ نوع پیش بینی نکرده باشد. زیرا فرض این که در جامعه ای حکومت اسلامی نباشد مساوی است با این که اسلام نباشد. چه این که قوانین اجتماعی و سیاسی اسلام از قبیل مسائل اقتصادی، حدود، دیات، قصاص، قضاوت و ... همگی با نبود حکومت، تعطیل و تنها مسائل اخلاقی و عبادی باقی می ماند که آن هم در یک حکومت طاغوتی و غیر اسلامی به طور صحیح و کامل پیاده نخواهد شد و در نتیجه هیچ کدام از احکام و مسائل اسلامی بدون حکومت و نظام اسلامی بطور کامل اجرا نمی گردد. بدیهی است که اسلام برای همه زمان ها و همه ی انسان ها است و محدود به زمان پیامبر و ائمه اثنی عشر سلام الله علیهم نیست. بنابراین برای حفظ نظام و پیاده شدن اسلام که قطعا مطلوب و مورد در خواست خداوند است حکومت هم مطلوب و خواسته ی او است، و از اموری است که لازم است جامعه ی مسلمین در انجامش بکوشند و با توجه به هدف از حکومت که بسط عدالت و اجرای قوانین اسلام و تربیت جامعه به آداب اسلامی است ناچار باید در رأس حکومت، فقیه عادل و مدیر و آگاه به زمان قرار گیرد تا حکومت اسلامی پیاده شود.

### **138. صفات و شرایط ولی فقیه چیست؟**

ج) جایگاه رفیع و قداست ویژه رهبر اسلامی و ولی فقیه از یک سو و اعطای امتیازات گسترده به مقام ولایت و امامت از سوی دیگر، سبب می شود که رهبری، واجد شرایط خاص و ویژگی ها و صفات فوق العاده ای باشد تا از عهده ی انجام رسالت خویش به خوبی بر آید و نیز صفاتی که لازم است در ولی فقیه و زمامدار باشد، تناسب خاصی با نوع حکومت و اهداف آن دارد، بطوری که پیاده شدن هدف ها و رسیدن به آرمان های حکومت بستگی به وجود این صفات دارد. به طور کلی می توان شرایط و صفات ولی امر



1- فقاہت و به عبارت دیگر، اجتهاد و شناخت قانون الهی.

2- عدالت و تقوا.

3- لیاقت و کاردانی (مدیریت، تدبیر، شجاعت، آگاهی به زمان، بصیرت و داشتن بینش صحیح سیاسی و اجتماعی).

در روایات اسلامی نیز اشاراتی بر این صفات شده است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم: امام حسین (علیه السلام) در نامه ای به مردم کوفه نوشتند و فرمودند: «فَلْعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَلِكَ لِلَّهِ» (1)، به جان خودم سوگند پیشوا و امام، نیست مگر آن کسی که حکومتش بر پایه قرآن باشد، قسط را بر پا دارد، به دین حق پایبند باشد و خود را وقف راه خدا کند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الْحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَعَلِمَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ» (2) ای مردم شایسته ترین فرد به حکومت و ولایت، کسی است که بر آن توانا تر باشد و نسبت به فرمان خداوند متعال در امور حکومت داناتر باشد. احادیث بسیاری در خصوص رهبری جامعه اسلامی از امامان معصوم ثبت شده است که این امر قطعه تصادفی نبوده است زیرا هر پدیده ای تابع حکمتی است و حکمت این احادیث بیشتر برای دوران عصر غیبت است. با توجه به آنچه به عنوان شرایط ولی فقیه و رهبر حاکم اسلامی گفته شد، معلوم می شود که مرجعیت جزء شرایط لازم ولایت فقیه نیست هر چند ممکن است ولی فقیه، مرجع نیز باشد. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «من از ابتدا معتقد بودم و اصرار داشتم که شرط مرجعیت لازم نیست، مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می کند. اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای

ص: 166

1- الارشاد شیخ مفید، ترجمه ساعدی خراسانی، ص 381

2- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 173، ص 247.

حکومتشان تعیین کنند، وقتی آن‌ها هر فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد رهبری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است. در اصل قانون اساسی من این را می‌گفتم ولی دوستان در شرط مرجعیت پافشاری کردند من هم قبول کردم. من در آن هنگام می‌دانستم که این در آینده ای نه چندان دور قابل پیاده شدن نیست.» (1)

### 139. آیا عدم عصمت ولی فقیه مانع اطاعت از او نمی‌گردد؟

ج) باید گفت با توجه به عدم عصمت ولی فقیه و احتمال خطا و اشتباه، این احتمال مانع اطاعت از او نمی‌گردد. یعنی چنین نیست که اگر کسی معصوم نبود اطاعت او لازم نباشد. اگر به سیره عملی مراجع شیعیان توجه کنیم می‌یابیم آن‌ها بی‌چون و چرا معصوم نبوده بلکه با تغییر فتوای مرجع می‌فهمیدند نه تنها او عصمت ندارد که قطعاً اشتباه هم کرده است زیرا یا فتوای پیشین او خطا بوده و یا فتوای جدیدش. همچنین از اختلاف فتاوی‌های مراجع معلوم می‌شود بعضی از آنان دچار خطای در فتوا شده‌اند ولی با این حال هیچ‌کس اندک تردیدی در وجوب تقلید از مراجع ندارد.

### 140. آیا احتمال خطا در ولی فقیه موجب عدم اطاعت از او می‌شود؟

ج) شکی نیست که هر جامعه‌ای نیازمند حکومت است و قوام حکومت به دو امر است. یکی حق حاکمیت؛ یعنی کسانی حق داشته باشند دستور بدهند و فرمان صادر کنند و دیگری ضرورت اطاعت و فرمانبرداری. اگر یکی از این دو تحقق نیابد حکومتی به وجود نمی‌آید. حال اگر احتمال خطا مجوز سرپیچی از دستوره‌های حاکم باشد چون این احتمال هیچ‌گاه منتفی نیست اطاعت از حاکم هیچ‌گاه تحقق نخواهد یافت و یک رکن

ص: 167

حکومت محقق نخواهد شد پس حکومت از بین خواهد رفت. اطاعت نکردن از حاکم موجب هرج و مرج و اختلال نظام جامعه می گردد. ضرر ناشی از این هرج و مرج بسیار بیشتر از ضرری است که گاه در اثر اطاعت از یک دستور اشتباه به جامعه وارد می شود. در تمام موارد مذکور روش خردمندان اعتنا نکردن به احتمالات ضعیف به هنگام عمل است. حال اگر به خصوصیات ولی فقیه توجه کنیم و در نظر داشته باشیم که حاکم اسلامی همیشه در هر کاری با صاحب نظران و متخصصان مشورت می کند و بعد تصمیم می گیرد و مردم هم وظیفه دارند از خیر خواهی و مصلحت اندیشی برای حاکم شرعی مضایقه نکنند احتمال خطا تا حد بسیاری کاهش می یابد و دیگر معقول نیست از دستورهای او سرپیچی کنیم.

### 141. آیا نظام ولایت فقیه همان نظام توتالیتر و دیکتاتوری نیست؟

ج) عده ای مطرح کرده اند، که اگر محور اصلی حکومت اسلامی ولی فقیه جامع شرایط باشد و احکام حکومتی او لازم الاجرا باشد حکومت دیکتاتوری به وجود می آورد. به عبارتی، ولایت فقیه به معنای حاکمیت رأی و نظر یک فرد در رأس نظام، بر ملت است و این نوعی حکومت استبدادی به نام دین است که در اصطلاح فرهنگ سیاسی به آن «نظام توتالیتر» می گویند. لازم است مطالبی را در این جا راجع به توتالیتریانسیسم بیان کنیم تا فرق آن با نظام ولایت فقیه مشخص گردد. «توتالیتر» Totalitar به معنای تام گرا، تمامیت خواه، مطلق گرا، یکه تاز و استبداد فراگیر است. می گویند این نظام دیکتاتوری نه تنها حکومت را کنترل می کند، بلکه در این نظام اقتصاد، خانه، مطبوعات، رادیو، سینما، کلیسا و اگر بتواند روح و فکر تمام مردم در کنترل رهبری قرار دارد. ظاهرا این واژه را موسولینی ابداع کرده است. ویژگی های عمده توتالیتریانسیسم عبارتند از

1- ایدئولوژی: در نظام توتالیتر ایدئولوژی یک نظریه رسمی و اعلام شده پیش شخص یا حکومت است که تمام مردم زیر سلطه، باید آن را به ظاهر هم که شده، بپذیرند. یعنی در حقیقت جهان را آن گونه ببینند که شخص جناب حاکم و دیکتاتور میخواهد. این نوع حکومت ها یک سراب آبادی را به نقطه اوج جامعه خودشان به شکل خیالی تصویر می کنند.

2- رهبر: هر رژیم توتالیتر دارای سلسله مراتبی است که در رأس آن یک رهبر وجود دارد. معمولاً- این رهبر عنوان ویژه ای برای خود انتخاب می کند. مثلاً هیتلر همیشه اصرار داشت که او «مردم آلمان» است. ستایش های غیر عادی از رهبر یکی از مشخصات این رژیم ها است که گاهی تا مقام پرستش، او را بالا می برند و در حقیقت رهبر به صورت یک «بت» به تمام معنی در می آید.

3- حزب: حکومت دارای یک حزب سراسری و تشکیلات شبه نظامی و حتی نیمه نظامی (مثل نازی ها) است.

4- استفاده از ترور و ارباب و فشار برای نیل به اهداف خود.

6- کنترل متمرکز و شدید وسایل ارتباطات و تبلیغات.

6 - انحصار قدرت: تمامی قدرت نظامی در دست حکومت و دولت توتالیتر است.

7- کنترل اقتصادی متمرکز: که در حقیقت همین کنترل هم هست که بیشترین قدرت را در دست دیکتاتور متمرکز می سازد.

8- ضدیت با فرهنگ و معنویت: کافی است برای نمونه به تاریخ هنر و فرهنگ در شوروی و آلمان (در زمان هیتلر) و موسولینی در ایتالیا، نظری شود و ادبیات و هنر فرمایشی این نظام ها مورد دقت قرارگیرد. (1)

با توجه به آنچه بیان شد و آنچه که می آید کاملاً معلوم می شود که نظام مبتنی بر

ص: 169

---

1- واژه نامه اجتماعی - سیاسی اسلامی، حسین رهجو، ص 85-86

ولایت فقیه، ضدیت عمیقی با شیوه حکومت توتالیتریالیسم دارد.

ذیلاً تفاوت حکومت توتالیتیر و حاکمیت ولایت فقیه بیان می شود:

1- توتالیتیر، حاکمیت مطلقه فرد دیکتاتور و یا نظام مستبد است در صورتی که در نظام مبتنی بر ولایت فقیه حاکمیت از آن شخصیت فقیه است و شخص ولی فقیه نیز ملزم به رعایت اصول است و خواسته های فردی و شخصی او دخالتی در امور جامعه مسلمین ندارد و نباید هم داشته باشد، اگر چه عنوان ولایت فقیه در شخص ولی فقیه تبلور می کند، به عبارت دیگر، در حکومت های توتالیتیر کسانی غیر از زور مداران حاکم، مشمول قانون هستند، از این رو همواره منافع خاص حاکم یا حاکمان، مدار تصمیم و تصویب است نه مصالح عمومی! هرگز تعدد حیثیت و مرزبندی میان منافع شخصی و مصالح نوعی وجود نداشته و با یکدیگر آمیخته شده است. اما بر اساس اندیشه دینی حکومت، ولی فقیه دارای دو حیث حقوقی یا منصبی و حقیقتی و یا شخصی است. از لحاظ حقیقی، فردی از آحاد ملت و امت اسلامی است و مشمول قانون و در مقابل آن پاسخگو می باشد. و به لحاظ حقوقی که در واقع به بینش و دانش خاص دینی و صلاحیت های عملی او بر می گردد یک «دین شناس برتر» است، لذا در جامعه دینی قول و حکم او مسموع و مقبول و حتی الزامی است.

2- در نظام توتالیتیری، هدف (انسانی یا غیر انسانی، مقدس یا غیر مقدس) وسیله را توجیه می کند، حال آن که در نظام ولایت فقیه، هدف مقدس و انسانی، وسیله را توجیه نمی کند و از هر وسیله ای برای وصول به هدف نمی توان استفاده کرد.

3- در نظام توتالیتیری، حاکمیت فراگیر بر تمامی گستره، ابعاد و مراتب وجودی ملت و مردم، نوعاً برون زا، عارضی و تحمیلی است، در صورتی که در نظام مبتنی بر ولایت فقیه، این خصیصه مبتنی و منبعث از ایمان و اعتقاد و نیز گرایش آزادانه، اختیاری و انتخاب خود ملت و مردم است و به اصطلاح درون زا می باشد.

بد نیست اشاره کنیم که القای این شبهه در مورد ولایت فقیه تازگی ندارد، در آغاز انقلاب به هنگام بحث درباره قانون اساسی در مجلس خبرگان به صورت گسترده ای این شبهه شایع شد، تا آنکه امام خمینی فرمود: مَعَ الْأَسْفِ اشخاصی که اطلاع ندارند بر وضعیت برنامه های اسلامی، گمان می کنند که اگر چنانچه ولایت فقیه در قانون اساسی بگذرد این اسباب دیکتاتوری می شود، در صورتی که ولایت فقیه است که جلوی دیکتاتوری را می گیرد. اگر ولایت فقیه نباشد دیکتاتوری می شود. اسلام حکومتش، حکومت قانون است یعنی قانون الهی، قانون قرآن و سنت است و حکومت، حکومت تابع قانون است. یعنی خود پیغمبر هم تابع قانون بود، امیر المؤمنین هم تابع قانون بود، تخلف از قانون یک قدم نمی کردند و نمی توانستند بکنند. (1)

## 142. رابطه ولی فقیه با سایر قوای مملکت چگونه است؟

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست هم او که انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کسی نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طریقی که در اصول قانون اساسی آمده است اعمال می کند. قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوای مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، که زیر نظر ولایت مطلقه ی امر امامت امت بر طبق اصول قانون اساسی اعمال می گردند بدیهی است این قوا مستقل از یکدیگرند. اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است. اعمال قوه ی مجریه جز در اموری که در قانون اساسی مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و وزرا است. اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی، گسترش و

ص: 171

اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد. نصب عالی ترین مقام قوه قضائیه از وظایف و اختیارات رهبری است هم چنان که حل اختلافات و تنظیم قوای سه گانه نیز به عهده رهبری است.

### 143. تفاوت فتوا و حکم چیست؟

ج) فتوا به معنی رأی مجتهد در مسائل شرعیه می باشد. باید دانست مجتهدی را که بر اساس موازین شرعیه صاحب فتوا می باشد حاکم شرع نیز می گویند. حکم در مسائل مربوط به اداره کشور و مسائل و اموری است که به عموم مسلمانان ارتباط دارد و از سوی ولی امر مسلمین صادر می شود که باید همگان آن را اطاعت کنند. اما در مسائل فردی هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید. اطاعت از حکم ولی امر مسلمین وظیفه ی همه آحاد مسلمین می باشد و اطاعت از حکم ولی فقیه بر همگان واجب است.

### 144. انواع و مراتب و سیر نزولی ولایت از نظر اسلام کدامند؟

در اسلام به چند نوع ولایت برخورد می کنیم که عمده ترین آن ها عبارتند از :

1- ولایت الله

2- ولایت رسول الله (صلی الله علیه واله)

3- ولایت امام معصوم (علیه السلام)

4- ولایت فقیه

ولایت فقیه از ولایت امام معصوم و از ولایت رسول الله (صلی الله علیه واله) و از ولایت الله سرچشمه می گیرد و به تعبیر دیگر این سه درجه از ولایت از ولایت الله ناشی می شوند. به هر حال ولایت فقیه عادل یعنی حق سرپرستی و مدیریت طبقه علما و فقهای صالح و

ص: 172

متقی، بر امت اسلامی به نیابت از امام معصوم (علیه السلام) و در راستای تحقق همه معروف ها و احکام و قوانین شرع مطهر اسلام و ریشه کن کردن همه منکرات و امراض مادی و معنوی از جامعه اسلامی، ولایت فقیه عادل، ولایتی عقلایی و شرعی است که هدف آن رساندن امت به رشد کامل و زندگی پاک و درست و عادلانه در همه ابعاد مادی و معنوی و نهایتاً تحصیل سعادت دنیوی و اخروی است. پس اساس ولایت و حکومت در اسلام ولایت الله است لذا در اسلام حکومت از آن خداست و سایر حکومت ها و ولایت های اسلامی تنزل یافته ی حکومت و ولایت خداوند می باشد و هر یک، جلوه ای از تجلیات حکومت و ولایت الله به شمار می روند و در همین مورد است که حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند (وَلَا يَتَنَا وَلَا يَهِّ اللَّهُ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِهَا).<sup>(1)</sup> ولایت ما ولایت خداست، آن ولایتی که هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر به همان ولایت.

### 145. آیا ولایت فقیه فقط در امور حسبه است؟

ج) ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد، اگر کسی به نظر خود بر استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بر او جایز نیست. براساس مذهب شیعه همه ی مسلمانان باید از امر ولایتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند، این حکم شامل فقهای عظام هم می شود، چه رسد به مقلدین آن ها. به نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام اسلام و ولایت ائمه ی معصومین (علیه السلام) نیست. بنابراین ولایت فقیه از شئون ولایت و امامت است که از اصول مذهب می باشد. با این تفاوت که احکام مربوط به ولایت فقیه مانند سایر احکام فقهی از ادله شرعی استنباط می شوند و کسی که به نظر

ص: 173

---

1- اصول کافی جلد اول، کتاب حجت.



خود بر اساس استدلال و برهان به عدم پذیرش ولایت فقیه رسیده، معذور است.

#### **146. آیا اطاعت از حکم حکومتی بر همگان واجب است؟**

ج) اطاعت از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین بر هر مکلفی ولو این که فقیه باشد، واجب است و برای هیچ کس جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته ترست، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راه های قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد. ولی در غیر این صورت، مسأله بطور کلی تفاوت خواهد داشت. به هر حال اجرای قوانین اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و قضایی و جزایی اسلام در زمان غیبت امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اهم واجباتی است که اجرای آنها اختصاص به ولایت فقیه و ولی امر مسلمین دارد.

#### **147. آیا نظریه انتصاب ولایت فقیه با قانون اساسی تضادی ندارد؟**

ج) قانون اساسی جمهوری اسلامی به گونه ای تنظیم شده است که با هر دو نظریه انتصاب و انتخاب سازگار است. وظیفه ی نهاد تعیین رهبر (مجلس خبرگان) در قانون اساسی، اصل 107 به گونه ای نوشته شده است که با هر دو مبنا سازگار است. بنابراین مبنای انتخاب رهبر توسط خبرگان به معنای معرفی شایسته ترین فقیه جامع الشرایط است و بنا بر مبنای انتخاب، اعطای ولایت به اوست. این تفاوت ها تنها در ناحیه ی تحلیل رأی نمایندگان مجلس خبرگان به رهبر است و این تحلیل در قانون اساسی نیامده است. بله، در فراز اول همین اصل (اصل 107) رهبری امام خمینی (ره) به گونه ای مطرح شده است که تنها با مبنای نصب سازگار است. زیرا آمده است: « پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته

شدند.» تعبیر شناخته و پذیرفته، با مبنای نصب سازگار است.

## 148. آیا ولایت فقیه با جمهوریت نظام تضاد ندارد؟

ج) در این جا به دو مبنا در تضاد جمهوریت با ولایت فقیه اشاره می شود: الف) مبنای اصلی تهافت و تضاد میان جمهوریت و ولایت فقیه این است که گمان کرده اند لازمه ی جمهوریت بودن یک حکومت حق رای داشتن مردم است و لازمه ولایت داشتن فقیه محجوریت مردم و رشد بلوغ اجتماعی نداشتن آنان است. پاسخ این است که ولایت در قرآن و روایات به دو معنا استعمال می شود:

1- ولایت بر محجورین که تصدی امور مردگان و سفیهان و صغیران و دیوانگان است. در این معنا از ولایت، مولی علیهم به نوعی عاجز و قاصر از امور خود می باشند و لذا شخصی به نام ولی، تصدی امور آنان را به عهده می گیرد.

2- ولایت حکومتی که تصدی امور حکومتی است. مولی علیهم در این ولایت بالغ، رشید و عاقل می باشند. آیه ی «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»<sup>(1)</sup> که مخاطب این سخن مردم عاقل و بالغ و رشید است. مراد از جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران، معنای دوم است و مردم در این جمهوریت، حق رأی و دخالت در تعیین سرنوشت و نحوه ی حکومت را دارند. در جمهوری اسلامی ایران هم شکل حکومت و هم قانون اساسی آن با رأی مردم تعیین شده است و هم انتخاب رهبری بطور غیر مستقیم از طریق نمایندگان خبرگان توسط مردم صورت می گیرد و هم مردم در انتخاب مسئول قوه ی مجریه و نمایندگان قوای مقننه دخالت دارند.

ب) مبنای نصب فقیه از سوی شارع، ولایت را برای او ثابت می کند، بدون این که

ص: 175

رای مردم در آن هیچ گونه دخالتی داشته باشد و رای مردم در آن صوری است. در حالی که در جمهوریت، دخالت رای مردم حقیقی است نه صوری. طبق مبنای نصب اگر در زمانی بیش از یک فقیه جامع الشرایط وجود داشته باشد اعمال ولایت همه ی آنان باعث هرج و مرج می شود و لذا انتخاب رهبر از سوی مردم تأثیر واقعی دارد یعنی مکانیزم موجود در قانون اساسی برای تعیین رهبر (مجلس خبرگان) یکی از راه های تشخیص ولی منصوب است. در قانون اساسی شرایط خاصی برای ولی فقیه (فقاہت، عدالت، درایت) ذکر شده است و تعیین شرایط توسط قانون، منافاتی با معنای جمهوریت حکومت ندارد زیرا در همه حکومت های جمهوری، رئیس جمهور، باید دارای شرایطی باشد که قانون آن را تعیین کرده است. (1)

### 149. انتصابی بودن ولی فقیه چگونه است؟

ج) در زمانی که امام معصوم از انظار عموم غائب و پنهان است، برای آن دسته از انسان هایی که در هر زمان وجدانی بیدار و فکری آزاد دارند و باید از تعالیم آسمانی به هر مقدار که امکان دارد بهره مند شوند و اگر قدرت پیدا کنند حکومتی اگر چه محدود، به وجود آورند و نظام عدل الهی را پیاده کنند معیارهای مناسب با حکومت اسلامی از طرف امام معصوم تعیین گردیده تا فردی که واجد آن هاست در این مقطع حساس از زمان، دارای نیابت و عهده دار ولایت باشد و این همان ولایت فقیه عادل است. این نصب از این جهت که به شخص خاصی تعلق نگرفته است بلکه هر کسی که واجد اوصاف باشد یعنی فقیه عادل، بصیر و آگاه به زمان باشد می تواند عهده دار ولایت گردد و مقام نیابت را پیدا کند نصب عام محسوب می شود. زیرا با بیان اوصافی کلی که قابل

ص: 176

---

1- برای مطالعه ی بیشتر رجوع شود به کتاب ولایت فقیه، جوادی آملی و کتاب ولایت و دیانت، مهدی هادوی تهرانی

انطباق بر هر کسی است که واجد آن اوصاف باشد ولی مسلمین را در زمان غیبت تعیین فرموده اند و شخص خاصی مورد نظر نیست (و بر فرض تقدیر) یکی از افراد واجد شرایط و اوصاف مذکور، ولایتش فعلیت پیدا می کند و عهده دار امانت می شود و در این فرض، مسئولیت از دیگران ساقط می گردد. این نیابت نظیر والیانی است که امیر المومنین علی (علیه السلام) برای استان ها و شهرها تعیین می فرمودند، با این تفاوت که آنان نایب خاص بودند و فقیه عادل نایب عام است. در زمان حضور ائمه ی دیگر هم این نیابت و ولایت برای فقیه عادل مخصوصا در جاهائی که دسترسی به امام معصوم نداشتند، بوده است، پس نصب عام اختصاص به زمان غیبت ندارد.

## **150. آیا مسأله ولایت فقیه یک مسأله فقهی است و تقلیدی و هر کس باید از مرجع تقلید خود پیروی کند یا یک مسأله عقلی و تحقیقی است که مثل اصول دین انسان خود باید تحقیق کند؟**

ج) اصل مسأله ولایت فقیه، ابعاد، پیش فرض ها و جهات متعددی دارد که هر یک از آن ابعاد جایگاه خاصی در مباحث دارد.

الف - از طرفی این مسأله به اصل ولایت و تولای دینی بر می گردد که مسأله کلامی و مربوط به قلمرو دین است. این بخش از مسأله تنها شامل ولایت فقیه نیست، بلکه ولایت ائمه اطهار و نبی اکرم (صلی الله علیه واله) را نیز در بر می گیرد و چون مسأله، مسأله ای ریشه ای و کلامی است، از آغاز علمای شیعه، امامت و ولایت را در اصول دین مطرح کرده اند.

ب - بخش دیگر این مسأله در مورد این است که اگر پذیرفته شد که اسلام دارای نظام و سیستم حکومتی است، ویژگی های آن سیستم و خصوصیات گردانندگان اصلی به ویژه رهبری که در رأس آن قرار می گیرد و حدود وظایف و اختیاراتش چیست؟ این قسمت از مسأله مربوط به فقه سیاسی اسلام است البته فقهی بودن آن باز به این مسأله نیست که

هر کس باید طبق فتوای مرجع تقلید خود بدان بنگرد و موضع عملی خود را تنظیم کند بلکه در اسلام احکام حکومتی جایگاه رفیع تری دارد و چون نظم و نظام اجتماعی مستلزم وحدت رویه است حتی دیگر مجتهدان نیز با تفاوت آرای که در جزئیات مسأله دارند شیوه‌ی رفتاری خود را باید با معیارهای نظام اسلامی منطبق سازند.

### **151. آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است؟ یا شرعی؟**

ولایت فقیه که عبارت است از حکومت فقیه عادل و دین شناس، حکم شرعی تبعیدی است که مورد تأیید عقل نیز می باشد و در تعیین مصداق آن روش عقلانی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

### **152. آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه ی فقیه ندارد، مسلمان محسوب می شود؟**

ج) عدم اعتقاد به ولایت مطلقه ی فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر حضرت حجت «ارواحنا فدا» ارتداد و خروج از دین اسلام نمی شود.

### **153. آیا ولی فقیه، ولایت تکوینی دارد که بر اساس آن بتواند احکام دینی را به هر دلیلی مانند مصلحت عمومی نسخ نماید؟**

ج) بعد از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) امکان نسخ احکام دین اسلام وجود ندارد، و تغییر موضوع یا پیدایش حالت ضرورت و اضطرار یا وجود مانع موقتی برای اجرای حکم، نسخ محسوب نمی شود و ولایت تکوینی، اختصاص به معصومین «علیهم السلام» دارد. ولی فقیه حکمی را نسخ نمی کند یعنی نمی تواند چنین کاری انجام

دهد، فقط به ضرورت و مصلحت جامعه به اجتهاد فقهی می پردازد و بر اساس احکام اولیه و ثانویه به حل مشکلات جامعه اقدام می کند.

(الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَىٰ وَأَخْرَأَ وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا)

ص: 179



1. آیا ظهور نزدیک است؟ گرد آوری و تنظیم واحد تحقیقاتی گل نرگس، انتشارات شمیم گل نرگس، چاپ چهارم، قم، 1382.
2. اثنی عشریه، شیخ حر عاملی
3. اصالت روح از نظر قرآن، استاد جعفر سبحانی، چاپخانه علمیه، قم، 1358
4. اسلام و مقتضیات زمان، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ پنجم تهران 1374
5. اعلام قرآن، دکتر محمد خزائلی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، تهران 1355
6. انسان شناسی، استاد مصباح یزدی
7. امامت و رهبری، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ دوم، تهران 1364
8. اصول کافی، ثقه الاسلام کلینی (ره)، انتشارات اسوه، چاپ ششم، تهران، 1383
9. پیام قرآن، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، چاپ سوم، 1377.



10. پرسش ها و پاسخ ها، استاد مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، 1377.
11. ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم
12. ترجمه و شرح کشف المراد، شرح علامه حلی، ترجمه و شرح فارسی آیت الله ابوالحسن شعرانی، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، چاپ هفتم، تهران، 1372
14. تعلیم و تربیت در اسلام، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم تهران، 1367
15. ترجمه کتاب البیع، امام خمینی (ره)، ترجمه بی آزار شیرازی.
16. حکومت اسلامی، امام خمینی (ره)، امیر کبیر، 1360
17. حماسه حسینی، استاد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ دوم، تهران، 1376
18. حاکمیت در اسلام (بررسی مراحل ده گانه ولایت فقیه در عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) سید محمد مهدی موسوی خلیجی، انتشارات آفاق، چاپ اول، تهران، 1361
19. حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، چاپ نهم، قم، 1380
20. حدیقه الشیعه، مقدس اردبیلی
21. خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم تهران، 1366
22. خاتمیت، استاد مطهری، انتشارات صدرا، تهران.
23. جلوه حق، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، انتشارات مطبوعاتی هدف، چاپ اول، قم، سال 1373
24. جستجو در عرفان اسلامی، داود الهامی، انتشارات مکتب اسلام، چاپ اول، قم

25. اصول فلسفه و روش رئالیسم ج 5، استاد مطهری، موسسه مطبوعاتی دارالعلم، قم سال 1350
29. رساله نوین، 4جلدی امام خمینی (ره)، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، تهران، سال 1366
27. رساله اجوبه الاستفتاءات، مقام معظم رهبری (دامه ظلّه العالی) انتشارات بین المللی الهدی، چاپ دوم، تهران، سال 1381
28. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج 2
29. شیعه پاسخ می دهد، سید رضا حسینی نسب، زیر نظر آیت الله جعفر سبحانی، انتشارات نشر مشعر، چاپ دهم سال 1383
30. عارف و صوفی چه می گویند؟ میرزا جواد تهرانی، کتابخانه بزرگ اسلامی، چاپ چهارم، 1352.
31. عدل الهی، استاد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ دوم، تهران، سال 1361
32. فصل نامه علمی، تخصصی ویژه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با نام انتظار، صاحب امتیاز مرکز تخصصی مهدویت، قم، سال 1381
33. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، سال 1352
34. قیام و انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استاد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ 21، تهران 1379
35. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پویش اندیشه، چاپ اول، اصفهان، سال 1382
36. گناهان کبیره، شهید عبدالحسین دستغیب شیرازی، انتشارات صبا، تهران
37. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری.

38. مقدمه ای بر جهان بینی توحیدی، استاد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ اول، قم

39. نفس المهموم، ترجمه علامه شعرانی

40. نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم، قم، 1381

41. نظام رهبری و آیین رهرویی در اسلام، عزت الله دهقان

42. ولایت فقیه، آیت الله معرفت

43. ولایت فقیه، (حکوت اسلامی)، امام خمینی (ره)، 1391 (ه. ق.)، 1971 (م.)، بی جا.

44. ولایت فقیه، استاد جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ سوم، تهران. 1369 45. ولایت فقیه و حاکمیت ملت، طاهری خرم آبادی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، 1362.

ص: 184

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

